



باستانشناسی افغانستان

د افغانستان لرغون پيژندنه

شماره مهال غبرگشت ۱۳۶۱



فهرست ای‌نیم‌شاه

مضمون	نویسنده یا مترجم	صفحه
یاد داشت اداره	اداره	
بای منار های غزنی	محمد احسان آرام	-۱-
تعیین سنه نسبی و سنه مطلق	دکتور اکتم بابا یوف	-۵-
پشته های کهن گورستان در	و پوهیالی عبدا لعزیز لطیفی	
کندهار	علمی حیلری	-۹-
دکابل او کندهارا شا هی	زمری محقق	-۱۸-
مندیک	عبدا لظاهر یوسفزی	- ۲۷ -
د جفتو دسیمی څخه داسلام	صدیق الله عتیق زوی	-۳۲-
خینی آثار		
کپزاد ، تاریخ شناسی پر چکاد	فانوس	-۴۵-
تاریخ		
کوتاه گزار شی از کاوش های		
تپه مرنجان		-۵۷-
ترمیم برج شهرآرا .		-۶۱-

نمای عمومی بخش شرقی برج
شهرآرا پیش از ترمیم .

شرح روی پستی :

برای تفصیل بیشتر بنگرید :
(صفحه ۶۱) همین شماره .

مطبعة دولتی



مجله ششماه تحقیقی و علمی باستان‌شناسی

شماره دوم سال پنجم

خوت ۱۳۶۲

شماره مسلسل (۱۰)

پادداشت اداره

بخصوص مرحله تکاملی آن، باستان‌شناسی افغانستان در پرتو اهداف مترقی، انقلاب امکانات، بالندگی و باروری بیشتری یافته که نمونه ارزنده و چشمگیر آن تصویب و انفاذ قانون حفظ آثار باستانی، احیا و گسترش موزیم ملی افغانستان بوده‌میتواند.

تدوین و انفاذ قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی در راه پاسداری انسجام و نگهداشت آثار تاریخی و فرهنگی باستانی برای نخستین بار، موارد باستانی ما را به مال مشترک و محصول ارزنده نسل‌های پیشین از دستبرد پراگندگی و سودجویی مصون و نگهداشته می‌دارد.

بوسیله اداره باستان‌شناسی افغانستان که رسالت پاسداری کشف و شناسایی موارد باستانی ما را بدوش دارد، بویژه در سال‌های اخیر بعد نوینی برگستره تاریخی دیرین سال‌ها گشوده است.

کار شناسان باستان‌شناسی و تاریخ‌پردازان مادرچهارچوب این اداره باوجود موانع جدی نظام‌های شرتوت گذشته در قبال آثار باستانی وحیف و میل آن در جهت مطامع سودجویانه طبقات حاکم، دستاوردهای چشمگیری در گسترش پیشینه نامکشوف تاریخ کهن ما داشته‌اند، که باوجود ناکافی بودن خود ارجناک‌اند.

بعد از انقلاب شکوهمند ثور

میهن ما کشور یست کهن سال که در آن آثار و بقایای دوره‌های گونه‌گون تاریخ موجود است، ز آثار دوران سنگ (ماقبل تاریخ) گرفته نادوره‌های تاریخی پیش از اسلام و بعد از اسلام، از همینرو موجودیت پیشینه تاریخی و باستان‌شناسی گسترده در وجود مواضع حفر شده آبادات عمارات و شهرهای تاریخی و نمایر آن که از زمره مواد مادی و هونق ثبت گردونه‌های تاریخ‌اند،

در جهان کنونی نیز یکی از وجوه شناخته شده و آوازه‌گر هویت واقعی میهن ماست.

کاوش‌های باستان‌شناسی همراه با پژوهش‌های گسترده تاریخی

افزون بر آن اداره باستانشناسی افغانستان به اساس پلان های در دست داشته مطابق مشی فرهنگی حزب و دولت انقلابی همه ساله مبالغ هنگفتی را در راه باز سازی، ترمیم و نگهداری آثار باستانی منظور میدارد که بدان وسیله از آبادات و بقایای باستانی مهم کشور نگهداری و مواظبت به عمل می آید .

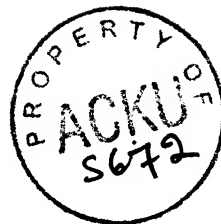
در سال جاری که باستانشناسی افغانستان با پیوستن به اکادمی علوم ج.د.ا. کانون معتبر علمی و پژوهشی کشور و امکانات تازه تحقیقی یافته و به حیث یک موسسه پژوهشی بقا یا و آثار باستانی و تاریخی تثبیت گردید. به این اساس سلسله تحقیق و تتبع در بخش های متنوع باستانشناسی کشور از جانب کارمندان علمی و مسلکی مطابق به مقرره جدید اکادمی علوم ج.د.ا. ادامه داده شده، رساله ها و پروژه هایی تهیه و آماده گردید .

همچنان باستانشناسی افغانستان در پهلوی تحقیق مطالعه و پژوهش در تاریخ کهن و بقایای باستانی کشور، در بخش حفظ و نگهداری از آبادات تاریخی بویژه در پروژه بین المللی هرات و روضه شاه ولایت مابین در ولایت باستانی بلخ به ارزش پنج ملیون نهصد هزار افغانی کار هایی انجام داد. در مرکز کابل نیز علاوه بر تسجیل بعضی نقاط باستانی در دو نقطه برج شهر آراوتپه مرنجان امور ترمیم و کاوش را بوسیله باستانشناسان و کارشناسان خود پیش برده است که قرار است در سال های آینده نیز ادامه یابد .

همچنان اداره ثبت و سجل آثار باستانی و تاریخی باستانشناسی افغانستان در پر تو رهنمود های قانون حفظ آثار باستانی و فرهنگی که از خروج غیر قانونی و خودسرانه آثار باستانی جلوگیری می کند مقرره های روشنی را در امر تثبیت شناسایی و ارزیابی آثار باستانی

ارائه میدارد وظایف خود را درقبال آثار باستانی انجام می دهد . این اداره نه تنها در ثبت و سجل و تسلیم دهی پاره یی از آثار تاریخی بدست آمده به موزیم ملی کار کرده است بلکه در کار رهنمایی و کنترول معامله گران و تاجران آثار عتیقه همواره تلاش داشته است، چنانکه در سال جاری از درک فروش دفترچه های جنسی معیاری، توزیع جواز نامه آثار تاریخی و فرهنگی و حق الصدور اشیای غیر باستانی، مبالغ هنگفتی عاید بودجه دولت نموده است .

باستانشناسی افغانستان توانا با کار های تحقیقی و مطالعه و کاوش بخش های باستانی، پس از این همچنان نیکه ترمیم و باز سازی آبادات و پاسداری از آثار باستانی را مطمع نظر قرار می دهد، کار کاوش و تحقیق در باز مانده های باستانی را نیز با سروی و حفريات تازه در جهت تطبیق برنامه های فرهنگی حزب و دولت انقلابی انجام خواهد داد. (اداره)



تتبع و نگارش
محمد احسان ارام

پای منارهای غزنی

است. چشمه های مذکور در زمان علاوالدین جهان سوز و حملات چنگیز دگرگون گردیده و از بین رفته است. چنانچه عده از این چشمه ها هنوز هم باقی بوده و مردم قریه روضه غزنی در آبیاری باغهای خود از آنها استفاده میکنند. همچنان از سر بند شهر (واقع عقب بالاحصار غزنی) بفاصله سه کیلو متری ساحل راست رودخانه فعلی در حدود قلعه سعید و آزاد خان، خرابه های شهر خشک دیده میشود که آب آن پس از عبور تونلها و چاه ها به همین حوزه پای منار ها میرسد و در سر سبزی و آبادانی آن سهم داشته است. علاوه بر این برای آبیاری ساحه پای منار ها از آب بندر که در شمال شرق غزنی واقع گردیده و فعلا سهم موجود بوده، نیز استفاده میشود است.

حفریات

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی مطابق ۱۹۵۷ میلادی به اساس قرار داد (۲) قبلی که بین دولت افغانستان و ایتالیا عقد شده بود، هیات ایتا لوی تحت ریاست پرو - فیسور ژوزف توچی رئیس خاور

آرامگاه پدر به حیث بقعه سلطانی چون محمود متروک گذاشته بود تا هنگامیکه دستگاه شاهی مسعود تکمیل و تعمیر شود، موقتاً موضع موسوم به افغان شال در کوشک محمودی مقر شاهی و منزل دستگاه سلطنتی آغاز نمود.

در این حوزه که مسلط بر تمام ساحه غزنی بوده و بالای راسوق الجیشی و تجارتی واقع شده، قصر مسعود سوم نیز قرار داشته و پرو - فیسور بمباچی عقیده دارد که قصر مذکور شاید در عهد سلطنت ابراهیم و پسرش مسعود سوم اعمار شده باشد. همچنان وی معتقد است که این قصر از تباه کاریهای غوریان نجات یافته، ولی بعدها مورد استفاده و هجوم قشون یفتلیها قرار گرفته است. همین طور بمباچی عقیده دارد که این کاخ تا عهد خوارزم شاهیان آباد بوده و سرانجام حملات مرگ باری مغل آنرا برباد داده است.

حوزه باستانی پای منار ها که در دامنه کوهی واقع شده در زمانه های باستان بواسطه تقریباً ۱۸ چشمه آب که از چشمه دامنه های کوه مذکور جریان داشته آبیاری میشده

پای منار های غزنی به مسافه تقریباً سه کیلو متر شمال شرق شهر موجوده غزنه واقع بوده و شامل مل دو قسمت میا شد: یکی قصر مسعود سوم و نواحی آن که بفاصله تخمیناً صد متر جناح شرقی آرامگاه سلطان ابراهیم و بطرف جنوب سرک سابقه قریه روضه (قریه مذکور در حدود شش کیلو متری شمال شرق شهر فعلی غزنی موقعیت دارد) و در کنار معروف (۱) غزنی واقع شده و دیگر تپه سنجر که به جانب شمال سرک و منار های مذکور موقعیت دارد.

اجمال تاریخی :

حوزه باستانی پای منار ها (۲) در عهد غزنویان خیلی با اهمیت بوده و فکر میشود که ساحه مذکور در آن زمان شهری بوده است، دارای قصر ها باغها و نخلستانها و عده از مورخین همین ساحه را افغان شال یا افغان شال دانسته و نظر به توزیع ابوا - لفضل بیهقی، باغ محمود هم در همین ساحه موقعیت دارد.

چنانچه بیهقی گوید: «سلطان مسعود ابن محمود آوانیکه به حیث سلطان از بلخ نخستین بار به غزنه نزول کرد، قصر فیروزی را به احترام

شناسان ایتالیا و سرپرست هیات ایتالوی در غزنه و محترم احمد علی- کهزاد رئیس هیات افعانی به غزنه وارد و بعد از سروی خرابه های تاریخی غزنی دو ساحه را برای حفريات و تحقیقات انتخاب نموده اند. یکی ساحه تپه سر دار و دیگر حوزه باستانی پای منار ها به ذیلا پیرا- مون آن روشنی انداخته خواهد شد.

در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی مطابق ۱۹۵۷ میلادی هیات ایتالوی تحت ریاست پرو فیسور توچی و هیات دو نفری موزیم هاوارد غزنی گردیده. و برای او لین بارحفریات در حوزه باستانی پای منار ها توسط پرو فیسور شرانو بمباچی آمر پر- وژه و دو نفر باستان شناس ایتالوی اعاز کر دید. حفیر- یات مذکور در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی مطابق ۱۹۵۷ میلادی شروع گردید و تا حدود ۱۹۶۴ یعنی برای مدت تقریبا هفت سال ادامه یافت. طی این مدت هیات افغانی و ایتالوی همه ساله برای مدت ۳ الی ۴ ماه در ساحه مذکور حفريات نموده و به ترمیم آثار آن پرداخته اند.

آثار: -

بعد از مدتی حفريات در تپه- سنجر یکتعداد ظروف سفالی و آثار سنگی از چند اطاق (۴) بدست آمد ولی از اینکه شواهدی حفیری مو- جودیت آثار بیشتر را در تپه مذکور و اعمق نمیساخت بنا به همان ظروف سفالی و آثار سنگی اکتفا شده و از ادامه کاوش های بیشتر در آنجا صرف نظر شد.

همزمان باین حفیری در خرابه های آرامگاه سلطان ابراهیم نیز کا- و شها صورت گرفت و در نتیجه عمارت بزرگی دران ساحه و انمود شد که ایتالو یها انرا قصر مسعود سوم نامیدند.

طی کاو شبهای باستان شناسی دوامدار که در ناحیه قصر مسعود سوم صورت گرفت، يك تعداد زید آثار منقول سنگی، فلزی، سفالی و آثار غیر منقول مانند قصر مسعود سوم، مدرسه ستون پایه ها، حمام و غیره که همه آنها مربوط دوره غز- نویان میباشد کشف گردید.

۵- تعداد آثاریکه در اثر حفیری ساحه باستانی پای منار ها (نواحی قصر مسعود سوم و تپه سنجر) بدست آمده تقریبا در حدود اضافه از شش هزار و پنجاه و سه قلم بوده که بعد از تقسیمات (۶) با هیات ایتالوی تقریبا پنجاه و سه قلم آن به موزیم کابل غرض نمایش آورده شده است. از جمله پنجاه و سه قلم یکتعداد آن در نمایش بوده و باقی در دیپو میباشد.

بقیه آثار در غزنی بوده که يك تعداد آن در موزیم هنری اسلامی یعنی در زیارت سلطان عبد الرزاق واقع قریه روضه غزنی بنمایش کذاشته شده و يك تعداد آن در دیپو نگهداری میشود.

ذیلا آثار مکشوفه ساحه باسا بی پای منار ها در دو قسمت علیحده تحت عنوانین:

الف.- بررسی آثار از نقطه نظر هنر و سبک.

ب.- مواد ساختمانی و مصالح تعمیراتی مورد مطالعه قرار میدهم.
الف: بررسی آثار از نقطه نظر هنر و سبک

مجموعه آثار اسلامی (به استثنای بعضی مجسمه های مرمری مانند مجسمه برهما که از هند آورده شد است.) که در اثر کاوش های هیات باستان شناسی افغانی و ایتالوی از حفريات پای منار ها بدست آمده، مربوط به هنر اسلامی غزنی و ممالک همجوار بوده و بعضی تا ثیرات کمی

هنری هندی (۷) و عربی نیز در آن دیده میشود.

آثار مذکور نشان دهنده یی جلال و عظمت تمدن غزنویان در قرون یازده الی سیزده میلادی میباشد، از تمامی تخنیک های هنر اسلامی بر خور- دار بوده و مشتمل است بر مجموع عه احجار مرمری، ظروف فلزی و ظروف سفالی منقوش جلادار و بدون جلا. احجار مرمری که از غزنی بدست آمده همه یاد گار های فرهنگ بزرگ غزنویان در قرن ۱۱ میلادی بوده و موضوع حجاری این لوحه های مرمری انعکاس دهنده خاطره های قبل از اسلام کشور ماست.

چنانچه بنا بر گفته باستان شناسان شکل زیبای شیر در حال قدم زدن به يك حالت سریع، اشکال حیوانات زمان ساسانی ها را روی سنگ ها در نظر انسان مجسم میسازد.

لوحه در روی مرمر با نقش شیر که دارای ارتفاع (۳۷) سانتی متر بوده و در عقب آن اشکال تزیینات بشکل برگها دیده میشود. آثار فلزی غزنی شامل ظروف از قبیل کاسه، آفتابه، تشت، رکاب، چراغ پایه و غیره بوده و فکر میشود از مرکزیکه در قرن ۱۳ میلادی در ساختن ظرفهای فلزی شهرت داشته اند از هرات به غزنی آورده شده باشند.

همچنین موجودیت صنایع دستی برنج سازی و مسگری کنونی غزنی، نمایانگر این حقیقت است که شاید این ظروف در خود غزنی ساخته شده باشد. در برخی از این ظروف فلزی پارچه های فلزی دیگر (مانند مس و نقره) در متن نصب و حتی حل شده که تاریخ این هنر بدوره قبل از غزنویان تعلق میگیرد.

چراغ فلزی که فعلا در موزیم کابل موجود است ارتفاع آن ۷۰

سانتی متر بوده وقاعده مدور آن روی پنجه های حیوان نا مشخصی بدشته شده و کلاهک گلدانی در بالای آن قرار گرفته. این تزیینات و اشکال به سبک هندی کار شده، این چراغ مربوط قرن ۱۲ هجری بوده و در پشت قاعده آن نوشته های برسم الخط کوفی دیده میشود که مربوط حوزه باستانی پای منار ها میباشد. ظروف سفالی منقوش جلادار که در روی آنها اشکال حیوانات مخصوصا صا پرندگان و غیره دیده میشود و باستانشناسان عقیده دارند که شاید ظروف مذکور از نواحی کاشان به این منطقه آورده شده باشد. هکدا در موزیم کابل کاسه کاشی جلادار وجود دارد که دارای قطر چهار در پازده سانتی متر بوده و در بین دایره های آن اشکال پرندگان و نوشته های برسم الخط عربی دیده شده. این کاسه های تیکری جلا دار مربوط قرن ۱۲ الی ۱۳ میلادی بوده و شباهت به ظروف سفالی سالها اول قرن ۱۲ میلادی گرگان و کاشان دارد و این هم امکان دارد بشکل واردات به این ساحه آورده شده باشد.

باستان شناسان ایتالوی برای اثبات این نظر خود عدم موجودیت داشها و دستگاه های سازنده ظروف سفالی را در غزنی دلیل آورده و میگویند تا کنون در اثر کاوشهای باستان شناسی شواهد از دستگاه سازنده این آثار در غزنی بدست نیامده است. اما این دلیل چندان درست بنظر نمی رسد. زیرا امکان دارد دستگاه های سازنده این ظروف در غزنی موجود بوده باشد که تا حال کاوشهای محدود باستان شناسی موفق به پیدا ییش آن نشده باشد، ممکن است در آینده با حفاری های بیشتر این معضله روشن گردد و هکذا نا گفته نماند که بعضی سفال های منقوش که دارای نقش های سیاه قهوه ای - سرخ - و نارنجی به اشکال

هندسی بوده که بدون لعاب شیشه و جلانیز کشف گردیده است.

ب: مواد ساختمانی و مصالح تعمیراتی

در مورد مواد و مصالح ساختمانی آثار منقول حوزه باستانی پای منار ها که عبارت بوده است از سنگ های مرمری مواد فلزی و سفال و مواد سفال جلادار و شیشه. در قسمت بررسی آثار از نقطه نظر هنر و سبک تذکرات دادیم در اینجا در باره مواد ساختمانی و مصالح تعمیراتی آثار غیر منقول حوزه مذکور بحث خواهیم کرد.

در ساختمان آثار غیر منقول حوزه باستانی پای منار ها مانند قصر مسعود سوم مدرسه و حیاط آن - حمام و غیره تا اندازه سبک معماری عباسیان (۸) را دارد. پارچه های معماری از گچ با تزیینات، هندسی سنگ های شکسته و تراش شده و بعضا تخته سنگ های مرمری با تزیینات طبیعی و رسم الخط کوفی، خشت خام خشت پخته، گچ، گل پخته، آهک، چوب و آهن بکار برده شده است. مواد مذکور گاه گاهی جدا جدا و زمانی بطور یکجایی بکار رفته است.

چنانچه سنگها به صورت شکسته و خورد در تپهها و گاهی بصورت تراش برای ستک فرشها (سنگ مرمر) بکار برده شده است از خشت خام که از یک گل نضواری رنگ روشن درست شده با گل خاکی رنگ بایک دیگر محکم گردیده معمولا در دیوار ها استفاده شده است.

خشت پخته که در بعضی جاها با گچ به هم دیگر محکم شده، اکثر در جاها یکه مقاومت و استحکام مدنظر بوده (مانند دیوار ها) بکار رفته و بعضی اوقات در قسمت هایی که توجه و التفات زیاد بد آنها معطوف شده مانند شبکه کاری اطاقها و فرشها نیز مستعمل است.

گچ و گل برای تمیز سطوح خشت خام و پلاستر و محکم کردن خشتها با هم دیگر بکار برده شده و از آهک برای پلاستر کاری نیز استفاده شده از پخته عموما برای سقف ها و بعضا هم در تپهها بها با سنگ استفاده صورت گرفته است.

همین طور از چوب و آهن علاوه از دروازه ها و کلکین ها در ساختمان چوکت های چوبی و زنجیر ها بخاطر حجراتی چسپنده مواد کل عمارت و تولید قوه ارتجاعیه برای جلوگیری از زلزله استفاده گردیده است.

باید یاد آور شد که تقریبا درهمه آثار و تزیینات ساحه باستانی پای منار ها نقش و نگار های رنگین نیز دیده میشود. در این نقش و نگارها رنگهای زرد طلایی، سبز و سرخ آرایش بمقاصد جداگانه بکار برده شده است. چنانچه رنگ زرد طلایی برای حروف و کاری سرخ و سبز برای زمینه پردازی و رنگ سفید بمقدار خیلی کم در پهلوی رنگ سرخ استفاده شده است.

مآخذ

- ۱- تاریخ مختصر افغانستان. جلد اول از پوهاند عبدالحی حبیبی ناشر کتاب چاپو لو موسسه وانجمن تاریخ. کابل سال ۱۳۴۶ هجری شمسی.
- ۲- هنر قدیم افغانستان. نویسنده رولاند، مترجم احمد علی کهزاد.
- ۳- افغانستان در پوتو تاریخ. مولف احمد علی کهزاد. کابل سال ۱۳۴۶ هجری شمس.
- ۴- وضع اجتماعی دوره غزنویان. نویسنده دکتر محمد اکبر مددی. کابل سال ۱۳۵۶ هجری شمس.
- ۵- افغانستان به یک نظر. تالیف میر غلام محمد غبار. کابل ۱۳۲۶ هجری شمس.

۶- قاموس جغرافیای افغانستان
جلد اول. دایره المعارف. کابل
سال ۱۳۲۲ هـ ش

۷- مجله آریانا: شماره (۸) سال
(۴) افغانستان. کابل- ۱۳۳۵ هـ ش

۸- مجله آریانا. شماره: ۱۲ سال
۱۷. افغانستان. کابل ۱۳۳۹ هـ ش
۹- مجله افغانستان بزبان
انگلیسی. شماره اول: نمبر مسلسل
۳۱ افغانستان کابل. جون ۱۹۷۸
میلا دی.

۱۰- نشریه از فعالیت های از
میوزبان انگلیسی شماره های سوم
چهارم نمبر مسلسل ۳۲۲ ایتالیا
سپتمبر و دسمبر ۱۹۷۲ میلادی

۱۱- استفاده از معلومات شفایی
پرو فیسور جوزیف توچی و پرو -
فیسو مور یسوتوری .
پانویسی ها :

۱- دو منار معروف غزنی به
جانب شمال شرق شهر حالیه غزنه
بوده و در حدود چهار صد قدم از یک
دیگر فاصله دارند. بنای منار ها را
که به شهر غزنی نزدیک میباشد .
به بهرام شاه نسبت میدهند و
میگویند وی آنها به یاد بود فوتوحات
خویش در حدود سالهای پنجم
و پانزده الی پنجم و بیست و پنج
هجری شمسی آباد کرده است .

در حالیکه منار قریه روضه رایاد-
گار فوتوحات مسعود ابن ابراهیم
دانسته و اعمار آنها در حدود سال
۵۰۰ هجری شمسی میدانند .

۲- این حوزه نظر به اینکه در پای
(دامنه) دو منار معروف غزنی قرار
دارد، بنام ساحه باستانی پای منار
هامسما شده است . چون غیر ازین
دلایل معلومات بیشتری در مورد
نامگذاری حوزه مذکور بدسترس
نیست، بناء با ارائه همین معلومات
مختصرا از ذکر بخش جداگانه وجه
تسمیه حوزه مذکور صرف نظر
گردیده.

برای معلومات بیشتر رجوع شود
به مقاله غلام جیلانی جلالی تحت
عنوان آثار متروکات ناصر غزنه در
شماره های ۵-۶-۷ و ۸ سال ۱۳۴۳
هـ مجله آریانا .

۳- برای معلومات در مورد قرار
داد رجوع شود به ارفیاف انستیتوت
باستانشناسی و موزیم ها .

۴- از اینکه آثار مذکور در اتاقها
سالم بدست آمده چنین فکر میشود
که اتاقهای مذکور شاید در اثر یک
حادثه ناگهانی در زیر خاک شده و
از بین رفته است .

۵- به استثنای بعضی از مجسمه
های مرمری مانند مجسمه برهما که
از هند آورده شده .

۶- روش تقسیمات طوری بوده
که از جمله آثار که دوکاپی وجود
داشته باشد یکی به جانب افغانی و
دیگر آن بطرف ایتالوی ها تعلق
میگرفت. آثاریکه تنها یک کاپی بوده
به جانب افغانی سپرده شده است.

۷- پرو فیسور شیراتو بمبا چی
معتقد است که هیچ گونه اثر مستقیم
ویا غیر مستقیم که نمایندگی نفوذ
هنر هندی کند در تزیینات غزنی
دیده نمیشود. لیکن او در باره پارچه
های آرامگاه مسعود اول که گو دار
به آن اشاره کرده میگوید که میتوان
ارتباط آنها بدوره غوریان که مرکز
هنری میباشد و مانند مرکز سیاسی
به سوی هند در حرکت شده،
دانست .

۸- نظر به نوشته پرو فیسور -
شیراتو بمبا چی آمرهیات باستانشناسی
ایتالوی در غزنی تحت عنوان
اولین تجسس در غزنی - شماره ۱۲
سال ۱۷- ۱۳۳۸ مجله آریانا نشر
گردیده است .

نویسنده گان:
دو کتور اکتام بابا یوف و پوهیالی
عبد العزیز لطیفی .

تعیین سنی و سنی مطلق آثار باستانی

افغانستان کشور است که در طول ازمنه باستانی دارای مدنیت های مختلف باستانی بوده علما و دانشمندان این سرزمین را ازنگاهی داشتنی آثار باستانی به موزیمی شباهت میدهند که بام و محوطه ندارد. کاوش ها و حفاریت باستانشنا - سی در افغانستان سابقه زیادی ندارد. اولین بار در سال ۱۹۲۲ م تحقیقات علمی بصورت رسمی آن شروع شد بعد از این تیم باستان - نشنا سان فرانسه، آلمان ایتالیه، انگلستان، امریکا، جاپان و اتحاد - شوروی در افغانستان به تحقیقات علمی پرداختند.

درین تحقیقات مناطقی چون قره کمر، غار مرده گوسفند، او پیرت، هزار سم، دشت ناوه دره چقماق، تاشکدر او چتپه و غار مار بد خشان (عصر سنگ) مدنیت های سیستان کویته و مندبگگ قندهار (دوره سنگ و مس مفرغ) بگرام آی خانم، دلبر جین، هده، طلا تپه بلخ قدیم (عصر آهن) کشف گردید. ولی تعیین تاریخ نسبی و مطلق آثار

بدست آمده این تحقیقات در لایرا - توار های کشور متذکره فوق صورت گرفته. ولی خوشبختانه تحقیقات باستان شناسی در تپه مر نجان مستقلا از طرف تیم باستانشنا - سان اکادمی علوم جمهوری دیمو - کراتیک افغانستان صورت گرفته است. برای اینکه پیرامون تعیین تاریخ آثار مکشوفه تپه مر نج - بصورت دقیق ارزیابی بعمل آید. مانویسنده کان این مقاله لازم دیدیم در ارتباط به تعیین تاریخ آثار با - ستانی کشف شده مقاله تحت عنوان میتود های تعیین تاریخ مطلق و تعیین تاریخ نسبی آثار باستانی از منابع و ماخذ مختلف به رشته تحریر در آوریم تا باشد که در آینده در صورت امکانات از این میتود ها استفاده بعمل آید .

علم باستان شناسی کلتور انسانی را از آوان پیدایش و بر روی کره زمین مورد مطالعه قرار میدهد. جهت دانستن کلتور انسانی در ادوار مختلف باستانی بر روی کره زمین به کاوش های باستان شناسی

ضرورت است. کار حفاریات یا کاوش یک سلسله تکنیک های را ایجاب میکند تا اشیا و مواد مفید مدفون شده از طبقات و اقشار زمین بدست آید. بعد از انجام حفاریات در مرحله اول اشیا و آثار بدست آمده باستانی تنظیم میگردد. در مرحله دوم آثار بدست آمده با در نظر داشت زمان و مکان و شکل تحلیل و تشریح میگردد. تحلیل و تشریح آثار از نگاهی زمانی یعنی معلوم نمودن عمر یک سلسله روش ها یا میتود های خاصی را ایجاب میکند که این میتود ها از طرف باستان شناسان و دیگر علمای علوم طبیعی به حیث میتود های تعیین سن مطلق و سنه نسبی آثار و اشیای باستانی روی دست گرفته میشود .

موضوع تعیین تاریخ بری آثار و اشیای باستانی کار نهایت پیچیده میباشد. برای این کار باستانشنا - سان از روش های زیادی استفاده میکنند. باستان شناسان قبل از تعیین سن مطلق آثار اولاسنه نسبی انرا تعیین مینمایند و بعدا به استفاده

از روش‌های مشخص و تعیین شده، به دریافت سنه مطلق آنها می‌پردازد.

در روش تعیین تاریخ نسبی آثار و اشیای باستانی لتور ها آثار و رویداد ها به ارتباط با حدود و پدیده های مهم دیگر ارزیابی میشود لیکن در روش تعیین تاریخ مطلق آثار از تکنیک های قبول شده برای در یافت سنه اصلی و واقعی استفاده میشود .

باستنا نشنا سان اکثرا برای تعیین سنه نسبی از روشن های تعیین تاریخ نسبی چون ستراتیگرافی، تیپولوژی، تحلیل کیمیا و ی مقدار فلورین و نایتروجن و اصول تحول اسلوب در مرحله اول تعیین تاریخ به نسبت سهولتی که در پرو سه کار آن ها موجود است بیشتر استفاده میکنند.

در اوایل قرن بیست دانشمندان چون ویلارد لیبی و داکتر داگلاس امریکائی چرلس بابویچ

بارون گیراردی سویلین میتود های تعیین تاریخ مطلق را چون میتود رادیو کاربن دندرو کرونو لوزی پالیوم مگنتی.

radio-magnetic

تحلیل طبقات یخچالی و هدایت صوت دراستخوان را به وجود آوردند . باید گفت ذریعه میتود های فوق باستنا شناسان حکم مطلق پیرامون تاریخ و قدمت اشیای و آثار باستانی کرده میتوانند .

۱ : میتود رادیو کاربن

این میتود در سال ۱۹۴۹ توسط داکتر ویلارد لیبی به وجود آمد موصوف به پاس این خدمت مهم واز زنده ای خود موفق به دریافت جایزه نوبل شد از این میتود غالبا در پرا بلم های عمده و بفرنج تعیین تاریخ مطلق آثار باستانی استفاده بعمل

می آید. میتوان گفت که این میتود دقیقترین و پیچیده ترین میتود برای تعیین سنه مطلق اشیای و آثار باستانی میباشد. تعیین تاریخ مطلق به اساس این میتود تا ۵۰۰۰ سال قبل از امروز میسر میباشد . (۱) برای اینکه فهمیده شود میتود و پرو سه کار این روش چگونه است چنین توضیح میشود :

جسم زنده حیوانات و نباتات در جریان زنده کی یک مقدار کاربن را که با اکسیجن و (لاربن-۱۲) در اتمو سفیر زمینی مخلوطه میباشند احدی مینمایند این مقدار کاربن ۱۴ در پرو سه تبادله اکسیجن در اجساد همه موجودات زنده داخل میگردد. بعد از مرگ جسم زنده حیوان یا نبات کاربن (۱۴) موجود در ساختمان فیزیکی حیوان یا نبات تجزیه میشود. این پروسه تجزیه کاربن (۱۴) به یک سرعت در یک مدت معین صورت میگیرد. برای اینکه مقدار کاربن (۱۴) جسم زنده به نصف تقلیل یابد مدت ۵۷۳۰ سال سپری شود و بار هم برای اینکه مقدار باقیمانده یعنی همان نصف بار هم به نصف تقلیل یابد مدت ۵۷۳۰ سال وقت لازم است. بدین ترتیب در ظرف ۱۱۵۶۰ سال سه برچهر حصه مقدار کاربن (۱۴) جسم مذکور تجزیه شده و صرف چهارم حصه مقدار کاربن (۱۴) باقی خواهد ماند بدین ترتیب میتود را محاسبه مقدار باقیمانده کاربن (۱۴) در جسم کشف شده حیوان یا نبات معلوم کرد که قدمت آنرا یافت شده به چند سال میرسد .

کاربن (۱۴) تازه در هر ثانیه (۱۵) گرام مواد خود را از دست میدهد در حالیکه کاربن (۱۴) دهنه در هر ثانیه (۷۵) گرام مواد خود را بیرون میکند در این پروسه کاربن (۱۴) مجددا به نایتروجن (۱۴) مبدل میگردد و طی پروسه مذکور ذرات (بیتا) را از دست میدهد که توسط

فور مول ذیل ارائه میگردد. بیتا جمع نایتروجن ۱۲ مساوی کاربن ۱۴

چون ما میتوانیم مقدار موجود کاربن رادیو اکتیف رادیو کربن را در یافت نمائیم و این منظور به طور ساده از طریق پیمایش معدر رادیو اکتیویتی در چوب ذغال صد استخوان یا مواد دیگر عضوی مربوط به یک محل حفاریات برآورده میشود. لذا عمر محل مذکور بدست می آید. پیمایش مذکور از طریق یک پروسه نسبتا بفرنج تصفیه مواد عضوی و تبدیل نمودن آن به شکل گاز صورت میگیرد. اندازه تشعشع کاربن (۱۴) بایک الة خاصی محاسبه میگردد. از نگاهی تیوری در اخیر این پروسه یک تعداد کم کاربن رادیو اکتیف در بقایای موجودات حیه باقی میماند. در عملی بنابر حساس بودن آلله های پیمایش که امروز میسر است روش تعیین تاریخ به طریقه کاربن (۱۴) تا تقریبا ۵۰۰۰ سال قبل از امروز استفاده میشود . (۲)

۲- اصول پالیو مگنتی :

این میتود تعیین سنه مطلق اشیای و آثار باستانی بنام مطالعه سمت مقناطیسی نیز گفته شده این طریقه از لحاظ میتود کار با میتود رادیو کاربن فرق دارد ولی در پروسه کار آن نسبت به طریقه رادیو کاربن دارای سهولت های میباشد به همین سبب باستنا نشنا سان در آنرا موارد از این روش یا میتود استفاده میکنند اساس کار این میتود را پیدا نمودن سمت مقناطیسی اشیای و آثاری میباشد که از گل یا فلز خام ساخته شده باشد. و بعد از دا ش پخته شده باشد که در چنین حالات تمام این نوع اشیای سمت مقناطیسی خود را با گذشت زمان به حالت ثابت نگه میدارند. در حالیکه کره زمین سمت مقناطیسی خود را همه ساله به یک حد معینی تغییر میدهد. بناء باستنا نشنا سان قطب مقناطیسی آنرا تعیین مینمایند

که بکدام درجه قرار دارد و بعداً آن درجه را از درجه حالیه زمین یا سمت حالیه قطب مقناطیسی زمین تفریق مینمایند و به اساس محاسبه فرق هر يك سال سنه مطلق اینگونه آثار به اساس دریافت میگردد. (۱).

۳- اصول دندرو کرونو لوجی : اصطلاح دندرو کرونو لوجی از سه کلمه های یونانی Dendro

(درخت). Chrono (وقت).
ولوئیه Logy علم تشکیل یافته این کلمات مفهوم مطالعه سن یا عمر در ختان رامیر ساند. اولین تحقیقات پیرامون سنه مطلق اشیا و آثار باستانی ذریعه این میتود توسط کریس بابویچ انگلیسی بعمل آمد ولی بعداً داکتر داگلاس امریکایی در سال (۱۹۲۹) برای نخستین بار این سریعه را در عمل پیاده نموده . داگلاس علاقه زیادی به مطالعه تاریخات طویل المدت لکه های آفتاب بر اقلیم و آب و هوای زمین داشت و میکوشید تا به این معما پاسخ تهیه کند که آیا حلقه های درخت میتواند حکایتگر اقلیم و آب و هوای گذشته باشد. (۴)

دندرو کرونو لوجی روش بسیار دقیق تعیین تاریخ مطلق اشیا و آثار باستانی میباشد اساس کار این روش روی شکل و نمونه های حلقه های همه ساله در ختان میباشد که بگذشت سالیان یکی پی دیگر در ساختمان فزیکتی تنه درخت به وجود می آید. تنه در ختان همه ساله يك حلقه جدید چوب را در ساختمان فزیکتی خود اضافه میکنند ضخامت این حلقه ها همه ساله به يك اندازه نمیشد علت آنرا به نسبت تغییرات جوی روی زمین میتوان خلاصه نمود یعنی حلقه های ضخیم تنه درخت نماینده گی از رطوبت کافی سال و باریکی حلقه ها نماینگر عدم رطوبت

کافی برای درخت در سال میباشد. در لابراتوار کیمیا و فزیک مورد از روی شمارش حلقه های تنه درخت میتوان گفت که درخت چندسال عمر داشته توسط این میتود چوب های عمارات، لنگر گاهای کشتی، پل های قدیمه و غیره را سنه گذاری مینمایند. از این طریق به در امرید برای مطالعه چپری های مردمان بومی استفاده شده ولی این روش دارای این نقص میباشد که تنها عمری را که درخت کدرانده میتوان معلوم کرد توسط این میتود عمر اشیا که مربوط به يك کلتور باشد نمیتوان دریافت.

اصول دیگری که در این اواخر برای تعیین کردن سنه نسبی و مصوب اشیا و آثار باستانی به میان آمده عبارت از اصول هادی صوت میباشد. دانشمندان بعد از تحقیقات علمی ثابت نمودند. که استخوان حیوان و انسان هادی صوت میباشد. به هر اندازه تیکه استخوان حیوان و انسان مدت زیادی را در زیر زمین سپری نموده باشد به همان اندازه قابلیت هدایت صوت در آن کم میشود. برای وضاحت این طریق به این مثال را میدهیم .

اگر استخوانی از حیوان و یا انسان که از مدفون شدن آن مدت زیادی سپری نشده باشد یعنی جسد تازه از بین رفته باشد به اساس این طریق مطالعه گردد دیده خواهد شد که قابلیت هدایت صوت در استخوان مذکور ۱۰۰ فیصد خواهد بود. در صورتیکه این مطالعه بالای استخوان باشد که مربوط به ۵۰۰ سال قبل باشد یعنی جسد استخوان حیوان یا انسان که ۵۰۰ سال قبل مدفون شده باشد این قابلیت هدایت صوت در آن به نصف یا ۵۰ فیصد خواهد رسید. پس گفته میتوانیم به هر اندازه تیکه این قابلیت در استخوان های باز مانده حیوان یا

انسان کم شود به قدمت آن افزوده میشود. (۵)

از روی این نوع مطالعه بفته میتوانیم اشیا و افزار باستانی به در قبور باستانی در پهلوی جسد های حیوانات و انسان یکجا دفن شده باشد تعیین سنه استخوان برسنه و قدمت آن اشیا نیز صدق میکند.

از اصول و طریقهای که در فوق جهت سنه نسبی و سنه مطلق اشیا و افزار باستانی ذکر نمودیم اکثر در لابراتوار کیمیا و فزیک مورد استفاده کیمیدانان و فزیکدانان میباشد لیکن باستانشناسان از میتود های دیگری که بنام های ستراتیگرافی تیپو لوژی تحلیل کیمیاوی مقدر فلورین و نایترو جن و میتود تحول اسلوب یاد میگردد استفاده مینمایند.

۱- اصول تیپولوژیک -

از این اصول اولین بار گریل مور تلید در سال هجای (۱۸۲۱- ۱۸۹۸م) استفاده کرد درین اصول موقعیت جغرافیائی مناطق باستانی حایز اهمیت میباشد اساس کار را درین طریق مقایسه نمودن اشیا و ابراز بدست آمده با اشیا و ابزاری که قبلاً کاوش شده تشکیل میدهد. به اساس این میتود این ادعای دانشمندان به اثبات میرسد که کلتور انسانی در همه نقاط کره زمین در يك وقت بر يك شکل نبوده یعنی مناطق مختلف دارای کلتور های مختلف در ازمنه مختلف بوده اند. آثار عصر سنگ افغانستان با آثار عصر سنگ اروپا از لحاظ زمانی باهم فرق دارند و یا اینکه نیولیتیک در افغانستان از (۷۰۰۰ ق م) شروع و تا اوایل (۴۰۰۰ ق م) دوام نموده در حالیکه آثار دوره نیولیتیک در زیلانده جدید در قرن (۱۸) میلادی به مشاهد میرسد. (۶)

اصول سترا تیگرافی -

این روش بنام شناخت لایه های طبقات نیز گفته شده پروسه کار در این میتود عبارت از مطالعه لایه ها یا طبقات با ستانی میباشد در اصول سترا تیگرافی طبقات کلتوری باز مانده باستانی مورد مطالعه قرار میگیرد. مقصد از طبقات کلتوری وجود اشیا و افزار باستانی مدفون شده در طبقات اراضی بوده که به مرور زمان طبقه کلتوری دیگری با آثار و اشیای تکامل یافته روی آن قرار گرفته باشد. به همین ترتیب وجود چندین طبقه در یک محل کاوش نماینده لی از ادوار مختلف باستانی میکند (۷) درین طریقه جهت دریافت سنه نسبی نیز مانند میتود تیپولوژی از مقایسه نمودن آثار و اشیا استفاده میشود. دانشمندان باستان شناسی در حین کاوش بعضا به چندین طبقه کلتوری مواجه میشوند. برای شناخت هر یک از این طبقات کلتوری اشیا و افزار قبلا بدست آمده که نماینده لی

از یک لمتور باستانی میکند با اشیا و افزاریکه جدیدا بدست آمد باشند مقایسه میشود.

به وسیله میتود شناخت طبقات گفته میتوانیم که عمیق ترین طبقه قدیم ترین طبقه کلتوری را معرفی میدارد. بعضا چنین اتفاق هم می افتد که اشیای بدست آمد با هیچ یک از اشیا و افزار قبلا به دست آمده شباهت نداشته باشد یعنی کیفیت دیگری داشته باشد و موقعیت آن بر روی طبقه ای باشد که بنام پالیوینت شناخته شده باشد درین چنین مورد گفته میشود که اشیای بدست آمده مربوط به یک دوره دیگر باستانی است بعد از پالیولیتیک میباشد است یعنی مربوط دوره سنگ میانه (میزولیتیک) است.

۳- اصول تحلیل کیمیاوی مقهور فلورین و نایتروجن

استخوان حیوان یا انسان در مدت زمانی که در زیر زمین دفن میباشند از آب های زیر زمینی مقدری از

فلورین را به خود جذب میکند، جذب فلورین و دفع نایتروجن از استخوان حیوان یا انسان در یک زمان طولانی صورت میگیرد. به هر اندازه ایکه سالیان زیادی از دفن استخوان گذشته باشد به همان تناسب مقدار فلورین در استخوان زیاد و بالمقابل مقدار نایتروجن کم میشود. اگر استخوانی برای مدت ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ سال را در زیر زمین سپری نموده باشد مقدار ۰.۳ فیصد ۵.۰ فیصد فلورین را به خود جذب میکند این مقدار فلورین میتواند ذریعه روش کرسنالوگرافیک Chystalographic تعیین و تخمین

گردد. (۸)

ولی در روش تحلیل کیمیاوی فلورین و نایتروجن شرایط دفن استخوان را بایست در نظر گرفت. دفن استخوان از نگاه عمق تفاوت ماهیت خاک و مکانهای مختلف موضوع اثبات پیمانه جذب فلورین و دفع نایتروجن را غیر ممکن میگرداند.

ماخذ

۶- عین اثر عین صفحه . ۱۰۶ (۱) ص ۹۶۶

۷- یوسفزی عبدالظاهر. «اصطلاحات باستان شناسی» مجله باستان شناسی افغانستان (کابل). شماره ۱۳۶ (۱۳۶۰) ص.

۸- خدراں، الف شاه. اصول و مادی باستان شناسی. (کابل). مطبعه پوهنتون ۱۳۵۹ (۱۳۶۶) ص ۶۶.

۳- بابا یوف، ج. و غلام احمد و... باستان شناسی افغانستان. (کابل). مطبعه پوهنتون ۱۳۶۱ ص ۴.

۴- خدراں الف شاه. اصول و مادی باستان شناسی (کابل). مطبعه پوهنتون ۱۳۵۹ (۱۳۶۰) ص ۳۰.

۵- اما لریک، ا. س. کاوشهای تمدن گم شده (مسکو). ناووکا (۱۹۶۶) ص ۱۰۶.

۱- بابایوف، ا. ج. و محمد رسول باوری. اصول و تحقیقات باستان شناسی (کابل). مطبعه پوهنتون ۱۳۶۴ (۱۳۶۵) ص ۱۳.

۲- خدراں، الف شاه. «نقش علوم طبیعی در تعیین تاریخ اشیا و رویدادها» مجله علوم اجتماعی (کابل). شماره ۱ (۱۳۵۹) ص ۱۱۵.

ششای کهن کورستان دکندهارا

کند هار دو مین شهر بز رگک افغانستان دارا ی اراضی حاصل خیز می باشد که توسط دریای ارغنداب آبیاری میگردد. باستقامت جنوب این دریا دشتهای خشک سترون مارجه واقع شده است. در شمال دریا ی ارغنداب زمین های هموار ی موقعیت دارد که بدامنه تپه ها منتهی میگردد. کند هار که یکی از شهر های سر سبز و خوش آب و هوا ی افغانستان محسوب میشود با داشتن میوه های گونه گونه و فراوان اهمیت بسزایی کسب نموده است. فزون بر آن این شهر گنبد گاه دو شا همراه بزرگ بوده. یعنی شا همراه بزرگ شرق و غرب که هندرا به شرق میانه و جنوب و شمال که غزنی و دره گومل و کابل را بهم پیوست میسازد (شکل یک). شهر جدید کند هار توسط احمد شاه درانی در ۱۷۶۱م. بنیان گذاری گردید. باز مانده های شهر قدیم (زورشار یا شهر کهنه) در چار کیلو متری غرب کند هار کنونی در دامنه سلسله کوه کیتال

و پنج کیلو متر دور تر از دریا ی ارغنداب موقعیت دارد « شکل ۲ » شهر کهنه توسط نادره شاه فاتح دهلی در ۱۷۳۸م ویران گردید که باز مانده های آن با سه دیوار احاطوی و یک دژ تپه مانند که بنام قصر نارنج یاد میشود، هنوز هم پابرجا است. بخشی از قسمت داخلی این ساحه به زمین های زراعتی مبدل گشته و قسمت دیگری از آن مبدل به ذخیره گاه سنگ و خشت اهالی منطقه گردیده، که ازین مواد در ساختمان های جدید استفاده مینمایند. در قسمت بالایی این شهر یعنی در کنار کیتال یک ستوپه بودایی و یکتعداد دیوار ها و ساختمان های دوره اسلامی موقعیت دارد (فوسمن، ۱۹۶۶).

حینیکه در بهار سال ۱۹۷۴ مقامات افغانی با تحقیقات باستان شناسی انستیتوت بریتانوی برای مطالعات تاریخ و فرهنگ افغانستان موافقه نمودند تا کارهای تحقیقی خویش را به کمک انستیتوت باستان شناسی و حفظ آبدات تاریخی

افغانستان در یکی از ساحات باستانی به پیش ببرند، شهر کهنه کند هار را برای این منظور برگزیدیم. برای اینکار ناگزیر بودیم تا سروی مقدماتی درین شهر انجام یابیم و بالاخره شهر کهنه کند هار را برگزیدیم و جریان را به آمر باستان شناسی و وزیر اطلاعات وقت در میان گذاشتیم که بعد از موافقت ایشان در زمینه اجازه کاوش های مقدماتی و امتحانی رادرین ساحه حاصل نمودیم و در نتیجه باسپری نمودن پنج هفته در آنجا دو قسمت ساحه را مورد ارزیابی قرار دادیم: یکی سیستم یا نحوه استحکامات و سنگر بندی شهر کهنه کند هار را که محاط بدیوار هابود، و دودیکر پشته های گورستانی را که تاکنون تشخیص نشده باز مانده بود و در بیرون از دیوار های شهر موقعیت داشت. گزارش های نحوه استحکامات و سنگر بندی شهر کهنه کند هار در نشریه « مطالعات افغانستان شناسی بریتانیه » در سال ۱۹۷۷

توسط داوید وایت هاوس به نشر رسیده است و اینک درینجا مطالبی چند پیرامون گورستان یاد شده در بالا ارائه میداریم.

در قسمت جنوب شهر کهنه کند هار فوسمن (۱۹۶۶: ۳۵) از یک سلسله آبداتی نام میبرد که قرار گفته خودش به مشکل میتوان آنها را تشریح نمود. درینجا یکتعداد زیاد قبرهای مسلمانان واقع میباشد. ولی تپه ایرا که فوسمن نتوانسته بود تشریح کند بنوبه خود گورستان دوره پیشین می باشد. فوسمن از مشاهد شواهد دیوارها و بازمانده های پشته های مجتمع و قبرها باین نتیجه رسید که شاید این ساحه از دیوار نماهای اضافی حومه شهر نمایندگی کند و شاید هم قدمت و پیشینه آن بدور پیش از اسلام برسد. بنابراین حومه که توسط فوسمن در ساحه «د» مشخص شده بود (نقشه شماره دوم فوسمن ۱۹۶۶)، نسبت به گورستان دوره اسلامی پیشینه بیشتر دارد. در حالیکه - نیکرپولس اسلامی - یاد شده، توسط فوسمن (نقشه اول - ۱۹۶۶) به نظر او باید دارای قدمت بیشتر باشد.

بازر تحقیقاتی که ستوارتسویینی در اپریل ۱۹۷۴ درینجا بسر رسانید باین نتیجه رسید که این تپه بزرگ گورستان گسترده است که در آن صد ها قبر موجود میباشد. بازمانده های این گورستان وسیع که به فاصله بیش از یک کیلو متر در دامنه کوه کیتال (قیتال) امتداد یافته است ساحه غیر زراعت شده بین راه خامه و کوه متذکره را کاملاً احتوا مینماید.

در شرق این سرک مملو از خاک زمین های زراعتی موقعیت دارد که در آن گندم، جواری و غیره کشت میگردد و هیچگونه شواهدی از گورستان در آن به چشم نمی خورد.

چنین به نظر میرسد که ساحه گورستان مذکور بهمان پیمان که در بالا گفتیم محدود بوده است، یا اینکه در قسمت های شرق سرک خامه نیز امتداد داشته و بعد ها ویران گردیده و بزمین زراعتی مبدل شده است.

قسمت عمده این تپه بزرگ گورستان یک ساحه مستطیل شکل را در بر میگیرد که در سمت غرب دهکده سپین زیارت در امتداد سرک خامه واقع میباشد. حینیکه انسان بخواهد از شهر کهنه در مسیر این سرک به پیش برود بعد از پیمودن یک فاصله کوتاهی دهکده محمد شریف خان میرسد. در جنوب دهکده محمد شریف خان در کنار سرک گورستان معاصر دیده میشود. در ساحه بین دهکده و گورستان طوری که در گزارش های فوسمن ذکر شده شواهدی از دیوارها و تپه ها بسادگی دیده میشود. در ماه می ۱۹۷۴ حینیکه ساحه را بازدید مینمودیم سطح موج دار ساحه توسط سبزه و علف پوشیده شده بود که شاید آثار و بازمانده های دیوارهای پخسه یی را نیز پنهان کرده بود. با اینهمه ما نتوانستیم چند پارچه تیکر از آنجا جمع آوری نماییم. ولی چنین بنظر میرسد که مردمان زیادی درین ساحه بود و باش نموده اند.

اولین پشته یا توده گور در قسمت جنوب و جنوب غرب گورستان، معاصر، در پایین ستوپه، در قله کوه کیتال (قیتال یا قیتول) مو - قعیت دارد. ساحه مذکور به پیمان قابل ملاحظه فرسوده است و تپه ای که در انتهای شمال آن واقع شده قسماً سالم مانده است. در کنار گورستان پشته های خورد و کوچک قبرها به صورت پراکنده دیده میشود. و حینیکه بخوایم

بطرف جنوب حرکت کنیم بر شمار قبرها افزوده میشود و فاصله بین آنها متراکم تر میگردد. که باین ترتیب ساحه تقریباً چندین صد متری بین سپین زیارت و زیارت شاه مردان را در بر میگیرد. در قسمت شمال این ساحه مرکزی، تعداد پارچه های تیکر

خیلی زیاد میباشد. قسمت مرکزی این قبرها به جوی خشکی منتهی میشود که از خلای کوه کیتال به زمین های پایین سرازیر میشود. پس از آن، پراگندگی آن کم میشود. ولی در دوطرف راه خامه پشته قبرها بشکل تپه های کوچک به چشم می خورد. در پشت خرابه های کاروانسرای جنوب سپینی زیارت صرف چند پشته کوچک و مجزا از هم دیده میشود. این پشته ها یا قبرها بدو بخش تقسیم میشود. که تعداد زیاد آنها مدور بوده و قسمت بالایی آنها نیز مدور یا مسطح میباشد. معمول ترین نوع آنها قبرهای «کاسه مانند» میباشد. اندازه آنها از هم مغایرت داشته که بزرگترین آنها بلندی سه متر و پهنای پانزده متر و کوچک ترین آنها دارای بلندی یک متر پهنای قطر دو متر میباشد.

یکتعداد محدود این پشته های کوچک شکل مربع یا مستطیل را دارد. در حالیکه قسمت های بالایی هر دونوع مسطح و هموار میباشد. البته برخی از بزرگترین گورهای این گورستان نیز از نوع اخیر الذکر میباشد.

در چندین پشته کوچک که خراب شده و از بین رفته بود موافق به کشف تاقها یا قپه های مستطیل شکل گردیدیم که از خشت خام بنا یافته بود و اندازه هریک باندازه تنه یک انسان عادی بود. از چندین محوطه دیگر (گور) استخوانهایی را یافتیم که قسماً سالم بود. در کنار شمال غربی سپین زیارت بیک

پشته چار گوشه یی بر خور دیم که دارا ی چندین محوطه بود و چون تاقها ی محوطه ها از بین رفته بود داخل هر کدام بسادگی دیده میشد. بهمین شکل پیش از اینکه کار کاوش ما آغا ز یابد ما میدانستیم که بر خی ازین پشته ها دارا ی محوطه هایی از خشت خام میباشد که در بین آنها اجساد مردگان قرار دارد .

يك اصل دیگر را نیز پیش از پیش از روی مطالعه تیکر هادر یافته بودیم و آن عبارت از تاریخ این گورستان بود . یکتعداد زیاد از تیکر ها (شکل سهو چهار) از روی زمین و تپه های ویران شده آن جمع آوری گردیده و ولی از محفظه های خشت کاری شده کدام پارچه تیکری بدست نیاوردیم . لذا چنین معلوم میشود که این تیکر ها پیش از اعمار گورستان درینجا موجود بوده است پارچه تیکر هایی که مربوط به ظروف هموار و کاسه های لبه دار میباشد در رده بندی و تصنیف ما شامل کوزه ها و کاسه های دور اول و دوم دیوار شرقی و ظروف سفالی لعابدار دوره اسلامی این منطقه نمی گردند . وما باین نتیجه رسیدیم که پارچه های مذکور در پایان دور دوم درینجا پدیدار گردیده است و این درست حوالی يك میلونم پیش از میلاد و سده نهم تادهم میلادی میگردد . این پارچه ها آثار و یانخاله باغها و یا دهکده خارج شهر میباشد .

در آغاز ما دوپشته را کاوش نمودیم (الفوب) و این بخاطر آن بود تا پیرامون نحوه ساختمانی تاریخ و قدامت آنها معلومات بیشتر بدست آوریم باکمال تعجب دریافتیم که گورستان متذکره قدامت زیاد نداشته و مربوط سده دوازدهم میلادی یا پس از آن میباشد و به تحقیق مربوط دور اسلامی است .

تپه الف :

تپه الف يك پشته مدور بود که بهنا ی آن سیزده متر و بلندی آن دو متر میباشد .

این تپه توسط يك صغه هشت گوشه یی پوشیده شده است که در زیر آن يك گور قرار دارد . در اثر کاوشی که درینجا صورت گرفت شواهد يك مجتمع مذهبی و چند پارچه تیکر که در روی صفحه قرار داشت نمایان گردید . چنین به نظر میرسد که این پشته مربوط دوره اسلامی میباشد . پشته دیگری نیز دریک زمان مشخص در بالای این تپه جاداد شده بود .

نخستین قسمت برجسته این پشته يك قبر بود که بروی زمین کنونی که قسما خاک سخت دارد (قشر پنچ) کنده شده بود ، این گور که شکل مستطیل راست گوشه را داشت دو اعشاریه شش متر درازنا ، يك اعشاریه سی و پنج متر پهنا داشته و ژرفای آن به صفر اعشاریه شش متر میرسید که باستقامت شمال و جنوب واقع بود . در انتهای حفره وسطی (ترنج) يك گودال مستطیل شکل قرار داشت که درازی آن دو اعشاریه دو متر ، پهنا ی آن صفر اعشاریه پنجاه و پنج متر و ژرفای آن به صفر اعشاریه پنج متر میرسید .

در انتهای این حفره (ترنج) جایی که گودال کنده شده بود برآمدگی های لبه مانند در دو طرف دیده می شد که روی آن دیوار يك کمان از خشت خام باآزند گل اعمار گردیده بود . انداز متوسط خشت های آن ۲۵ ضرب ۲۵ ضرب شش سانتی متر بود . درازی کمان به يك اعشاریه نه متر میرسید که بروی قطار خشت های ضخیم در دو کنار آباد شده بود. این کمان در سمت شمال توسط يك قطار خشت های مجزا طوری پوشیده شده بود که پوشش در سمت مقابل

تا انتهای ترنج ادا مه یافته است . در انتهای جنوبی کمان دیواری از خشت های مکمل و پارچه دیده می شد که این دیوار بعد از دفن جسد ساخته شده بود .

در زیر این کمان يك جسد مکمل در حالت نیمه منقبض پیچیده دریک کفن قرار داشت . که لکه های تاریکی از آن در سطح قبر (زمین قبر) باز مانده بود . سر جسد به طرف شمال بوده و اسکلیت آن مربوط بيك طفل بود . استخوان های بزرگ آن هنوز از بین نرفته بود . آرواره زیرین آن سالم مانده و حتی دندان های بزرگ پیش روی آن در الاشه اش جابجا بود .

بنظر دانشمند برات و یل (شکل ۲۴ - ۱۹۷۲) این دندان ها مربوط به يك طفل تقریباً شش ساله بوده است . جمجمه آن قشماشکسته و دارای پارچه های فرو رفته و مجزا از هم بود که بروی برخی ازین پارچه ها لکه های گلابی و خاکی رنگ دیده میشد و چنین به نظر میرسد که صدمه های ناشی از ، بیماری در زمان حیات در جمجمه این طفل موجود بوده است .

ازین گور آثار و باز مانده های مادی دیگر از قبیل ابزار و آلات بدست نیامد . بعد از بسته نمودن رواق و ختم کار تدفین آن ترنج مذکور دوباره توسط خاک پُر گردیده است (قشر شش) سپس بمرور زمان قسمتی از کمان از بین رفته و محوطه آن با پارچه های خشت و خاک پرکاری گردیده است (قشر هفت) .

کمی بلندتر از قبر يك صغه هشت گوشه قرار دارد که پهنا ی آن هشت اعشاریه چهار متر ، بلندی آن صفر اعشاریه هفت متر و درازی آن به سه اعشاریه پنج متر می رسد . دو گوشه این صغه هشت گوشه موازی به گور میباشد .

دیوار های هشت گانه این صفت سنگ کاری گردیده و میان آن با خاک پر شده است. در سنگ کاری دیوار های صفت از سنگهای تراش شده و گل استفاده شده و به صورت ماهرانه و دقیق کار شده است. در زوایای آن خشت پخته کار شده که بشکل خیلی مناسب قطع گردیده است. دیوار ها بدون تهداب بوده و در روی زمین (قشرینج) بنا یافته. در قسمت پایین دیوار ها سنگ های بزرگ به اندازه صفراعشاریه دو تا صفر اعشاریه سه متر بکار رفته است. در حالیکه در قسمت بالایی از سنگ های خورد استفاده شده است. روی دیوار ها از طرف خارج بکلی لشم و هموار بنظر میرسد. در میان خلای سنگ ها گل بفشار جا داده شده تا خلا ها نیز هم سطح سنگها گردد، چنانچه آثار انگشتان گلکار روی گل خلا های این دیوار ها در چندین جای مشهود است. برعکس سمت داخلی دیوار ها خشن و زبر بوده و سنگهای آن منظم و لشم نیست. چنین معلوم میشود که در هنگام بنای این صفت تصمیم داشته اند تا داخل آنرا با خاک پر کاری نمایند. بنا در سنگ کاری سمت داخل سلیقه زیاد بکار نبرده اند. خاک صفت و خاک داخل ترنج از هم مغایرت ندارد (قشر سه)، لذا مشکوک بنظر میرسد که آیا ترنج پیش از ساختمان صفت پرکاری گردیده است یا اینکه صفت و قبر هر دو همزمان پرکاری گردیده است. ولی در مجموع خاک پرکاری شده صفت یک اندازه سخت بوده و سطح ضخیمی داشت. یگانه چیزی که از سطح آن بدست آمد پارچه پلاستر چونه یی بود. از جانب دیگر قسمت سنگ کاری دیوار دارای ویژه گی هاست که روی آن با گل پوشانیده شده است و شواهد دو قطار خشت نیز

بالای آن دیده میشود گرچه از خشت ها اثری باز نمانده است و از روی علامت آنها میتوان اندازه هر خشت را بیست و چهار سانتی متر مربع تعیین نمود. آشکارا بنظر میرسد که در بالای این دیوار یک یا چند قطار خشت دیگر نیز بشکل محجر یا حاشیه احاطوی کار شده بود. در گوشه شمالی صفت که چاپ خشت های آن مشهود است یک حفره به پهنای یک اعشاریه دو متر وجود داشت که توسط خاک و سنگچل های لشم پرکاری شده بود. این حفره بکمان بیشتر خلای محجر بوده است. محجر در اثر عوامل جوی از بین نرفته است بل قصدا برداشته شده است. زیرا شواهد و بازمانده های یک قشر گلی و پلاستر چونه یی این مدعا را بخوبی اثبات مینماید. در میان بازمانده های گلی دیوار پارچه های خشت خام و پخته نیز دیده شد. بروی این صفت خاکتوده های زیاد تراکم نموده و به آن شکل یک تپه را داده بود، که ما درین تپه سر سه قشر عمده را تشخیص نمودیم که جزئیات آنرا میتوان در شکل هفت ملاحظه نمود. و ما هر یک را به شکل طبقه یاقشر ۱، ۲، ۳، ۴ و الف رده بندی نموده ایم. قشر چهار و چهار الف شامل آن بخش از کتله خاکهای میشود که به مقابل دیوار بیرونی قرار داشت بر روی خاکهای متر اکم شده که هم سطح دیوار بود یک قشر گل خاکی رنگ قرار داشت که خیلی سخت بوده و بکمان بیشتر لگد مال شده بود. در گوشه شرقی صفت گل با سنگچل های مدور بفشار کار شده بود (سنگچل های مذکور در خود محل موجود نبوده و آنرا از کدام دریا آورده بودند). در قسمت های شمال، شمال غرب و شمال شرق صفت مذکور پارچه های گل

قهوه ای رنگ به نظر میرسید که شاید قسمتی از قشر پوشش شده باشد که روی خشت ها قرار داشته است. چون آثار پوشش یاقشر بالایی دیوار هشت ضلعی در اثر فرسایش بکلی از بین رفته است، بنا نمیتوان اندازه، پهنای نحوه این قشر را به صورت روشن معین ساخت.

قشر یا طبقه دوم خاک متجانس و متباینی میباشد که بشکل یک تپه کوچک در آمده و از سطح صفت ۸ متر بلندی دارد. در سطح این طبقه پارچه های خشت پخته بشکل پراکنده دیده میشود در انتهای بالایی آن دو خشت خام کاملاً سالم به ملاحظه رسید. چون این تپه تا قسمت بالایی دیوار امتداد نیافته است لذا تشخیص نحوه ساختمان پوشش، کناره ها (حاشیه ها) و پوشش گلی دیوار آن مشکل مینمود یکی از امکانات اینست که دیوار احاطوی یکی از قسمت های برجسته صفت بوده که همزمان به آن تپه و پوشش های دیگر بر ساختمان مذکور فزون گشته است. اگر این نظر درست باشد پارچه های خشت و پارچه های قشر پوشش شده را میتوان اضافه ها و فرو ریختگی های دیوار های احاطوی دانست.

طبقه اول که دو مین توده بزرگ و برجسته میباشد تمام آبد را به شمول پوشش، دریک تپه مدور در بر میگیرد. قسمت جنوب پشته قبرستان فرسایش زیاد دیده و قسمتی از دیوار صفت نیز خراب شده و از بین رفته است. گرچه از امکان بدور نیست ولی به تحقیق نمیتوان گفت که این فرسایش در خلای بین ساختمان تپه اولی و دومی رخ داده باشد، و اگر چنین باشد، در ساختمان تپه های خلای قابل ملاحظه زمانی وجود داشته است.

در ادوار بعدی شاید خیلی بعد تر، جسد يك طفل در بالای این تپه دفن گردیده است. این قبر توسط خشت پخته سلامت و نیمه پوشش شده بود، (شکل هفت). جسد بسمت شمال و جنوب طوری قرار داشت که سر آن به طرف شمال واقع شده بود.

با وجود پدیده های نامشخص نتایج زیرین را میتوان به حیث بخشی از رخداد های تپه الف برشمرد:

۱- این آبدۀ در اصل دارای يك صدف هشت گوشه یی بوده که در میان آن يك قبر قرار داشته است. در داخل قبر جسد يك طفل بسمت شمال و جنوب طوری قرار گرفته بود که سر جسد بطرف شمال قرار داشت. صدف دارای يك پوشش یارو کش مرتب و يك محجر بود (بلندی محجر را متاسفانه تعیین کرده نتوانستیم). شاید مدخل این صدف هشت گوشه یی بگمان بیشتر در سمت شمال قرار داشته است.

۲- محجر صدف بمرور زمان دريك ياچند مرحله از بین برده شده، کنار ه های صدف با خاک پوشانیده شده و قسمت بالایی آن بشکل تپه در آمده است.

۳- در ادوار بعدی پس از يك خلای زیاد زمانی تمام این آبدۀ بشکل يك تپه در آمده است. از بررسی اندازه، مشخصات و چگونگی این آبدۀ چنین بر می آید که طفل دفن شده در اینجا از يك خانواده ثروتمند بوده است.

تپه (ب)

این تپه نسبت به تپه الف کوچکتر و نامنظم تر به نظر میرسد. درازی آن به چهار اعشاریه هشت متر و بلندی آن به صفر اعشاریه هفت متر میرسد. در ترکیب آن جز خاک و سنگریزه چیز دیگری دیده نشد. محوطه آن چارگوشه یی بوده

و در مرکز آن يك قبر قرار دارد. محوطه از سمت داخل به استقامت شمال و جنوب و شرق و غرب دواعشاریه نه متر درازی دارد، که از دیوار احاطوی آن جز سه قطار خشت خام چیزی بجا نمانده بود.

بلندی این دیوار به صفر اعشاریه دو متر و پهنای آن به صفر اعشاریه پنجاه و پنج متر میرسد. حداوسط اندازه خشت های این دیوار به ۲۵ ضرب ۲۵ ضرب شش سانتی متر میرسد. و این درست اندازه همان خشت هایی میباشد که در احاطه تپه الف بکار رفته بود. این خشت ها توسط يك لاگل روی هم کار شده، یابه واژه های دگر میان هر قطار از خشت کاری آژند قرار گرفته بود. در دو قطار زیرین از نیم خشتی ها کار گرفته شده در حالیکه قطار سومی قسما بالای خشت ها و قسما بالای شن و سنگ ریزه بنیافته است. (قشر سه) که مدخل محوطه را در بر میگیرد. بالای خشت ها خاک نرم خاکی رنگ قرار داشت که نسبت به خاک قهوه ای رنگ روی تپه به سادگی تشخیص میگردد. خاک خاکی رنگ که بشکل عمودی بروی دیوار خشتی قرار گرفته صفر اعشاریه سه متر بلندی داشته و بگمان بیشتر باز مانده يك دیوار پخسه یی میباشد.

در مرکز این محوطه يك قبر بشکل يك گودال (ترنچ) منظم قرار دارد که دو اعشاریه دو متر درازی صفر اعشاریه هفت متر پهنای و يك اعشاریه صفر متر ژرفا داشته و باستقامت شمال، جنوب واقع شده است. در انتهای این گودال يك حفره مستطیل شکل قرار داشت که در میان آن جسد گذاشته شده بود، درازی حفره و گودال با هم مساوی است. در حالیکه پهنای حفره صفر اعشاریه پنج متر بوده

و سمت غرب آن به اندازه صفر اعشاریه دو متر کنده شده است که دارای يك تپه لبه یا حاشیه صفر اعشاریه چهار متر میباشد.

سمت شرق حفره توسط يك قطار خشت خام طوری پوشیده شده بود که خشت ها بشکل ایستاده پهلو به پهلو ی هم با آژند محکم شده بود (*). در پشت خشت ها چند سنگ نیز قرار داشت. اندازه این خشت ها طبق معمول ۲۵ ضرب ۲۵ ضرب شش سانتی متر بود. اطراف خشت کاری های لحد که با گل محکم بندی شده بود و جسد را پوشانیده بود قسما فرو ریخته و بمرور زمان از بین رفته بود. این قبر (بدون ویژه گی های محوطه آن) مشابه گودال های قبور تپه سید قلعه میباشد (تپه سید قلعه در بیست و پنج کیلومتری غرب کندی هار موقعیت دارد. شکل يك) درین قبر اسکلیت يك زن به استقامت شمال - جنوب طوری قرار داشت که سر جسد به طرف شمال بوده و روی آن به طرف غرب برگردانیده شده بود. گرچه استخوان های آن فرسوده شده بود و با اثر فروریختن جدار بالایی قبر قسما از بین رفته بود ولی با آنهم این ویژه گی ها بسادگی قابل تشخیص بود:

۱- بین لگن خاصره و سرین يك خلا یا شکاف بزرگ دیده میشد و این خود نشان میدهد که جسد از يك زن میباشد.

۲- چون تمام استخوان های بزرگ متصل و بهم نزدیک بود بنا میتوان گفت که جسد از يك آدم کلان سال بوده است.

۳- یگانه خصوصیت آشکار پناه لوزیکی (مرض شناسی) درین جسد همانا دور قرار گرفتن استخوان

(*) منظور نگارنده درینجا لحد میباشد (مترجم).

ها از قسمت مفصل بود که نمایندگی از مریضی سیاتیک و درد مفصل مینماید.

نتایج زیرین را میتوان به ترتیب رخدادهای (تپه-ب) بر شمرد:

۱-جسد در بین قبر قرار داشت. لحد با خشت خام و سنگ وآژند پوشیده شده بود و گودال با خاک پر شده بود (قشرشش).

۲-بدرستی نمیدانیم که آیا احاطه این قبر پیش از دفن جسد بنایافته بود یا بعد از دفن آن، بهر هیچ دیوار محوطه در دو مرحله اعمار گردیده است. که در مرحله نخست دو قطار خشت خام کار شده است و ما بدرستی نتوانستیم دریابیم که آیا این دو قطار خشت پیش از دفن جسد کار شده است یا بعد از آن اولی قطار سوم به تحقیق وبدون هیچگونه تردید بعد از دفن جسد زمانی بنایافته است که گودال قبر از خاک پر شده و یکجا و همزمان به آن دیوار پخته پیروی آن بنایافته است. که با مقایسه بانه الف میتوان گفت که قطار زیرین و طبقه سوم بشکل صافه اعمار گردیده است.

۳-«صفه» به صورت مکمل در یک تپه دفن گردیده است.

آنچه در زمینه قابل بحث میباشد مساله تاریخ این گورستان و مردمانی است که در اینجا زیست مینمودند. در حالیکه در هیچ یک از گورها یا اینجا اشیاء و کالاهای مانند ظروف زیورات و سایر آلات و ادوات وجود نداشت. در هر دو قبر پارچه های ظروف سفالی کشف گردید. آنها پارچه های تیکری که در میان خاک و مواد ساختمانی به صورت تصادفی موجود بوده است.

مهمترین پارچه های تیکر مکشوفه پیه های الف و ب اینهاست:

تپه الف:

۱-از قشر سه، پارچه تیکر با

سطح خاکی رنگ و لعاب فیروزه ای در سطح داخلی آن.

۲-از قشر سه، پارچه تیکر گلابی رنگ لشم که قشر داخلی آن دارای لعاب قهوه ای رنگ میباشد.

تپه ب:

۳-از قشر یک، کله سه سرخ رنگ که سمت داخل آن لعاب فیروزه ای دارد، (شکل نهم شماره چهل و چهار).

۴-۵-از قشر یک، پارچه های تیکر خاکی رنگ که سطح داخلی آن دارای لعاب فیروزه ای رنگ میباشد.

۶-۱۰-از قشر یک، پارچه تیکر های لشم رنگ آمیز شده که مشابه تیکر های گروپ (۶-۱-ضرب) لشکری بازار میباشد (ژ.ک.گردن، ۱۹۶۳) که یکی از نمونه های آن در شماره سی و شش شکل نهم نشان داده شده است.

۱۱-از قشر یک، کاسه با سطح فوقانی لشم و رنگ آمیزی شده که داخل آن با خطوط قهوه ای رنگ و لعاب سبز نقاشی شده، و رنگ سطح آن گلابی میباشد (شماره ۳۷، شکل ۹).

۱۲-از قشر ۱، با سطح سگر-افیاتو (Sgraffiato) با ساختمان قسمی درشت که دارای تزئینات خطوط فرو رفته بوده و داخل آن دارای لعاب زردگو نه میباشد که بروی آن خال های سبز و قهوه ای دیده میشود.

۱۳-از قشر یک، پارچه تیکری که سطح آن دارای رنگ کریمی بوده و دارای تزئینات برجسته قالب شده میباشد.

۱۴-از قشر دوم، پارچه تیکر با سطح قسمی درشت که دارای رنگ کریمی و تزئینات برجسته قالب شده میباشد (شماره ۳۹، شکل ۹).

در حالیکه واضح است که قدمت این پشته ها پیش از میان آمدن ظروف سفالی لعابدار دوره اسلامی

نیست و تیکر های یاد شده در بالا نیز بیشتر از نوع تیکر های لعابدار دوره اسلامی میباشد، ولی این را هم بدرستی نمیتوان گفت که این تپه ها در دوره اسلامی چه وقت بوجود آمده است. مشخص ترین و در عین زمان مهمترین پارچه تیکر های تپه ب، پارچه های شماره ۳، ۶، ۱۰ تا ۱۳، و شماره ۱۴ میباشد. اگر پارچه های شماره ۶-۱۰ واقعا مشابه تیکر های گروپ (۶-۱-ضرب) لشکری بازار باشد بدون تردید مربوط سده دوازدهم میلادی می گردند. بهمین ترتیب پارچه تیکر های شماره سیزده و چهارده مربوط دوره پیش از مغول میگردد. زیرا تیکر های مشابه به آنها که از دوره پیش از مغول میباشد از لشکری بازار، با میان و بلخ بدست آمده (ژ.ک.گردن ۱۹۵۷). پارچه شماره سه شاید مربوط ادوار بعدتر باشد زیرا بایک تعداد پارچه سفال های مکشوفه شهر کهنه کند هار شباهت زیاد دارد، و چون تیکر های لعابدار دوره غوری ها و غزنوی ها در آنجا کم و شاذ میباشد. بنا اکثر پارچه های مکشوفه از سطح زمین آنجا بیشتر مربوط سده سیزدهم یا پس از آن میباشد. باین ترتیب تپه ب (در رابطه با سایر تپه های گورستان) مربوط سده دوازدهم میلادی یا بعدتر از آن میباشد. هرگاه قرار باشد که این گورستان را از دیدگاه پنهان، تعداد قبور و سایر ویژه گی های آن مورد بررسی قرار بدیم، باین نتیجه میرسیم که این گورها مربوط جوامع پیشرفته بوده است. چنین بنظر میرسد که کند هار دوره اسلامی در زمان حکمرانی کرته ها (۱۲۷۸ م.) یکی از شهرهای بزرگ و مهم محسوب میشد. لذا از امکان دور نیست که این گورستان بعد از سده دوازدهم بوجود آمده باشد.

بدون تردید بیشتر مردم کندهار در سده دوازدهم و بعد از آن مسلمان بوده اند. در اینجا شاید سوالی پیدا شود که علی الرغم ساختن منظم و خوب مذهبی تپه الف و ساختن ختمان قسما جدید قبور تپه ب که از بسیاری جهات باتپه الف مشابه میباشد، قبرهای اینجا شاید مربوط مسلمانان نباشد.

طوری که ملاحظه میشود نحوه تدفین مردگان مسلمان هادر کندهار نظر به سایر مناطق اسلامی قدری مغایرت داشته است. در اینجا جسد باستقامت شمال و جنوب طوری قرار داده شده است که سر آن بطرف شمال و روی جسد بطرف غرب یعنی مکه برگردانیده شده است. در داخل قبر شئی یا چیزی گذاشته نشده است. لحد توسط قطار خشت ها و سنگ ها پوشانیده شده و بعد قبر با خاک پر شده و خاک اضافه آن بروی قبر به صورت برجسته انباشته شده و بشکل پشتی کوچک در آمده است که در قسمت بالایی و پایین آن نشان سنگ گذاشته اند یا گاهی هم توغ و علم بر آن برافراشته اند.

تا جایی که مساله تدفین جسد مطرح میشود، اجساد گورهای ذکر شده در بالا و قبور کنونی از هم کدام مغایرت ندارد. در هر دو حالت سر بطرف شمال قرار دارد، رخ بطرف غرب برگردانیده شده و در قبور کنونی و قبرهای ذکر شده در بالا هیچکدام، اشیای داخل قبر (grave good) دیده نشده است. با ذکر تشابهات قبرهای کاوش شده توسط ما و قبور کنونی مسلمانان منباین عقیده ام که قبرهای مذکور مربوط دوره اسلامی میباشد. ولی برای قضاوت بعدی باید منتظر کشف اطلاعات بیشتر از ساحه مذکور باشیم یا اینکه به منابع کتبی در مورد تدفین مردگان در جنوب آسیا و آسیای

مرکزی دست یازیم. ضمناً خالی از دلچسپی نخواهد بود تأییرا مون نحوه تدفین مردگان در زمان غوری ها مطالبی بدست آوریم. زیرا غوری ها مردمانی بودند که در سده یازدهم میلادی بدین اسلام مشرف شدند و نواحی کندهار را در حوالی ۱۱۵۸ میلادی فتح نمودند.

تپه سید قلعه

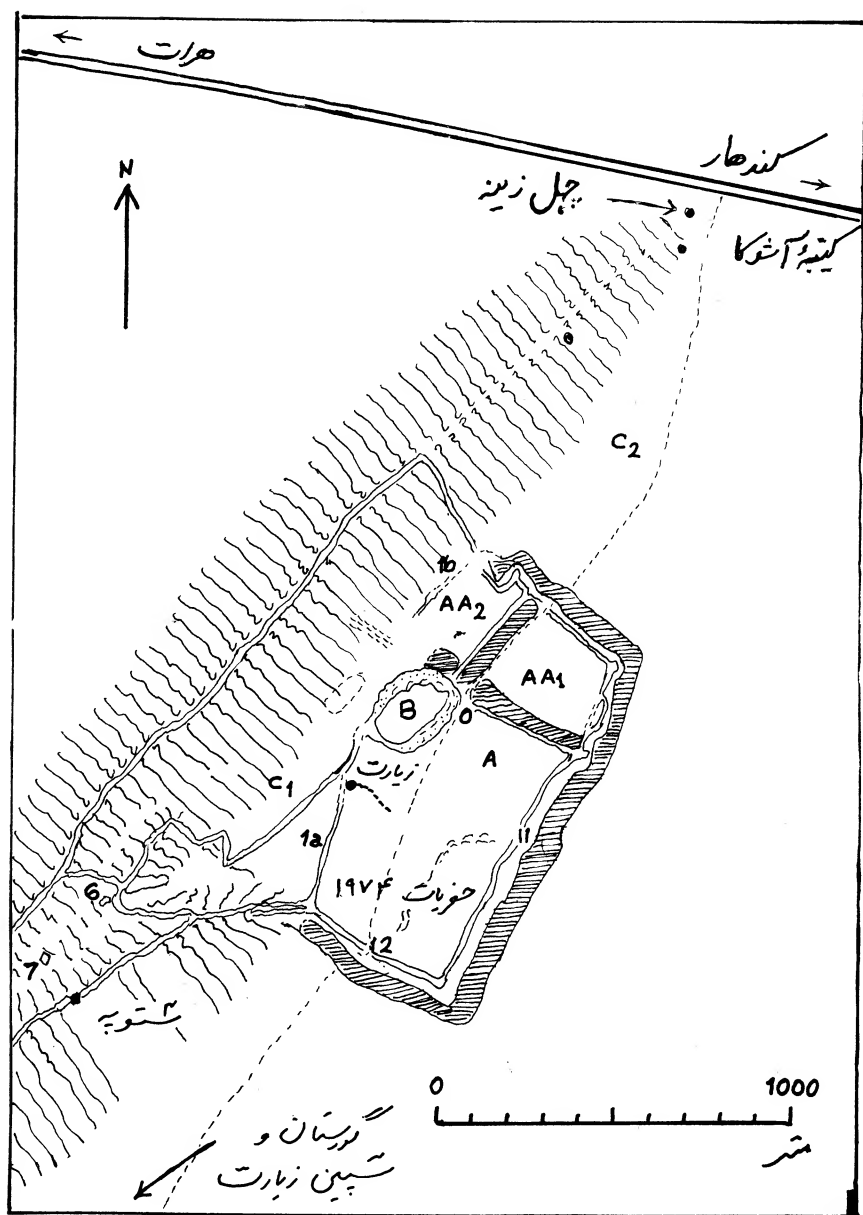
لازم می افتد تا در رابطه با قبور مکشوفه ما در زیر تپه باز قبرهای تپه سید قلعه نیز کوتاها یادآوری نماییم. بخشی از قبرهای گورستان سید قلعه به دوره کوشانو - ساسانی ها (حوالی ۳۰۰-۷۰۰ م.) نسبت داده شده است (شیفر و هوفمن ۱۹۷۱). بخشی کاوش شده گورستان سید قلعه دارای سی و شش جسد بود که تقریباً همه آنها باستقامت شمال جنوب قرار داشت. ازین میان سر سی و سه جسد بطرف شمال بود و روی دو جسد بطرف غرب برگردانیده شده بود. از جمله سی و یک جسد هشت آن در لحد دفن گردیده بود که گور آنها مشابه قبر تپه ب میباشد. بطور مثال جسد قبر شماره یازدهم نخست توسط یک قطار خشت خام پوشانیده شده بود که انداز خشت های آن (از روی رسم و اندازه داده شده) بیست و پنج ضرب بیست و پنج ضرب شش سانتیمتر میباشد. در بیست و هشت قبر کاوش شده دیگر جسد صرف در بین قبور گودال گون نه گذاشته شده بود.

ازین میان صرف از چارگور اشیای زینتی و ادوات کشف گردیده، باین ترتیب که از گور شماره بیست و شش یک انگشت از قبر شماره بیست و هشت دو عدد مهره، از قبر شماره بیست و نه یک جوره گوشوار و یک ظرف سفالی واز گور شماره سی و پنج

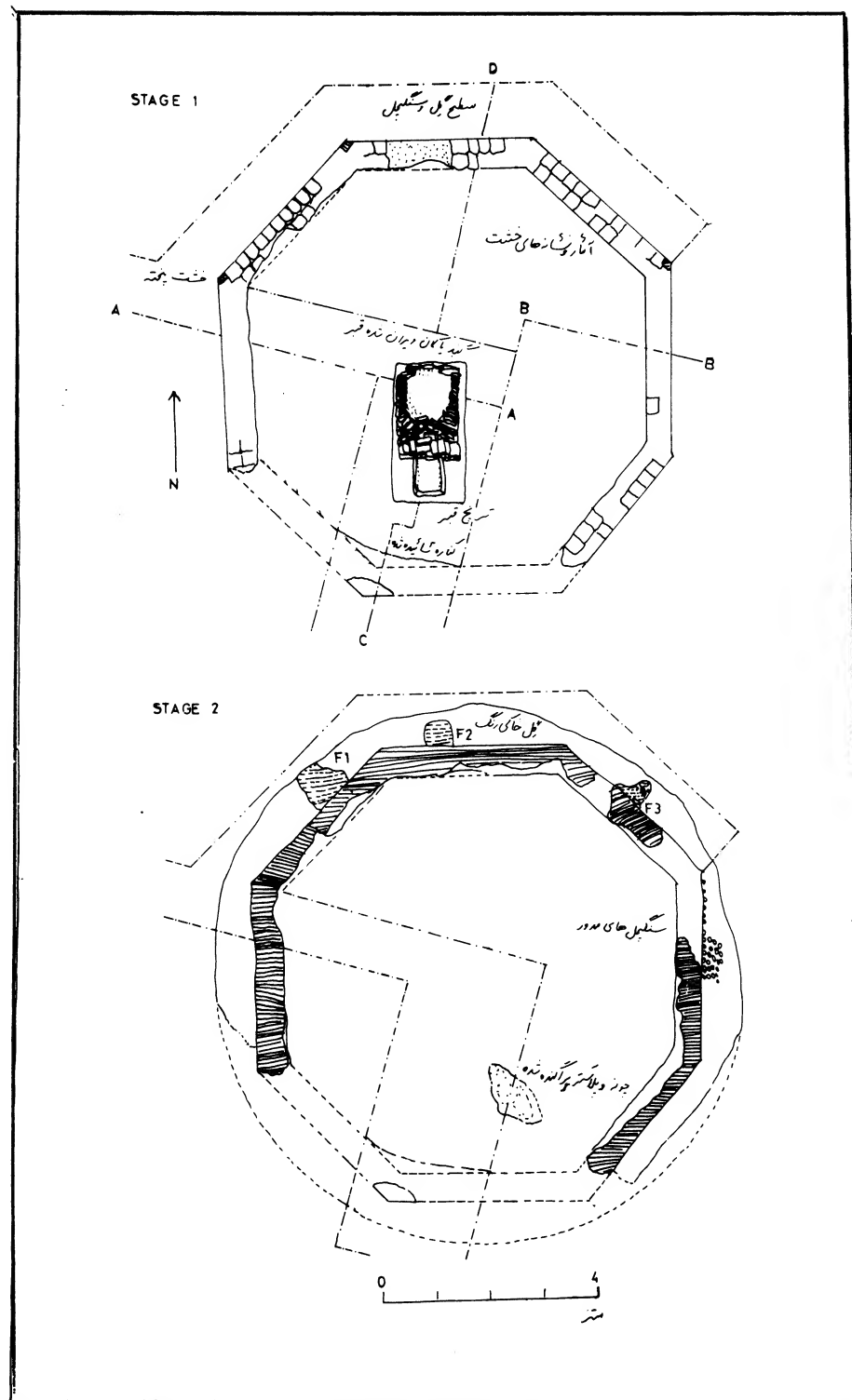
یک چاقوی آهنی. از میان این چار قبر قبور شماره بیست و شش، بیست و هشت و بیست و نه شکل گودال ساده را داشت و سر اجساد آنها به طرف جنوب قرار داشت. گورستان سید قلعه بر دواصل تاکید میورزد، نخست اینکه در اینجا نیز مانند قبر تپه ب کاوش شده توسط ما جسد در لحد دفن شده و این عنعنه در هر دو نقطه رواج داشته است. دو دیگر اینکه، هراس دارم که قبرهای سید قلعه متاخر بوده و همزمان با قبور کاوش شده مانباشد. زیرا طوری که متذکر شدیم • در سه قبر ی که در آنها وسایل و زیورات دیده شده سرهای اجساد به طرف جنوب قرار دارد و در سی و سه قبر دیگر سر اجساد بطرف شمال قرار دارد و جمله روی سی و یک جسد بطرف غرب برگردانیده شده، سمت مکه - که ازین میان صرف در یک قبر یک چاقو دیده شده است. شاید از امکان دور نباشد که آن سه گوری که در آنها سر اجساد بطرف جنوب میباشد مربوط دوره «کوشانو - ساسانی» باشد و قبور دیگر مربوط دوره اسلامی؟

در پایان این نگارش لازم به یادآوری میدانم که گرچه قسمت بازمانده گورستان باستانی کندهار خارج از ساحه زمینهای زراعتی قرار دارد و لی ویرانی و زوال آنها از جهات دیگر متصور است.

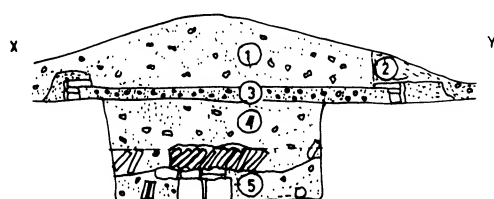
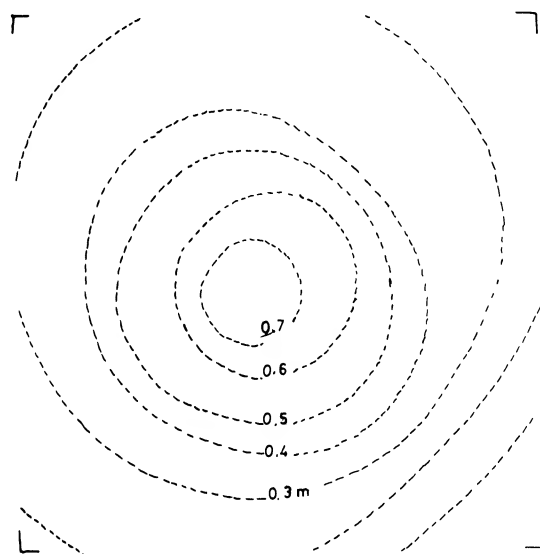
زیرا دهکده سپین زیارت روز تاروز توسعه و گسترش می یابد که در اثر آن قسمت نیمه شمال گورستان باثر کندن تهداب ساختن ختمان های جدید و دیوارهای احاطوی آن به مرور از بین خواهد رفت. گذشته از آن در بنای ساختمان های جدید به خاک برای خشت مالی، گلکاری و پخسه زدن ضرورت می افتد که مردمان دهکده



شکل ۲- کندهار باستانی

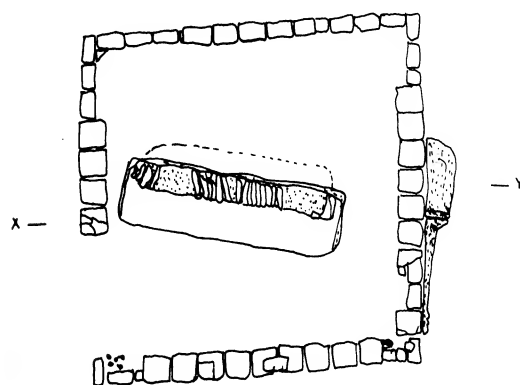


شکل ۹: پلان تپه الف - که ویژگیهای مراحل اول و دوم را نشان میدهد.



0 2 m

→ N



خاك مورد نیاز شانرا از همیــــن پشته های گورستان تهیه مینمایند و باین شکل به تدریج گورستان را بکلی ویران میسازند . فزون بر اینها بخشی ازین گورستان نا آگاهانه به گورستان جدید تبدیل شده است . هرگاه جلوه این کندو کاوها بزودی گرفته نشود ، یکی از آبادات مهم و با ارزش باستانی کند هار در مدت کوتاهی از بین خواهد رفت .

«فهرست باز یافته سفالی»

شکل سه ، یافته های روی زمین:
۱- پارچه يك ظرف با قشر سرخ کم رنگ و خطوط حلزونی سوخته در داخل آن RPBW
۲- پارچه يك كاسه باقشر سرخ روشن و پرتو كج و پیچ (زیکزاک) در داخل آن RPBW
۳- پارچه يك كاسه با قشر سرخ روشن شیشه گوی نه بدون آلتار سوختگی RPBW
۴- پارچه يك كاسه از تیکر سخت که سطح آن دارای رنگ سرخ و داخل آن دارای رنگ خاکی می باشد .

۵- پارچه يك كوزه از نوع تیکر سخت که رنگ داخلی آن خاکی و از سطح خارجی آن قهوه ای می باشد .

۶- پارچه يك كاسه که شاید قاعده آن مدور بوده باشد . این پارچه از نوع تیکر سخت و زبر میباشد که رنگ آن خاکی قهوه ای گونه بوده و رنگ سطح داخلی آن خاکی میباشد در روی آن يك خط نوار گوی نه گلابی نیز دیده میشود .
۷- پارچه يك كاسه با رنگ سرخ روشن از نوع سفال ریگ دار .

۸- قسمتی از نو له يك ظرف که رنگ قشر آن گلابی بوده و بروی آن يك خط سرخ تاریك دیده میشود .

۹- پارچه يك خم از تیکر سخت باقشر سرخ تیره .

۱۰- پارچه يك خم از تیکر سخت که رنگ سطح آن سرخ روشن بوده و رنگ داخل آن خاکی گونه میباشد .

۱۱- پارچه يك خم از نوع تیکر سخت باقشر سرخ .

۱۲- پارچه يك كاسه یا پیاله از نوع تیکر ظریف بارنگ سرخ که در کناره های داخل و خارج لب آن خطوط سرخ خرمايي رنگ دیده میشود .

۱۳- لب يك خم یا سبزه از نوع تیکر سخت با قشر سرخ و خط های خرمايي رنگ بروی آن در گردن این ظرف خط های كج و پیچ (زیکزاک) سوخته دیده میشود .

۱۴- پارچه يك ظرف سفالی سرخ رنگ که رنگ روی آن سرخ تیره بوده و شواهد خط های سوختگی كج و پیچ در قسمت بیرونی آن دیده میشود .

۱۵- پارچه يك كاسه بالبه های بداخل در آمده و میلان بسمت داخل ، که رنگ آن سرخ بوده و در روی آن که دارای رنگ سرخ قهوه ای گوی نه میباشد يك نوار خرمايي رنگ دیده میشود شواهد سوختگی در داخل آن نیز به مشاهده میرسد .

۱۶- مانند شماره بوده تنهها تفاوت آن اینست که رنگ نوار آن سرخ تیره میباشد و شواهد سوختگی در آن دیده نمیشود .

۱۷- پارچه يك كاسه از نوع تیکر سخت بارنگ سرخ روشن و خطوط سرخ تیره .

۱۸- پارچه يك كاسه با رنگ سرخ و خط های چاکلیتی رنگ که قسمتا رو رفته میباشد .

۱۹- قاعده سکو مانند يك ظرف از نوع تیکر سخت بارنگ سرخ

روشن و خط های گلابی تیره که رو رفته میباشد .

۲۰- مانند شماره نزد بود ه رنگ سرخ کم رنگ است . در روی آن خط های سرخ روشن به چشم میخورد . بیشتر قسمت های آن رو رفته میباشد .

۲۱- لب يك خم یاسبو با رنگ سرخ نارنجی گوی نه و خط های سرخ تاریك .

۲۲- پارچه يك خم بارنگ سرخ ، روشن و خط های سرخ که مشابه پارچه شماره هفده میباشد .

۲۳- پارچه يك خم از نوع تیکر سخت بارنگ سرخ روشن و سطح سرخ رنگ خرمايي گوی نه دارای يك سوراخ نیز میباشد . شاید پیش از پخته شدن سوراخ شده باشد .

۲۴- پارچه يك خم از نوع تیکر سخت بارنگ سرخ که رنگ سطح آن سرخ قهوه ای و از داخل آن خاکی میباشد .

۲۵- پارچه يك خم از نوع سفال خشن و زبر بارنگ گلابی و خطوط سرخ خردآیی رنگ در قسمت های داخل و خارج لب آن .

۲۶- قاعده يك ظرف تیکری زبر و خشن بارنگ خاکی و گلابی که سطح خارجی آن دارای يك قشر ضخیم رسوب خاکی می باشد .

شکل ۴- یافته های روی زمین :

۲۷- پارچه يك كاسه از نوع تیکر سخت بارنگ خاکی و خط های سرخ در سطح آن که رو رفته میباشد .

۲۸- پارچه يك كاسه از نوع تیکر سخت بارنگ گلابی و خط های قهوه ای که رو رفته میباشد .

۲۹- پارچه يك خم از تیکر رنگ ریگ دار بارنگ گلابی و خط های کریمی در سطح خارجی آن .

۳۰- پارچه يك خم از نوع تیکر سخت بارنگ سرخ که خط های سرخ تیره در قسمت های داخل و

آن دارای فرو رفتگی میباشد
خارج گردن آن دیده میشود. سطح

۳۱- پارچه يك خم بارنگ قهوه
ای روشن که قسما در شست و خشن
میباشد.

۳۲- پارچه يك خم بارنگ سرخ
از تیکر قسما درشت و خشن که
رنگ سطح آن سرخ، بنفش و خاکی
گونه میباشد.

۳۳- پارچه يك خم از نوع تیکر
رنگ دار بارنگ سرخ و قسما
سمت و تزئینات شانه مانند.

۳۴- پارچه يك خم از نوع تیکر
سخت بارنگ سرخ روشن که رنگ
سطح آن خاکی و سرخ بوده و دارای
تزئینات شانه مانند میباشد.

۳۵- پارچه يك خم از نوع تیکر
سخت بارنگ سرخ که رنگ
سطح آن سرخ روشن میباشد.

شکل نهم: باز یافته های تپه:
۳۶- از قشر يك، پارچه يك
کاسه رنگ آمیزی شده خط دار که
رورفته بوده و در سطح آن رنگ
سیاه در زیر لعاب سفید سفال
دیده میشود.

۳۷- از قشر يك، پارچه يك کاسه
نقاشی شده خط دار که دارای رنگ
گلابی و نوار کریمی میباشد.

۳۸- از قشر يك، پارچه يك کاسه
که در سطح آن تزئینات فرو رفته
دیده میشود. ساختمان آن خشن

و درشت بوده و در قسمت داخلی آن
آن شواهد خط های سفید بنظر
میرسد. تزئینات فرو رفته
آن یکجا با خال های سبز و قهوه ای
در زیر لعاب زرد گونی قرار دارد.

۳۹- از قشر دوم، پارچه سفالی
نسبتا ضخیم بارنگ کریمی و تزئینات
برجسته قالب شده در سطح آن.
۴۰- از قشر يك، پارچه تیکر ریگی
نسبتا زبر با تزئینات شانه
مانند.

۴۱- از قشر يك، مانند پارچه
تیکر شماره چهل میباشد.

۴۲- از قشر يك، پارچه تیکر زبر
با تزئینات خال های فرو رفته
در سطح آن.

۴۳- از قشر يك، پارچه يك خم
گلابی نسبتا ضخیم که يك اندازه
رورفته میباشد.

۴۴- از قشر يك، پارچه يك کاسه
سرخ رنگ که قسمتی از لب و داخل
آن دارای لعاب فیروزه ای میباشد.
۴۵- از قشر يك، پارچه يك کاسه
برنگ گلابی که سطح آن که رنگ
روشن تیره کو تا ه مانند دارد.

۴۶- از قشر يك، پارچه تیکر
ریگی خشن و ضخیم که سطح آن
دارای خط ها بوده و رنگ گلابی
دارد.

ولی قسمت بیرونی آن کریمی
رنگ میباشد.

۴۷- از قشر يك، پارچه تیکر
ریگی خشن و ضخیم که سطح آن
دارای رنگ گلابی میباشد.

۴۸- از قشر يك، پارچه يك خم
برنگ سرخ روشن که در قسمت
بیرون آن خط توار مانند کریمی دیده
میشود.

۴۹- از قشر يك، پارچه يك خم
یاشاید يك کاسه که دارای رنگ
گلابی میباشد.

References

Brothwell D.R., 1972, Digging
up Bones (2nd edn.) London.

Fussman G., 1966, Notes sur la
topographie de l'ancienne Kandahar), Art Asiatiques XLIII, pp. 33-57.

Gardin J.-C., 1957, Ceramique
de Bactres. Paris, MDAFA XV

Gardin J.-C., 1963, Lashkari Bazar. Ceramique et Monnaies de Lashkari Bazar et de Bust. Paris MDAFA XVIII.

Shaffer J.C. and M.A.

Hoffman, 1922. (Cultural Patterns in cemeteries) paper presented to the Central States Anthropological Society at Cleveland, Ohio, in April 1922.

Whithouse D., 1977, (Excavation at Kandahar. First Interim Report), Afghan Studies I.

متن این مقاله در صفحات ۴۷۳-

۴۸۸ نشریه

Estretto da ANNALI
dell'Istituto Orientale di Napoli
Vol. 36 No. XXVI, 1979

ضمیمه نهم قطعه رسم و نقشه
انستیتوت شرق شناسی ناپل
به نشر رسیده است.

دداوید مکداول لیکنه
دزهری محقق ژباړه

د کابل او گندهارا شاهي

دلرغونی تر کیی (یا کوشان) د کورنی وروستی پاچا و چې په دابل کی یی حدو مت کاوه. لاکن ددغه بیلا بیلو پاچها نو مناسب ترتیب او اوډنه ډیر گران کار دی حتی نن ورځ نا ممکن بریښی. ځکه چې پدغه هکله اساسی ستونزه او مشکل دادی چې دترکی شاهي وروسته دهندي شاهي دسکو نو مو نه په بشپړه توگه دغوايي اوپر آس سپور سړی دسمبول لرو نکړ سکو دنوم سره چې په پراخه پیمانه موندل شوی دی، سمون او مطابقت نه لری لکه: کارل، سمناند، کامالو (هندو - ستان ۹۰-۸۷۸ میلادی) بهیم د (۸-۹۵۰ میلادی) په دوران کی یی پاچهی کو له) جیپال، اندا پالا، تاروجانا پالا (په ۱۰۲ میلادی کی مړ شویدی) بهیم پالا (په ۱۰۲۶ - میلادی کی مړ شویدی).

دشری واسپالا پاتی او شری واک د دیواسکی دالبیرونی په لیست کی هیکډول برابری او مترادفوالی نه ښیي. کنگهم دشری سمانتا-

سکو او مالو لیکونه په فارسی پوری اړه لری او هغه شخص ښم دداریوش تر تسلط لاندی داریانه نو می گورنر نمایندگی کوی ... هغه ددی له پاره چې پر سکه باندي یی خپله خیره نقش شوی دنوموړی گورنر په وژلو لاس پوری کړ.

که څه هم دتیرلاسه شوی شواهدو له مخی دا مساله فیصله شوه چې نوموړی سکی دافغانستان او د هندوستان په شمالی لویدیځو برخو پوری دمنځنیو پیړیو په دوران کی اړه لری لاکن پدغه هکله دوروستیو انکشا فاتو په اساس چی دلته په تفصیل ور باندي بحث شویدی، دسکو دارز ښت او ضرب و هلو مسایل روښانه شوی دی. دمثال په توگه دهنددموزیم دسکو دکتلاک نه دوینسنت سمیت او کنگهم له خوا دهندوستان، د

شاهیا دکورنی چی بنسټ یی د کالار دخوا اینودل شوی و ارتباط ورکړه شو. کالار دبرهمنی و زیر چی په زوره یی د خپل مشر لاگتور من ځای و نیوی دغه شخص

دهندوستان دشمالی لویدیځی برخه د منځنی دوری دو هل شوو او ضرب شوو سکو په لړ کی دسپینو زرو دنددی غوا اود آس سوار کار سمبول لرونکی سکی دپیژندل شوی سلسلی دجملی څخه شمیرل کیږی چې په یقین سره دتو د - ویلسون او پر نسیپ دخیږنو وروسته هغه تیری پیړی ته منسوبی شوی دی. پدسی حال کی چی مخکی له هغه نوموړی و سکو او شیانو نسبتا معما یی ښه درلودل او یاهم دخیالی اټکل له مخی دهغو خت تعیین شوی و ښه څنگه چې دسمبلی له خو څرگنده شویده چې نوموړی سکی په مصر کی د پتولمی دپاچهی څخه مخکی ضرب شوی دی. څرنگه چی دنوموړو سکو پر مخ باندي غوايي د ښکرو په مینځ په گردی ساحه کی هلال نقش شوی دی نو نوموړی سمبول په څرگنده دمصر دغوايي نقشی لرونکو سکو ته ورته ولی ښیي. همدډول پدغه هکله هم یو لړ زیات دلایل وړاندي شویدی چی دنوموړو

دیوا، دساماندا او شری بهیمادیوا سره د مقایسې له مخې یو لږ مسايل څرگند کړي دي. لاکن بیا هم دا ډول تشخیص یواله پوښتنې را مینځ ته کړي دي ځکه که موږ د هغوی نظر ومنو او بشپړ تکیه پروکړو نو په دې صورت کې به موږ یو شمیر زیاتې هغه سکې چې دالبیروني پاچهۍ ته منسوبې نه دي، پری ایښي وي او همدا رنگه دالبیروني په لیست کې یو شمیر پاچهۍ چې دخپل ځان له پاره یې ځانګړې سکې نه درلودې، خوشې او پر یښودل شوي دي.

ددغو سکو پر شاباندۍ ځینې توري ښکاري چې د سارا دا په رسم الخط باندې لیکل شوي او وگل څرگنده کړي ده چې هغو د

برهمي دلویديخ کوپنا او کوتیلا درسم الخط څخه منشا اخیستی ده. کوتیلا څرگنده کړې ده، چي سارادا په هغه اسلا فو پوري اړه لري چې داتمی میلا دی پیري دپای دجه دنهمي میلا دی پیري تر پیل پوري دورا ن په بر کې نیسي، چي هغه دسارادا دعصر په نوم یادوي.

سپالا پاتې ډوله سکې په افغانستان کې موندل شوي دي چې په نسبتې توګه لږ او ډیر ی په پنجاب، او شمالي هندوستان کې هم پیدا شوي دي. دغه راز سمانتا سکوپه په کابل کې عمومي ت درلود او په پراخه پیمانه په پنجاب او د هندوستان شمالي برخو کې موندل شوي دي. پداسې حال کې چي بهیما سکې په کابلستان کې پیدا

شوي دي. پداسې حال کې چي بهیما سکې په کابلستان کې پیدا

شوي او په ندرت سره په هندوستان کې موندل شوي دي. که څه هم دغه ضرب و هل شوي سکې په مجموع کې دافغانستان په بازارونو کې مروجي وي او په پنجاب کې یې چلند درلود خو په مقایسوي ډول یې لږ شمیر په سیستماتیکې بڼه منشا هده شوي دي. یوازي یو خو دمسو سکې چې د بیلون دسکو څخه ځانګړې شوي ثبت شوي دي او ښايي چې دا مسا له دارز - ثبت وړوي چې د سو سپالا پاتې ډوله سکې په ندرت سره په تګسیلا کې موندل شوي دي لا کن واکار ډوله سکو د سمانتا په شان عمومي ت درلود.

لکه په لاندې جدول کې چي ښکاري:

افغانستان	مس						
	سپین زر	سپین زر	سپین زر	سپین زر	سپین زر	سپین زر	سپین زر
کابل دمنشي مهن لعل کلکسیون	۲۵	۶۵	-	۴	-	-	-
کابل دکور کودیوف کلکسیون (۱)	۷	۱۷	۲	-	-	۱	۴
کشمیر							
سرینګر موزیم (۲) پنجاب او د هندوستان شمالي برخي	۲۰	۵۲	-	-	-	۱	۶۰
کشمیر تګسیلا (۳)	-	۱	-	-	۲	۵	۷
راولپنډي (۴)	-	-	-	-	۱	-	-
باریلي (۵)	-	۱	-	-	-	-	-
علیګر (۵)	-	-	-	-	-	-	۱۰
بودان (۵)	۶	-	-	-	-	-	-
شا هیور (۶)	۲	۲	-	-	-	-	-
ګوجران والا (۶)	-	۲	-	-	-	-	-
راولپنډي (۷)	۱	۳	-	-	-	-	-
شا هیور (۷)	۲	۲	-	-	-	-	-
راولپنډي (۷)	-	-	-	-	-	-	۲
ګجرات	-	۳	-	-	-	-	-

دسپالا پیتا او سمانتا د سپینو زرو سکود توزیع خانګړې مشخصات روښانه اهمیت لری. دی کی هم شک نشته چی دنو موړو د واړو سکو دمخ توری او لیدنې یو نه بل سره دلیدو وړ مطابقت او اړیکې لری. نننګهم عفیده څرګنده لړۍ ده چی دسپالا پاتیا پر سکه باندې سا نسګریت نوری چی په پارسی توروباندې تعبیر او تفسیر شوی دی، مو جود دی په پخوا نی پارسی کی سپالو دپوڅ په مفهوم اومعنی استعمال شویدی) دغه رازدسا - مانتا سکه هم دسانسی ګریت ،

رسم الخط لرو نکې ده دسپالا پاتی او سامانتا دیو شمیر سکو پسر شاباندی یو ډول شکلونه ښکاری چی کیدای شی هغه دی دبای لی او ویسنت سمیت په حواله په اته سوه دوه، اته سوه دولس، اته سوه دیارلس، اته سوه پنځلس او اته سوه - اوه لس نیټو پوری اړه ولری چی دهغوی یو شمیر زیات فور مو نه دهندی سکوو هلو او ضراب خانی اودنوی غر بی شکلونو او فورمونو تر مینځ دوران نمایندگی کوی .

ویسنت سمیت داسی استدلال ، کړی دی چی که چیر ی دسپالا پاتی سمانتا ، دسکو تاریخ او نیټه یوه وی نوداسی معلومی چی دواړوسکو سر لیکو نه په یوه پاچا اړه لری دالبیرو نی کالار اودلشمیر لالیا تاریخ په دی فرضیه باندی تاکید او ټینګار کوی هغه سکی چی پارسی سر لیکو نه ولری دسکو وهلو په هغه ضرابخا نه کی دی ضرب شوی وی کوم چی داننو س سیند په لویدیڅه برخه کی واقع وه اود پارسیانو د امپرا توری په قلمرو او واک پوری یی اړه در - لودنه پداسی حال کی هغه سکی چی دسانسی کریت په تورو اندی سر

لیکو نه لری په پنجاب کی خپری شویدی.

په لو مړی سر کی دنو موړو دوو ګرو پو نو سدوبیلر بیلدیزریع دزیاتی پا ملر نی وړ ګرځی لا کن کله چی دکر شمن له خوا دترلا سه شوو سکو مربوط سر لیکو نه ، ولوسنل شوه نو نو موړی نیټی پو نو موړی نظر باندی ټینګار سست او کمزوری شو حله چی ګر شمن څرګنده کړه چی ددغو سدوسر لیب په بخاری رسم الخط لیکل شویدی چی نن ورځ هغه ، د باختری رسم الخط په تو نه پیژندل شوی دی لکه څنګه چی دسپالا پاتی پرسکو باندی ښکاری . په دی توګه یو زیات شمیر سکی دزیاتو وړانو او خرابو سوو سکو په سلسله کی تنظیم شویدی دا په خاصه توګه په زړه پوری او د اهمیت وړ ده چی دسپالا پاتیا سکو ترزیاتی اندازی پوری دلیک له مخی دباختر دسکو دلا سی خط سر لیک سره شبا هت او ور ته والی لری.

پداسی حال کی چی په وروستیو پړاو نو کی دشری سمانتا دیواپه نوم یی سر لیک لرلی دی . دغوا یی او پراس سپور سپری سمبول لرو نکې دسپینو زرو سکی اوییلون سکی څخه چی تقریبا یو شانته ساینز او وزن لری ، په هر کنده ښکاری چی دنو موړی تسلط د، دوران څخه دی تیر شوی وی. لاکن دبیلا بیلو سلسلو په دوران کی ښایی چی ډیری وړانی شوی او په تدریج سره دروودامپرا توری مربوط دیناریوس(۸) ته ورته والی اومیلان پیدا کړی وی .

دژور تحلیل له مخی داسی ښکاری پدغه سکو کی دهغوی دچلند او ډول له پلوه پرمختیا یی بدلون ، دهغوی دنوم دبدلون سره

سم په پراخه پیمانه را مینځته شوی وی.

په حقیقت کی دغوا یی او پسر آس سپور شخص سمبول لرونکی سکی په نوی پرمختللی بڼی بڼی شویدی پداسی حال کی چی دهغو ډول غلط پیژندل شویدی . دلته مو ډدکابل او ګندهارا دغوا یی او دآس سوار کار سمبول لرونکی سکی دلرغونو سکو دری لوی او مهمی ډلی معرفتی کوو:

۱- دسپینو زرو هغه سکی (شری سپالا پاتی دیوا) چی دری اعشاریه یو او دری اعشاریه پنځه ګرامه وزن لری چی دمحتوی له مخی په سلو کی اویاور تهوالی سره لری هم دسرو زرو او هم دسپینو زروسکی (۹) په ډیر ښکلی شکل سره ضرب شوی دی اوددغو سکو پر شاباندی په لاسی رسم الخط سر لیک ښکاری چی په باوری توګه هغه کاپی شوی سکی دی چی په تدریج سره غلط تعبیر او پیژندل شوی دی.

۲ - دسپینو زرو سکی (شری سامانتا دیوا) چی دوزن له مخی په سپک معیار جوړی شویدی یعنی وزن یی ددوه اعشاریه نهه څخه تر دری اعشاریه دری ګرامه پوری رسپری ډیر بڼه او غوره فلز څخه جوړی شوی اودسپینو ب او پاکي له مخی د نورو سره توپیر لری چی دسرو او سپینو زرو اندازه یی په سلو کی دیوشپیتو څخه تر اویاپوری رسپری . هم دسرو زرو او هم دسپینو زرو دسکی دشاد لوری سر لیک کمزوری ښکاری اود یوه ډیزاین په شکل څرګندین ی او نور شکل یی کاپی شوی شکل لری چی په مرور دزمان په غلطه پیژندل شویدی .

۳ - بیلون سکی (شری ساما - نتادیوا) چی دوزن له مخی په ډیر

ښه معیار سره ضرب شوی الا کن یوازې د بیلون د سکو د سرو زرو او سپینو زرو اندازه په سلو کې د پنځه و یشت څخه تر ډیر شوپوری رسېږي . چې هغه دوخت په تیریدو سره په زیاته اندازه ورانې شوی او بیا په نوی ډول او ډیزاین سره ضرب شوی دی . دکمیا به او نادره سکو او شری خوډاویا کاو شری بهیما دیوا د سکو دمقایسوی تحلیل څخه ښکاری چې دغه سکی دی دپور تنیو درو ښاخ ونو څخه په دوهم گروپ پوری اړه ولری د هغو په ضرب بولو او جوړښت کې د ډیر غوره سپینو زرو فلز څخه کاراخیستل شوی دی لا کن دهغوی د فلزاتو په هکله زیات توپیر ښکاری یعنی د دوهم گروپ د سکو د سرو زرو او سپینو زرو د فیصدی په هکله څرگند بدلون او فرق موجود دی داهغه مساله ده چې ژوره څیړنه ایجابوی .

د بیلون د سلسلې سکی د هند د منځنۍ دورې د بلی کورنۍ له خوا وهلل شوی دی په داسې حال کې چې غوايي او آس سوار کار سکو څخه داسې معلومېږي چې د سکو و هلو په وروستی پړاو یعنی دریم گروپ پوری اړه لری . دنوموړې دورې ډولو سکوراتلو نکی پړاو نه یو له بله سره توپیر ښودلی دی چې یو شمیر یې دخپل کړو نو لوژیکي قرینې اړیکې ساتلې دي . د سکو په لومړي لویه ډله کې (د سپینو زرو سکی چې شری سپالاساپاتی دیواسر لیک ولری) د سکی د شاوخوا دسر لیک له مخې په عمومي ډول پر دریو برخو ویشل کېږي:

الف- دا ډول یې (او لسمه لوحه لومړی مخ) لاس لیکنه لری چې د ژابل (۱۰) دپاچاه د سکو سره ، شبا هت او ورته والی ښیي .

ب- ددی سکی لا سی رسم الخط دبر همی د سکو دلیکنې (او لسمه لوحه څلورم مخ) په شان دی اود یفتلی د څنگیلا سکو ته ورته والی لری .

ج- ددارنگه سکو دشاسر لیک ساده شکل لری چې دعر بی ۸۱۱ سکو (اولسمه لوحه دو لسم مخ) په څیر رسم الخط لری او هغه سکو ته شبا هت ښیي کوم چې د سپینو زرو شا همی سکی په نوم یادېږي او دشری سامانتا سر لیک لری . (او لسمه لوحه دوه ویستم مخ) پدغه هکله دارز ښت وړه فرضیه اونظر دادی چې نوموړی سکی اصلا په درو بیلا بیلو ضرابخانو کې ضرب و هل شوی دی چې په خپل عصر کې خپری اود شکل او ډیزاین له مخې دهم هغه وخت د پاچها نو په سلطنتو پوری اړه لری .

لاکن زه فکر کوم چې دنوموړو سکو دشابر څی دري بیلا بیل سر لیک لرو نکي سکی دی په یوه عصر او زمان پوری اړه ونه لری . ځکه چې دسپالا پاتی دسکودسپینو زرو فلز دکیفیت له مخې ډیر ټینګ او ثابت دی . کله چې نوموړی سکی تجزیه شوی دی نو څرگنده شویده چې دا تو تجزیه شوو سکو دجملی څخه په اوو سکو کې د سپینو زرو او سرو زرو تنا سب په سلو کې یو او یا ښودل شویدی . په داسې حال کې چې دپور تنیو درو ډولوسکو هر یوه ډول دسکی پر شبا باندې بیلا بیل ډول سر لیکونه لری . همدا رنگه دنوموړې تجزیې اوتحلیل له مخې څرگنده شوی ده چې نوموړی سکی دوزن مخی هم په بیلا بیلو معیارو سره ضرب شوی دی . هغه سکی چې باختري لا سی رسم الخط لری د غلیظت او جوړښت له مخې ددری اعشاریه څلور څخه تر دری اعشاریه

پنځو گرامه پوری تثبیت شوی دی (۱۱) .

دغه راز دبر همی ډوله سر لیک لرونکی سکی دغلظت او جوړښت له مخې ددری اعشاریه دری څخه تر دری اعشاریه څلور گرامه پوری تعیین شوی دی او هغه سکی چې عر بی سر لیک لری ددری اعشاریه دسفر څخه تر دری اعشاریه دوهم گرامه پوری ټاکل شویدي . چې دغه اندازه دسامانتا دسکووزن ته چې هغه هم عر بی ډول سر لیکونه لری ، زیات نږدیوالی ښیي .ددی څخه په څرگنده دا نتیجه تر لاسه کولی شو چې دسپینو زرو دسکو وزن په تدریج سره دوخت دتیریدو سره سم لږ شوی دی . چې دغه پروسه دسکو په نورو پخوانیو ، سلسلو کې هم ښکاری او ښایي ثبوت کړی چې نوی ضرب شوی سکی نه یوازې داچې دهغوی فلزات دتیرو وختو په پرتله سپک دی بلکې په تدریج سره د سکو د سپکوالي معیاری وده را منځته شوی ده . چې پلینی (۱۲) په ډاګه په لومړني میلا دی پیری کې دروم داورپوس دسکو دوزن دتکا ملي لېوالتی په هکله څرگندونی کړی دی .

ده زیاته کړی ده چې دغه پروسه دسکو دښه ساتلو په مقصد رامینځ ته شوی ده .

برسېره به دی دکوشانی کورنی دمسو دری در همی دسکو دوزن د تدریجی کمښت په هکله دلیدو وړ بدلون راغلی دی (۱۳) چې دغه بدلون دلرغونی تیپال اودوروستی هندو - پارتیانو اود اراکوزیا دمسو په سکو کې هم څرگندیدی . پدی ډول دسکو دوزن د معیار د تدریجی کمښت مساله دیوه پر - نسیب په توګه منل شوی ده . که چیرې مو پدغه اصل و منو چې د

سکو وروستی سلسلی دهغو ی د وزن دلمبنت له امله بیلا بیلۍ بڼی او شکلونه غوره کړی دی نو به دسکو پیژ ندنی په برخه کی د سوء تفا هم او غلطیو څخه ترزیانی اندازی نجات و مو مو .

دسکو دشاو خوا دسر لیکو د وروستی سروی له مخی یو لږ لرغونی حقایق روښانه شوی دی او څرگنده شوی ده چی دسکو پسر شا باندی دعر بی ډو له سر لیدو مو جودیت غلط فهمی او سوء تعبیر ښکاری اود بر همی دسکو هغه لاس نه را غلی پورته چی دشاوخوا سر لیکنه یی هم ورانه شوی بڼه لری دبر همی (وا) دورو نور وسمه جلاوا لی لری اودآسانو پر سریوه جو غه یابنده بڼداری . دی کی شکل نشته چی نو موږ یی سکی اصلا عربی نه دی خو دورو سستی سیمسلی یی رښتیا هم عربی سکو ته زیات ورته والی لری . دبر همی دسکو دشا سر لیکو نه بی له شکه دخپل خصوصیت له مخی دشا چی دیوا دسکو په خیر دیام وږ او په څرگنده ښکاری .

دغه راز دبر همی دسکو دشا لیک څخه داسی معلومین چی کا پی شوی بڼه و لری او په غلطه سره هغه دباختری رسم الخط گنجل شوی دی . دابه دروسته نه وی چی دنو موږ یی سکی لاسی لیکنه دی داسی (اولسم پلیت دریم مخ) وښودل شوی چی دسکی دشا نو شته لاسی لیکنه ده چی هغه تر ډیر وخته پوری نه وه درک شوی . دیو لږ شبا هتو له مخی دبر همی دسکو خصوصیات په څرگنده هغه سکو ته ور ته دی چی دا ډول رسم الخط ولری (اوه لسم پلیت څلورم مخ) او په وروستیو انکشا فاتو کی ښایی چی پر هغو باندی دآ س سر هم ضرب شوی وی . رښتیا

هم دبر همی دغه توری د هغه وروستی ډول سکو سره چی بڼه لرو نکي اس پر ښکاری توپیږ لری چی دزما نی په تیر یدو سره دسکو دبنی او ډول په هکله تدریجی بدلون راغلی دی . هغه با ختری سر لیک لرو نکي سکی چی دغواپی پرآس سپور سری سمبوله نه لری دتوی والی نه پلوه په دریو اندازو کی مو بل شویدی .

سپالا پانی دسپینو زرو په سکو کی بدلون ښایی چی دنه و اساسی سکو څپرونو په قسرا بڼا نو په هغه سمبولو او نورو کی بدلون نه مخی را مینځته شوی وی کوم چی دسکو پر شا باندی دبر آس سپور سری دفسو پر دسر تر څنگه راغلی دی . په دی ډول دضرب خانو دورانولو په اساس د سکو پر شا باندی رسم الخط هم بدلون وموند او سکی نسبتا په سپک وزن سره جوړی شوی .

لومړی ډول سکی چی دیوه غونچه یادسته بیر غو او جنه و دلرو له مخی دنورو سره توپیږ لری او د پر آس سپور سری نقش لرونکی ډول سکه یی ددی سلسلی دلو غونو سکو دجملی څخه گڼل شوی ده . دسکی دشاسر لیک په یوشمیر سکو کی لوستل کین ی چی دباختر رسم الخط ته ور ته والی لری . همدا ډول رسم الخط ، دیفتلی سکو په شمالی گروپ او دزا بل دپاچهانو په مر بوطو سکو کی هم موندل شو یدی . (اولسم لمبر)

پلیت لو مړی مخ) . دو هم ډول څپری شو ی سکی دڅلوری یا پنځو جنډو په لرلو سره دنورو سره بیلتوان لری د سکو د شا سر لیک یو ډول و لونه یاغوپ شکی لری چی په عمومی ډول ضرب وهل شوی دی اودباختر دلو مړی ډول سکو په خیر ښکاری لا کن ددوسکو دجملی څخه یوه یادو ی

داسی سکی مو ندل شو یدی چی د بر همی توری ور باندی ښکاری (اوه لسمه لوحه دو هم مخ)

دریم ډول سکی دیو ډول ځانکړی توری یا حرف په و سیله دنو رو څخه توپیږ شوی دی (چی نوموړی توری تر زیانی اندازی لر غو نی (ه) ته ور ته والی لری) چی دغه توری د پر آس سپور سری پرسر باندی دسکی دشا پر خوا باندی وهل شوی دی . دسکی په شا داډول لاس لیک دلو مړی ډول دباختری سکو کی ډیر لږ خصوصیات اوځا نکړی ښایی مو جود یی او سائل شوی دی . چی دبر همی دتورو ډول تر زیانی اندازی دا مساله روښانوی .

(او لسم پلیت دریم مخ) . څلورم ډول څپری شوی سکی دپرآس سپور سری تر شا دغشی او لیدنه نقش لری پدغو سکو کی لرغونی لاسی رسم الخط ځا نکړی بدلون مو ندلی دی او هغه خصوصیات یی بدل شوی دی ، کرم چی دبر همی وروستی سر لیکونو (شا هی دیوا) سره یی تر کیبی شکل لرل .

پنځم ډول یی دآس سوار کار دهیاری سکو دنوی ډیکور په لرلو سره دنورو څخه رایبلی شوی دی . یعنی هه و لونه او یا غوپ شکی ډوله شکلونه دنو موږو معیاری سکو په بڼی اړخ کی دډکو یا نقطو په خیر نقش شوی دی . اودسکی په کین اړخ کی دغشی په ځای یوپر بل باندی واقع شوی خطو نه په داسی ډول چی دوه خطه یی لوړ راغلی دی ، راوپل شوی دی .

داسی ښکاری چی په شعوری ډول دی دغشی نقش لرو نکي څلورم ډول سکو څخه داډول شکل ته پر مختیا یی بدلون منځته را غلی وی . او کله کله هم دوه ر گه سکی

دداډول بدلون په لږ کي را څرگندی شو ی دی (وگوری اولسم پلټ شپږم مخ) دداډول سکی یو شمیر ځانگړی خصوصیات لری یعنی یو سلسله توری د آس د نقش لاندی راغلی دی ،لاکن دداډول ، بیلټو نو نمونی کله کله په نوموړی سلسله کی گڼل شوی دی . او ددا ډول سکو یو شمیر زیاتې خپرې شوی نمونی هیڅ توری نه لری یا داچې په څرگنده نه ښکاري بلکې پدی ډول سکر کی دسکی دپای په برخه کی دآس پر نقش زور اچول شوی دی لاکن ددغه حیوان منمنی برخه تر زیاتې اندازی کوچنی شوی ده. دغه راز د برهمی (وی نسی) توری دسکی دشا دآس پر سر مربوط سر لیک صحه تر زیاتسې اندازی بیل شوی دی (اوه نسیم پلټ ، اوم ، اتم ، نهم ، لسم او یوولسم مخونه) .

پر شپږم ډول سکه یو ډول ځانگړی توری دسکی پر شا ید آس دسر تر شانتش شوی دی ددی ډول سکو زیاتره نمونی بل هیڅ ډول ځانگړی مشخصه نه لری لاندیوه څرگنده نښه یی داده پتی د آس د مخ دپښی دسم لاندی دری ټکی ښکاري . رښتیا هم پر هغه باندی دبرهمی دسکی دشا دسر لیک هیڅ نښه نه ده پاته شوی . ددی سکی لاندی برهنه دعر بی عدد په سیر ښکاري (اوه لسم پلټ دولسم او دیار لسم مخونه) .

اوم ډول سکه دپر آس سپورسپری دسر کین لوری ته دا ډول توری ښکاري همدا ډول دآس منځنی برخه ډیره کوچنی شویده (اوه لسم پلټ څوار لسم مخ) . اتم ډول سکه د توری ښایي چې د مفهوم و لری چې دپر آس سپورسپری دسر کین

اړخ ته لیکل شوی دی (اوه لسم پلټ پنځلسم مخ) . نهم لمبرسکه هم د توری دیوه اضافی سمبول په توگه داسی لاندی لیکل شوی ده. (اوه لسمه لوحه شپاړسم، اولسم او اتلسم مخونه) .

دسکو په دوهم لوی ښاخ کی دسپینو زرو سکی چې دسکی پر شا باندی یی شری سمانتا دیوا سر لیک موجود دی او هغه ته نږدی سکی چې شری بهیما دیوا او شری خودواکا سر لیکو نه لری یو شان سپک وزن لری چې دخالص اوسو په سپینوزرو سکی وزن دکمبسته دغه جریان ته دوام ورکړی دی. خو بیا هم دا پیر کران ددی چې ددغه ډول رسکو دقیق کړو نو- نوژیکي سلسله تعیین کړو .

پدی سکو کی دفلزا تو دشفافیت او سپیشلتوب په هکله زیات توپیر ښکاري لاکن دوزند معیار له مخی دهغوی تر مینځ دلیدو وې توپیر نه ښکاري . بایدوو یلشی چې نو هو ی سکی د پرو لیلیو وسایلو په واسطه په لوړ تناسب ضرب شوی دی پداسی حال کی چې دسپینوزرو دحجری یی نسبتاً ټیټه ښکاري . لاکن د شپږو شرو سکود جملی څخه شپږ ډوله یو له بله سره توپیر لری چې لومړی خلور ډوله یی دسکی پر شا باندی دشری سمانتا دیوا سر لیک لری اونور ی پاته یی ځانگړی بڼه لری چې دهغوی بیلټون په لاندی ډول سره ښو دل شویدی.

۱ - دغه ډول سکی دپر آس سپورسپری د نقش ښی اړخ او کین پلو ته د (bhi) توری لری اود آس پر سر باندی دغنا یی سمبول په توگه بیرغ یا جنه لری

چې دداډول سکی په زیاتو پیما نه خپرې شوی او موندل شویدی. ۲- دارنگه سکی هم لومړی ډول ته ورته والی لری لاکن دسکی دشا پر خواباندی دویزر کاسمبول لری.

۳ - دداډول سکی هم دلومړی ډول سره ورته اونږدی دی لاکن دپر آس سپورسپری د نقش ښی اړخ ته یی (bta) توری ، ښکاري.

۴ - دداډول سکی هم دلو مړی ډول سره شبا هت لری خو دپر آس سپورسپری ښی اړخ ته دکودید پوست سمبول موجود دی.

او پاته دوه ډوله سکی یی دخپل دوه ډول سر لیکو یعنی شری خودا واکا او شری بهیما دیوا له مخی یو له بله سره توپیر لری.

دسپینو زرو غوا اود آس ، د سوارکار سمبول لرونکی سکی دسپالا پاتی وروسته د سپک وزن په معیار یعنی دوه اعشاریه دری گرامه وزن سره ضرب اووهل شویدی . لاکن دخوداوا یا کا سکی دعر بی (adl) توری په بدلیدو

سره په نوی بڼه چې دسپک وزن معیاری سکو په ډول (دوه اعشاریه نهه گرامه وزن) را منځته شویدی چې دسپک وزن دمعیار سکی په څرگنده دشا هی سکوسره توپیر لری . داهم دزیات اهمیت وې ده چې دعر بی درهم نوی جوړی شوی جاری سکی چې لومړی په عبد - المالك چې دوه اعشاریه اته او یا گرامه وزن لری پیر ندل شوی وی دسپک وزن لرونکی معیار لری .

دغه ډول دوه اړخیزه عربی اړیکي چې دسپک وزن په معیار د درهم او (adl) تر مینځ موجود دی دی په دی نظر باندی ټینگار نورهم

زیاتوی چی هغه دی ښایي چی په یعقوب پوری اړه و لری یعنی په هغه زما نه پوری مربوطی وی کله چی ددغه شخص له خوادنو و ، مسلمانانو فاتحینو په مرسته کابل فتح شو (یعقوب خان په ۸۷۰ میلادی ۲۵۶ هجری کی کابل ونيو) لا کن کله چی موږ هغو ته نسبت ور کو داسی ښکاری چی هغه دی د غوايي او آس لرو نکي سپړی دسلسلی څخه بیلي او په هر بی سلسله ور دا خلی شوی وی . او هغه بله یوه خپره شوی سکه چی ددو هم لوی گروپ د دری اعشاریه دوه گرامه وزن لرو نکو سکو څخه توپیرلری دسمانتا دیوا هغه خپره شو ی سکه ده چی کودی ډوله سمبول لری . دغه راز یو شمیر سکی ددوه اعشاریه اته څخه تر دری اعشاریه دری گرامه وزن نه پوری یوه حلقه هم لری چی یو شمیر نمو نی یی حتی ترد غه اندازی هم لږ وزن لری . چی تر ټولو سپکی سکی یی په عمو می ډول هغه سکی دی چی ډیر ساده سمبول لری .

په حقیقت کی دبهیما دخالصو سپینوزرو سکی تقریبا دسپکوزن په معیار د دری اعشاریه دوه گرامه وزن په لرلوسره ضرب اوخپری شوی دی . دا سی فکر کپری چی دبهیما سکی مخکی له دی څخه د سامانتا دکودی سمبول له منځه ولاړ شی خپری شوی دی .

موږ دترلا سه شوو مترو لو - جیکی شوا هډو له مخی درسما - نتیا هغه سکه چی دکودی پوست سمبول ور باندی موجود دی ددوهم لوی گروپ دورو ستي خپری شوی سکی دجملی څخه ده . همدا ډول مو ږ دسمبولو دو دی ، او انکشاف پر مخیا یی سپر په سکو کی په څرگنده توضیح کړ . د جفی یابنکی سمبول چی دسپالا پاتید

آس دسر سمبول لرو نکي سکی څخه پخوا لا هم بیل شوی و اود یوڅه مودی له پاره په نو مو ږ ی سکو کی او یاد هغه په شپږم لمبر خپروشوو سکو کی دبنکی سمبول مروج و . چی وروسته له هغه یی بدلون و مو ند او بیلا بیل ځانگړی سمبولونه پکی را منځه شول . د عربی سر لیک ډو له نمو نودکودی پوست دسکو تر خپریدو پوری په تدریج سره وده وکړه .

دسپالا پاتی دنهم لمبر سلسلی اړیکي دسا مانا دو زیر گال - ډو له سکو سره په څر گنده ښکاری (اولسم پلیت نو لسم مخ) . دا ډول سکی دبنکی یاجو غی دسمبول په لرلو سره دنورو څخه رابیلی شوی دی چی دآس دسر دسمبول څخه بیلتون او جلا والی په لومړی سرکی په اتم لمبر او نهم لمبر ، سپالا پاتی سکو کی را مینځته شو . پداسی حال کی چی د سامانتا - ویزار گاه سکی د دو هم گروپ د سکو په جملو کی ځا نگړی بڼه لرل چی هغه په غله سره دعر بی رسم - چی هغه په غلظه سره دعر بی رسم - لرو نکي گڼل شوی او تعبیر شوی ده چی هغه په څر گنده دسپالا پاتی (اوه لسم پلیت اتلسم مخ) دنهم لمبر سکو سمبول منعکسوی .

په دی ډول نو موږ دسپینو زرو دسکو ددو هم ډول لوی گروپ و پ عمو می کړو نو لوژیکي وده داډول وړاندی کولی شو . لومړی تحول دسامانتا دویزر گاه ډو له سکی چی دسپالا پاتی دنهم لمبر خپرو شوو سکوسره ور ته والی لری ، را منځته شوی دی . وروسته بیا دا ډول پر مختگ دخوداوا یا کاکي څرگند شوی او وروسته له هغه پرته دویزر گاه دډول څخه د سامانتا په سکو کی دا رنگه بدلون په پراخه پیمانه ښکاری . دآس

دسر په لویه برخه کی داسا سی عنا صرو مو جودیت چی دآس د جفی څخه یی منشا اخیستی وه ، پر خپل حال پاته شوی دی چی دا ډول سمبول یوځل بیاد لرغو نی شا هی سکو (دسپک وزن معیار لرو نکي سکو) کی بیا تکرار شوی دی . د

(ta) سمبول لرونکی خپری شوی سکی (اتلسم پلیت اوه ویشتم مخ) دستری خپری شوی سلسلی سکی (اتلسم پلیت شپږ ویشتم مخ) یو جز گڼل شوی دی او دا سی ښکاری چی هغه دی تعقیب کړی وی . وروسته له هغه دنو مو ږ ی سلسلی په پای کی دبهیما سکی خپری شوی دی او ور پسی یی سا مانا سکی دکودی دپوست دسمبول په لرلوسره را منځته شو ی دی . دسا مانا دیوادسپینو زرو یو شمیر زیاتی خپری شوی سکی دپر آس سپور سپړی ، د سمبول کین څنگ ته (bhi) توری لری اود هغه ښی اړخ ته د جفی یا بنکی یاد گار لری . په داډول سکو کی دوه نور نسبتا لوی ښا - خو نه سکی څر گندی شوی دی:

الف - دا ډول سکی په پاکاو ظریف ډول داسی جوړی شویدی چی شاوخوا یی ټکی ښکاری او دجغه یابنکه سمبول لرو نکوسکو څخه توپیر لری (اتلسم پلیت خلیرویشم، شپږ ویشتم مخونه) ب - داسکی هم پلنی ، همواری زیری اود ټیټ کیفیت لرو نکي دی .

بایدو ویل شی چی دکو چنیو ښا خو نو او ډولو مر بو طی سکی په منځنی توگه د دری اعشاریه دوه گرامه وزن لرونکی دی او په عمو می ډول ددری اعشاریه یو - گرامه څخه تر دری اعشاریه دری

گرامهوز ن پوری مو ندل شویدی. ددی څخه داسی ښکاری چی داډول سکی دسپینوزرو دلور او کښته فیصد ی لرو نکي سکی په بر کی نیسی . دسکو دا ډول د فر عی ویش د واپه ډو له داسی ښکاری چی یو له بله بشپړی اړ یکی سره لری لاکن په عین حال کی دځانگړو مشخصاتو لرو نکي دی . چی دسکو وهلو داډول روش په نورو سکو کی هم کاپی شویدی . موږ دا سی فکر کوو چی هلته دی دوی ضرابخا نی مو جودی وی چی بیلا بیل سکی پکی و هل کیدی . پر هغو سکو باندی چی په وروستیو وختو کی په بیلا بیلو سیمو کی مو ندل شوی دی زیا تی څیر نی او نوی رڼا اچولو ته جدی اړ تیا احساس ده ترڅو داډول په زړه پوری او د اهمیت څخه ډ کو پوښتنو ته رښتینی ځوابونه وو یل شی. لاکن دغه سکی دضرب کولو په وخت کی سمدستی وروسته د خورواوا - یاکا تر سکو ، را میځته شو یده.

چی داډول وده او پر مختیا په ۸۷۰ کال کی دکابل دورانیدوڅخه وروسته سمدستی را منځته شوی ده.

دریم لوی گرو پ یاد سکو ستر ښاخ دیلون هغه سکی چی د ، شری سمانتا دیوا سر لیک لری او په سکو کی دپنځه و یشته څخه تر دیرش پوری دسپینوزرومحتوی لری په برکی نیسی چی دا ډول سکی ددو هم لوی گرو پ دسکو په پرتله دجدی او زیات کمښت اولر والی ښکارندوی دی چی دهغه انداز په سلو کی دشیپته څخه تر او یا پوری رسیدلی . په دغو سکو کی دو مره وروسته پاته والی نه ښکاری چی دیو پل په توگه نوموړی خلاص ډکه کړی .

داسی معلو میری چی بیلون

دارنگه سکی په د و و ا سا سی سلسلو ورگړی شوی وی . چی لومړی سلسله یی دښو سپینوزرو څخه جوړی شوی سکی دی (اتلسم پلیت دری دیرشم مخ) او دو هم ډول یی دهغه سلسله سکو څخه عبارت دی چی په نسبتا نازک ډول جوړی شوی دی (اتلسمه لو حه دری دیر شم مخ) دیلون د سکو پخوانی سلسله دسپک وزن په معیار ددری اعشاریه یو او دری - اعشاریه دری گرامه وزن باندی ضرب او خپره شوی ده . کوم چی دسامانتا دیوا دښو سپینو ز رود سکو وزن لری. دهغه وروستی سلسله سکه په پراخ معیار (دری اعشاریه دوه نه تر دری اعشاریه شپږ گرامه) سره و هل شوی ده اوداسی ښکاری چی دنیتی له مخی دی دهغوی په پرتله وروسته والی ولری ددی کور نی د مسوترکیبی سکی پر شاباندی لاند نی سر - لیکونه لری:

شری سپالا پاتی دیوا

شری واکا دیوا

شری سمانتا دیوا

شری بهیما دیوا

دپورتنیو سر لیکو نو څخه دری

سر لیکه دسپینوزرو پر سکو باندی مو ندل شوی دی . پداسی حال کی چی څلورم ډول سر لیک یعنی دشری واکا دیوا دنوم په مسی سکو باندی ضرب و هل شوی دی. باید څرگنده شی چی دشری سپالا پاتی دیوا سر لیک لرونکی دمسوسکی هم دغوا یی او آس سوار کار دسپینوزرو دسکو په ښه سر لیکو نه لری. لاکن شری - واکا دیوا ، شری سمانتا دیوا ، او شری بهیما دیوا سر لیک لرو نکي سکی یو لړ ځانگړی ښی ، او مشخصات لری یعنی دزمری او فیل سمبول ور باندی نقش شوی دی. په داسی حال کی چی دسپالا -

پاتی د مسو پر سکو باندی دزمری او فیل ښی نه ښکاری . موږ او س ددی ثابتولو توان نه لرو چی دسمانتا دخالص مسو سکی دی د غوا یی او یا پر آس سپور سکی سمبول و لری. دمسو دا ډول سکی دسپینوزرو دسکو په څیر په تدریج سره خپل وزن سپک کړی دی چی دوزن دمعیار ددا ډول تدریجی کمښت له مخی موږ ته دا امکان په لاس راځی چی کړو نو لوژیکسی سلسله یی وټاکو . د مسو دسکو داسی او اصلی گرو پو څخه داسی ښکاری چی دسپالا پاتی د غوا یی او آس دسوار کار سمبول لرونکی سکی مخکی ضرب شوی وی. چی وروسته یی دواکا دزمری او فیل سمبول لرو نکي دمسوسکی رامینځته شوی او په پای کی دی د سامانتا دزمری او فیل دسمبول لرونکی دمسو سکی رواج اوخپری شوی وی. دسکو په مربوط جدول کی دسپالا پاتی ډوله سکی وزن ددوه اعشاریه پنځه څخه تر دری اعشاریه پنځه او یا گرامه پوری تعین شویدی . اودواکا ډوله سکوزن ددوه اعشاریه صفر څخه تر دری اعشاریه پنځه گرامه پوری ، او د سامانتا دسکوزن دوه اعشاریه صفر څخه تر دوه اعشاریه پنځه - او یا پوری تعین شویدی .

دسامانتا او واکا دمسو سکی به دخپلی کروندلو ژیکي سلسلی په چوکاټ په راتلو نکي کی تربحث اوڅیړنی لاندی و نیسو دسکو په مربوط جدول کی په څرگنده ښکاری چی دسکو و هل کیدل دوزن له مخی دخپلو تیرو اجدا دو دسکو په پرتله په تدریج سره ، د سپک کیدو په لور حرکت اوانکشاف کړی دی . چی په زیاتره ډولوسکو کی په تدریج سره شخصی مارک او نښانو نه را منځته شوی دی. بایدوو یل شی چی دغوا یی او پر

آس سپور سړی د نښا نواوسمبول
لرو نکي سپالا پاتی مسی سکی چی

لومړی خپری شوی (نو لسم پلټ
څلور دیرشم مخ) د سپالا پا نی د
سپینو زرو د همدغه بڼه لرو نډو
سکوسره ډیر نږ دی ورته والی
او شبا هت لری. لاکن دغواپی او
پر آس د سپور سړی سکی په
بیلا بیل ډول نقاشی شوی وی چی
دنو روسکو په تقلید یی د پر آس
سپور سړی په لاس کی بیر غ
لرو نکي تصو یر در لودلی دی.

بایدوو یل شی چی د مسی سکو
د دو هم لوی گروپ یا ستر بڼا خ
دشری وا کا دیوا هغه سکی په بر
کی نیسی کوم چی د زمزی اوفیل
سمبول او تصو یرو نه ور باندی
نقش شوی دی. دواکا د سلسلی پر-
له پسې گڼی دهغو سکو د سلسلی
سره توپیر لری کوم چی د شخصی
مار کو لرو نکي دی او لرغو نی
خپره شوی سکه یی په بر جسته
ډول لیکنه لری (نو لسمه لو حه
پنځه دیرشم مخ).

پداسی حال کی چی دو همه گڼه
خپره شوی سکه یی د زمزی تصو یر
لری (نو لسم پلټ شپږ دیرشم-
مخ) لاکن دریمه گڼه یی د زمزی
تر تصو یر لاندی یو ډول څا نگری
توری لری (شلمه لوحه اوه دیرشم

مخ داهم گران کار نه دی څر گند
کړو چی و لی مسی سکو دا ډول
بدلون مو ندلی دی .

دمسو دغواپی او پر آس سپور
سړی ډو له سپالا یا تی نو می سکی
دسر لیکو نو ، بڼی او دوز ن د
معیار له مخی د سپینو زرو د داډول
سکو سره یو شان دی. لا کن
د سکو دشا خانگړی مشخصات به
پدغه هکله هر ډول غو لید نه
مشکله کړی.

لنډه دا چی دمسو کم یابه او
نادره هغه سکی چی دشری بهیما-
دیوا سر لیکو نه لری (نو لسم -
عکس یا پلټ څلورځلو یښتم مخ)
مو ږددرو منابعو څخه تر لاسه
کړی او ورسره آشنا شوی یو .
یعنی دغه لرغونی نمونې د لندن ،
اکسفورډ او پاریس په موزیمو کی
مو جودی دی .

داډول سکی لکه د ساما نتا دمسو
ددریمی گڼی سکی د ټکو او نقطو
په وسیله دیو ډول گل د سمبول
لرو نکي دی. دغه راز یو شمیر ،
نوری د ساماننا مسی ډو له سکی
مو جودی دی چی نه څا نگری مارک
یا ټا په لری او نه هم د داډول په ټکو
تصو یر شوی گل ور باندی ښکاری
د ساماننا ددریمی گڼی دمسو د سکو
په پر تله یی وزن هم سپک دی .

یادونی:

۱- دغه کلکسیو ن په کابل کی
جوړ شوی چی محلی بڼه لری .
۲ - د پر تاپ سنگم دمو زیم
د سکو او موالو لیست، سریناگر -
اوو مه دوسییه.

۳ - جی. مارشال ، تکسیلا ۷۹۴
۴ - دتوما س دملکیت مربو طی
سکی چی په مځکه کی یی ښخی
کړی وی او په راو لپنډی کی په
۱۹۰۸ کال کی د مځکی دیوی کو لو
په وخت کی وموندل شوی.

۵ - دلکنهو سیمه ایزه موزیم د
سکو یو ویشتم، دوه ویشتم او -
درویشتم لمبرلیستونه .

۶ - دالف. ډبلیو بودام د سکو
محلی کتلاک اسام ۲۳۰ دوسییه .

۷ - د ناگپور د موزیم د سکو
دمو جوده کلکسیو نو کتلاک.

۸ - سی. اف. ام گرنټ. درو م
دامپراتوری سکی. ۲۴۵

۹ - د سپینوزرو دشا هی سکو
په هکله دزیاتو معلوما تو د تر لاسه
کولو په مقصد دو همی ضمیمی ته
رجوع وکړی.

۱۰ - گر شمن په نو موړی اثر
کی اوه دیرشمه دوسییه .

۱۱ - په لو مړی ضمیمه کی د
سکو دوز ن جدو لونه و گوری .

۱۲ - پلنی . طبیعی تاریخ ۳۳ ټوک.

۱۳ - د آسیایی ټو لنی مجله
۱۹۶۰ کال ۶۳ دو سییه.

مندیک

گزارش تاریخی :

آگاهی مطلق در مورد دنباله گزارش تاریخی مندیک رضایت بخش نیست . درائنا ی کاوش گزل (۱۹۶۱: ۱۲۵۸) یک سلسله تاریخ ها را ذریعه کاربن چار د ه برای دوره های اول و سوم فرا هم نموده اما اکثر تاریخ های تعیین شده قابل قبول واقع نگردیدند . زیرا روش یا میتود گرد آوری ، امکان ملوث بودن و بالاخره نتیجه اینکه مقایسه آنها با مفروضات دیگر غیر معمول و استثنایی بودند . دالس (۱۹۷۳: ۱۶۸) اخیرا مقدار از ذغال چوب را از قشر دوره اول مندیک جمع آوری نموده و به استناد به آن اولین گزارش تاریخی دقیق را برای دوره اول ساحه مسکونی تعیین نمود تاریخ های زیر عبارت از تاریخ های تصحیح شده میباشند :

مراحل دوم و سوم دوره اول - ۳۷۴۵ ق.م
مرحله پنجم دوره اول - ۳۳۷۵ ق.م
مرحله اول دوره دوم و یامرحله پنجم دوره اول - ۳۶۳۵ ق.م

تاریخ های مذکور حاکی از آن است که ساحه مسکونی اولی مندیک (مراحل اول تا پنجم دوره اول) اوایل و اواسط هزاره چهارم قبل المیلاد اشغال گردیده (۴۰۰۰-۳۵۰۰ قبل المیلاد) است . (برای معلومات بیشتر به شماره اول سال چهارم مجله باستان شناسی افغانستان صفحه دوازدهم شکل ۱: ۳ مراجعه شود) .

کدام معلومات تازه در مورد گزارش تاریخی دوره دوم غیر از آن تاریخ که قبلا ذکر گردیده استنباط نگردیده با آنهم بعضی سنه گذاری در مورد گزارش تاریخی دوره مذکور با در نظر داشت آزمایشات مرحله پنجم دوره سوم حاصل و فراهم شده است . (دالس ۱۹۷۳: ۱۵۹) سلسله تاریخ های اصلی را که گزل در مورد دوره سوم تعیین نموده بالا یه بندی آن متناقض می باشد ، بدین لحاظ تاریخ مرحله اول دوره سوم یک هزار سال بعد تر از مرحله پنجم دوره مذکور به نظر می آید . تاریخ تقریبی که توسط دالس برای دوره سوم پیشکش

شده بود بطور واضح و آشکار بادر نظر داشت غیر عادی بودن ، تعیینات بعدی ، تعدیلات و اصلاحات آن و تاریخ های گزل در مورد نیمه حیات و تصحیح های سازنده آن باعث آن گردید که توجه چندان بدان نگردد . بدین ترتیب تاریخ های راکه دالس برای مرحله پنجم دوره سوم مندیک تعیین نموده است بین ۳۱۰۰ و ۲۷۰۰ ق.م میباشند حتی و بدین نظر است که این تاریخ ها بسیار بعدی میباشند (۱۹۷۳: ۱۶۵) یگانگی تاریخ که برای دوره چهارم (۳۲۰۰ قبل المیلاد) تعیین گردیده نمی تواند نوع مواد را در مورد دهموراسی هم تعیین و مشخص نماید حتی سه تاریخ که در مورد سیدقلعه توسط کاربن چهارده سنه گذاری شده چندان دقیق نمی باشند . بر اساس مقایسه تیکرها ، سیدقلعه مشابه بدوره سوم مندیک و اوایل مرحله اول دوره چهارم میباشند ، با آنهم سنه گذاری که توسط آزمایشات کاربن چهارده از اقشار مختلف حاصل گردیده تاریخ های درست و دقیق را ارائه میدارند و

عبارت اند از : ۲۱۱۰ ق.م تا ۲۱۶۰ ق.م و ۲۲۳۰ ق.م، تاریخ های متذکره دلالت کننده این امر است که این ارزیابی آزمایشی به چه حدی مترادف و هم رشته در مورد مندیگک هستند. گزارش تاریخی که بعدا ذکر ی از آن بعمل خواهد آمد تماما براساس آزمایشات کاربن چهارده و مقایسه با مواد است که خارج از افغانستان بدست آمده اند.

دوره دوم شاید نمایندگی از یک دوره کوتاه مسکونی در ساحه متذکره نماید که از نیمه هزاره چهارم ق.م (۳۵۰۰ ق.م) شروع و مدت یکصد سال و یاحداکثر دو صد سال را در بر گرفته است. دوره سوم مندیگک پیش از نیمه هزاره چهارم قبل المیلاد بوده نمی تواند و این دوره تا چند قرن اول هزاره سوم قبل المیلاد ادامه داشت (۳۵۰۰ تا ۲۸۰۰ ق.م) مرحله ششم دوره سوم و دوره چهارم هر دو تماما شامل هزاره سوم قبل المیلاد میگردند (۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م) مشکو کیت بی نهایت دوره پنجم مندیگک بعد از نیمه اول هزاره دوم قبل المیلاد آغاز گردید (۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م) مسایل گزارش یا شرح تاریخی آن بعدا در همین فصل مورد مباحثه قرار خواهد گرفت.

تیکرها :

شاید هیچ يك از باز یافت های دیگر به مشابه تیکرها در مندیگک قابل دقت و توجه نباشند چنانچه بررسی و مباحثه مختصری از گزارش اصلی (داس ۱۹۶۵ مغول ۱۹۷۰ فیر سر فیز ۱۹۷۱) بمیان آمد و تکتا برجسته آن روشنتر گردید اما با آنهم سلسله تیکرها ی مندیگک کیچ کنند و در هم اند. بخش یاقسمتی ازین در همی باین مساله رابطه میگیرد که چطور تیکرها

(وانواع دیگر اشیا) جمع آوری تجزیه و گزارش داده شده اند. کمی مقدار پارچه های اشیا باعث آن گردید که تفسیر و تشریح مسایل را محدود نماید و تنها بر اساس اشیا ی مکمل میتوان آنها را تشخیص و بررسی نمود. مواد مندیگک یسک اشاره یا معرفی مقداتی است در مورد آشنای دربار ماقبلالتاریخ افغانستان و بالخصوص دریمن زمینه تیکرها ی آن قابل اهمیت میباشد.

یکی از مسایل عمده و اساسی در رابطه بین مراحل اول و سوم دوره اول و مراحل چهارم و پنجم دوره مذکور متمرکز میباشد. مراحل اخیرا لد کر از نگاه لایه بندی فرهنگی باید به صورت واضح و دقیق تمیز و فرق شوند.

پارچه های ظروف تیکری (شکل سه و پانزده) نخودی سرخگون بود که اکثر آنها ذریعه چرخ ساخته شده اند (نود فیصد) و تعداد آنها (ده فیصد) دست ساخت میباشد. در مرحله پنجم دوره اول کاهش قابل ملاحظه در کمیت تیکرها ی که توسط چرخ ساخته میشدند بوجود آمد. (هشتاد فیصد مرحله چهارم دوره اول هفتاد فیصد) در مراحل دوم و سوم دوره اول لبه های ظروف شکل خطوط مستقیم و منحنی را داشتند و تنها در مرحله چهارم و پنجم دوره مذکور ظروف که کناره های آن راست و مستقیم بودند، ملاحظه شده اند. کوزه های کروی گردند از اولین بار در مراحل چهارم و پنجم دوره اول به مشاهده رسیدند.

متاسفانه گزل توجه کمتر به تیکرها ی غیر منقوش میذول داشته است بنابراین باید تمام مباحثات پیرامون تیکرها ی منقوش متمرکز گردد که در دوره

های ماقبلالتاریخ مقدار و کمیت آنها اندک بوده است. نمونه های اصلی و عمده تیکرها ی منقوش دوره اول عبارت از تیکرها ی اندک دارا ی تزئینات سیاه بندی بود و تزئینات مذکور در زمینه سرخ رنگ ترسیم گردیده اند، البته چند استثنا جالب توجه درین دوره نیز به ملاحظه رسیده است. تزئینات مهم هندسی که در روی تیکرها ی مذکور ترسیم گردیده اند عبارت اند، از خطوط عمودی یا خطوط نیمه قطع شده میباشد که به صورت غیر دقیق و دقیق ترسیم شده اند.

۱- مثلث های ترسیم شده دارا ی خطوط سایه دار ی قطع شده درونی و مثلث ها یا دایره های یی که توسط نقطه های نو کدا ترسیم گردیده اند.

۲- خطوط عمودی.

۳- هلال های بزرگ.

۴- طرح های منکسر همراه با خطوط سایه دار داخلی.

از جمله تمام این تزئینات عمده تنها ترسیم تزئینات مثلثی و هلال های تغییر یافته و یا اصلاح شده از مراحل چهارم الی پنجم دوره اول و در تمامی (مراحل دوم الی پنجم دوره اول) ادامه داشته اند. دو پارچه تیکر مشکو ک (شکل سه و پانزده شماره های سیزده و چهارده) به مرحله سوم دوره اول نسبت داده شده اند (کز ۱۹۶۱: ۱۷۰ شکل چهل و نه بخش های یازده و دوازده) ضمیره این پارچه های نخودی رنگ اشکال حیوانات (بزکوهی) در روی آنها ترسیم گردیده است. نقش یکی ازین بزکوهی مکمل بوده و باتیکرها ییکه از «توگو» الف کشف گردیده همسان و مشابه میباشد و از نگاه نوعیت باتیکرها ی (سیا و انجیرا) بلوچستان مرکزی یکسان تشخیص شده میتواند: (دی کاردی ۱۹۶۵) تعیین و تشخیص

هویت اشکال حیوانات درین مراحل ابتدایی باعث بروز پرابلم قابل دقت (مغول ۱۹۷۰: ۳۰۱) در مورد ارزیابی مواد و مطالب مند یگک و را بطه دوره اول مند یگک با دوره های اول و دوم انجیر - سیا میگردد . (دالس ۱۹۶۵: ۲۶۲) مغول (۱۹۷۰: ۲۸۲-۷) و میدو (۱۹۷۳: ۱۹۱) سوالات جدی در مورد اعتبار و نقش سلسله تاگوا و نوعیت ساخت دارند. به هر صورت این پارچه نسبت به تمام پارچه های دیگر در رابطه با مساله مندگیگ اهمیت مهمی کسب نمود است . اهمیت این پارچه های تیکری شاید طبق معمول نظر به دلایل زیر درینجا تشریح شده نتوانند :
۱- این نمونه ها بی نظیر اند (دوپارچه) .

۲- این ها از خیمه زرد رنگ ساخت شده اند در حالیکه تیکر های دیگر از خیمه زرد سر خگون ساخته شده اند .

۳- این پارچه ها از لایه یا قشر واحدی بدست آمده اند و آزمایش محدودی در مورد آنها صورت پذیرفته است و یا شاید با واحدهای دیگر در هم می آمیختند .

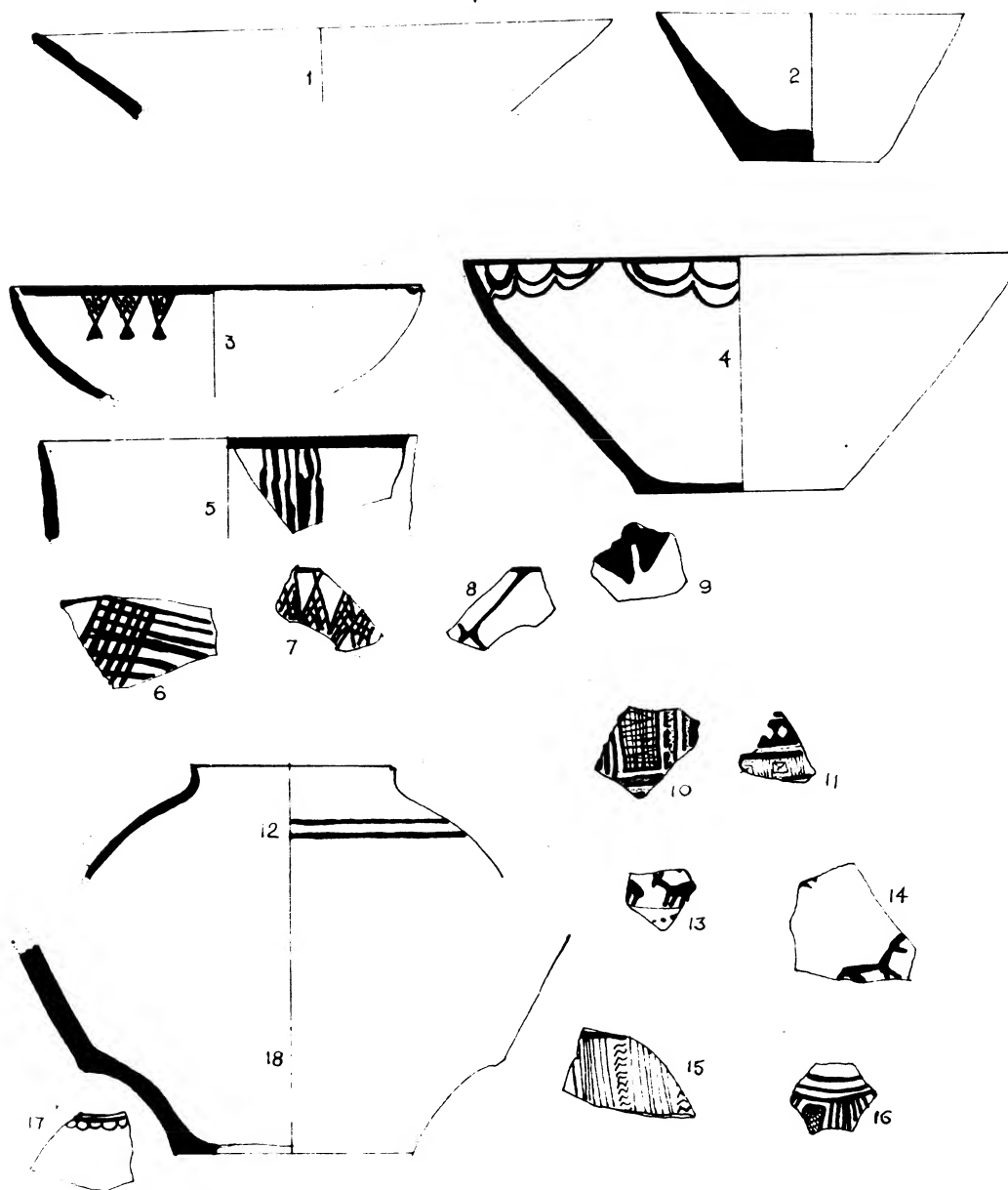
این مطلب مورد مناقشه قرار گرفت که (فیر سر فیز ۱۹۷۱: ۱۲۷) مراحل چهارم و پنجم دوره اول از نگاه تیکری مختلف بوده و از این رو از نقطه نظر مطالعات لایه ها با مراحل دوم و سوم دوره مذکور تباین دارند . این تباین اساسا متکی به ظهور نخستین نوعیت کوزه ها و جام ها (۹) و در رابطه با طرح و ریخت تزیین دو رنگه آنها میباشد . با موجودیت نمونه های اندک مراحل دوم و سوم دوره اول پیش از وقت خواهد بود که موجودیت کوزه ها یا جام ها را در مراحل مذکور نادیده بگیریم بحث در مورد اختلاف مهم طرح آنها به اساس

مفروضات نشر شده قانع کننده نیست . تزیینات برجسته مراحل چهارم و پنجم دوره اول تما ما در مراحل قبلی نیز به مشاهده رسیده اند . تزیینات قابل توجه به شمول تزیینات دورنگه تما ما نمونه های بیمثال و بی مانند بوده و مجموعا یازده پارچه میشوند . هر چند مجموعه تمام نمونه های تیکری مجهول اند اما اگر با در نظر داشت ساحه کاوش شده مراحل چهارم و پنجم دوره اول ، پارچه های مذکور با مواد دیگر مقایسه گردند . (شیفر ۱۹۷۲، ۱۹۷۴) تعداد پارچه های تیکری آن به هزاران میرسد . ازینرو چطور میتوان ارزش و اهمیت یازده پارچه تیکر را که دارای طرح و دیزاین جدید بوده و بویژه از نقطه نظر اتصال و پیوستگی آنها با تزیینات و اشکال ظروف دیگر تعیین و تشخیص نمود . چنین پارچه ها به یقین مهم بوده و تاحدی نمایندگی از ارتباط خویش با دسته دیگر تیکر ها که از نگاه شیوه ساخت مختلف بوده و یا با ظروف محلی که استفاده بخصوص از آنها صورت میگرفت و یا اینکه تبادل آنها محدود بوده در رابطه بوده اند . اما با آنها آنها نمایندگی از یک تغییر پر ارزش فرهنگی کرده نمی توانند . تیکر های مراحل دوم و پنجم دوره اول مند یگک نمایندگی از یک انکشاف مجرد فرهنگی نموده و نمایا نگر یک تغییر محدود داخلی همراه با وسعت انواع میباشد .

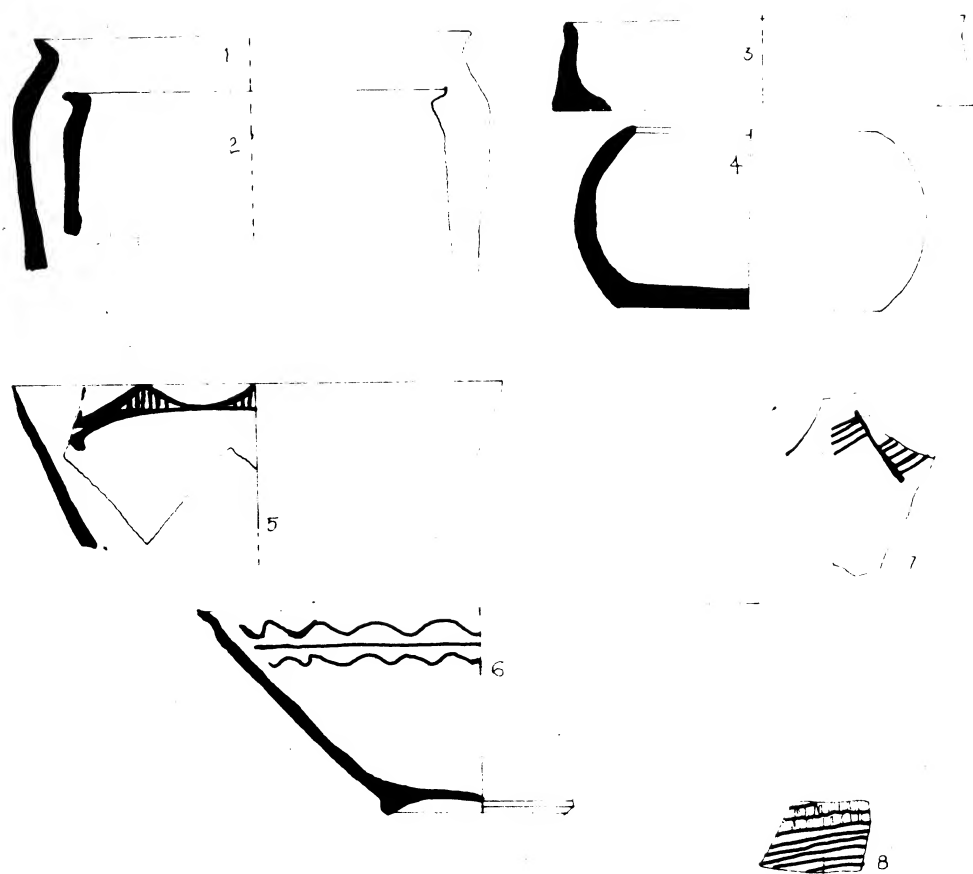
بحث در مورد تیکر های دوره دوم (شکل سه : شانزده) تما ما بالای تغییر ظاهری درشت آنها در رابطه با فیصدی ظروف دست ساخت و چرخ ساخت متمرکز است . فیصدی ظروف تیکری دست ساخته در مرحله اول دوره دوم به نود و هفت فیصد و چرخ ساخت به سه فیصد افزایش نموده است . این

فیصدی یک فرق برجسته را به تناسب مرحله پنجم دوره نشان میدهد . نظر به تفسیر و برداشت گزل این تغییر نمایندگی از یک مرحله رکود یا وقفه فرهنگی می نمایند و تما می مباحثات تاحال همین طور صورت پذیرفته و بسیاری مسایل در رابطه با تفسیر و تشریح مفروضات همین سان بوده است . اول اینکه مقدار یا اندازه نمونه چیست؟ نو و د هفت فیصد یعنی چه و این معلومات داده نشده اند . آیا مقدار یا اندازه نمونه ها مراحل اول الی سوم دوره اول با در نظر داشت کاوش ساحه کاوش شده و کاوش نمونه ها با نمونه های بزرگتر دوره دوم قابل مقایسه اند .

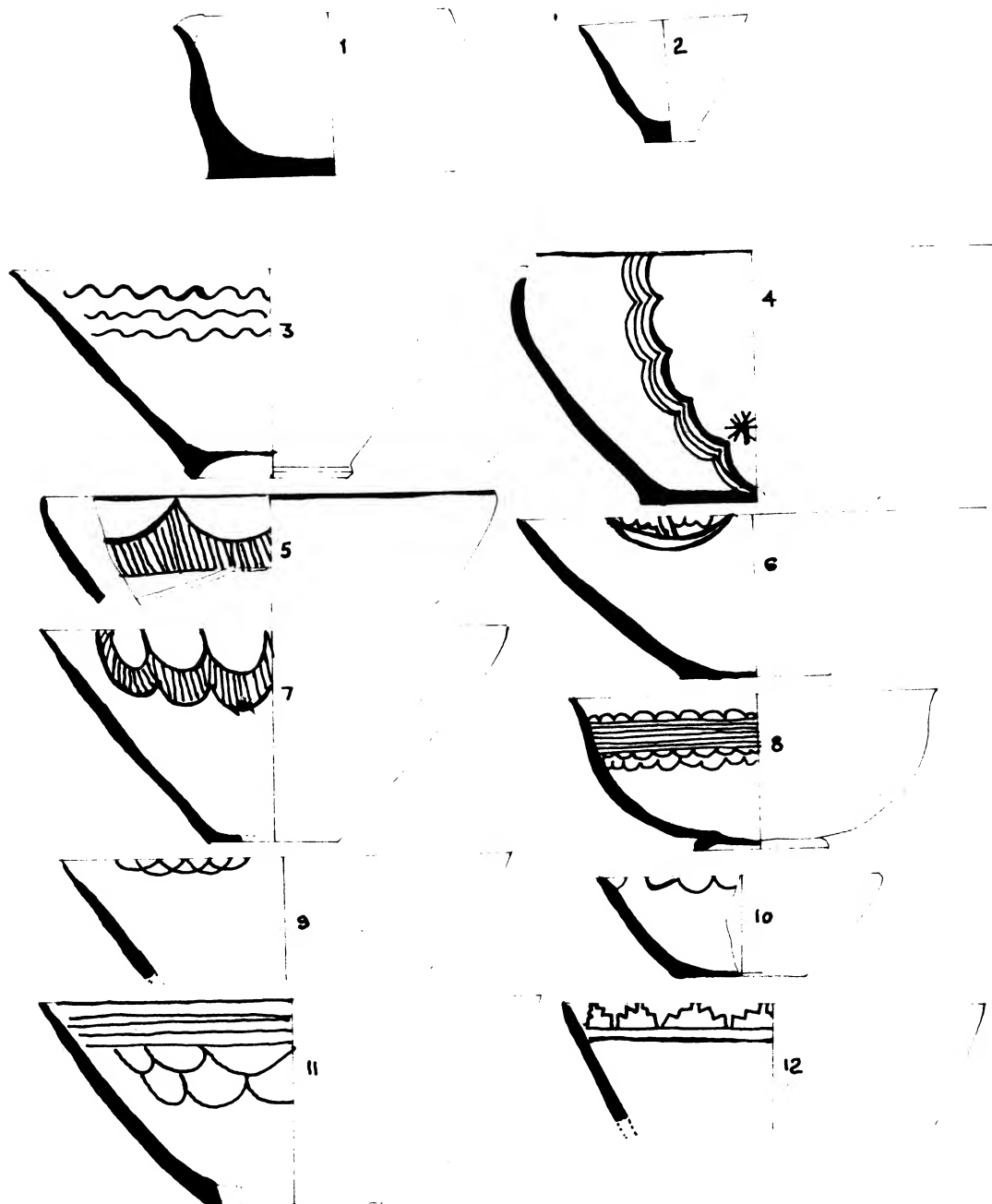
مفروضات مراحل چهارم و پنجم دوره اول قبلا این مساله را تثبیت نموده که ظروف دست ساخت نسبت به ظروف چرخ ساخت متنوع بوده اند . دوم اینکه گزل گزارش نداده که ظروف منقوش چرخ ساخت تقریبا جاگزین تمام ظروف تیکری غیر منقوش درشت خشن دست ساخت گردیده است . ازینرو آیا تغییر مکرر انواع تغییری را در تکنالوجی تیکر سازی و یا تغییر مکرر رادر تیکر های غیر منقوش و منقش بمیان آورده ؟ اگر مطلب اخیر چنین باشد پس این تنوع شاید به بکار برد فعالیت ساحوی ارتباط بگیرد . چنانکه به صورت جزئی در مورد مهندسی مندگیگ اظهار گردیده است . این تیکر های دست ساخت زیاد همگون به تیکر های میباشد که گزل آنها را در تشریح خود گنجانیده است و با تیکر های درشت سید قلعه (فیر سر فیز ۱۹۵۶، دو پری ۱۹۶۳) و مخلوط نمکی تیکر مانند گوته (فیر سر فیز ۱۹۵۶) که در تمامی دوره مند یگک چهارم ادامه داشته قابل بررسی است . این



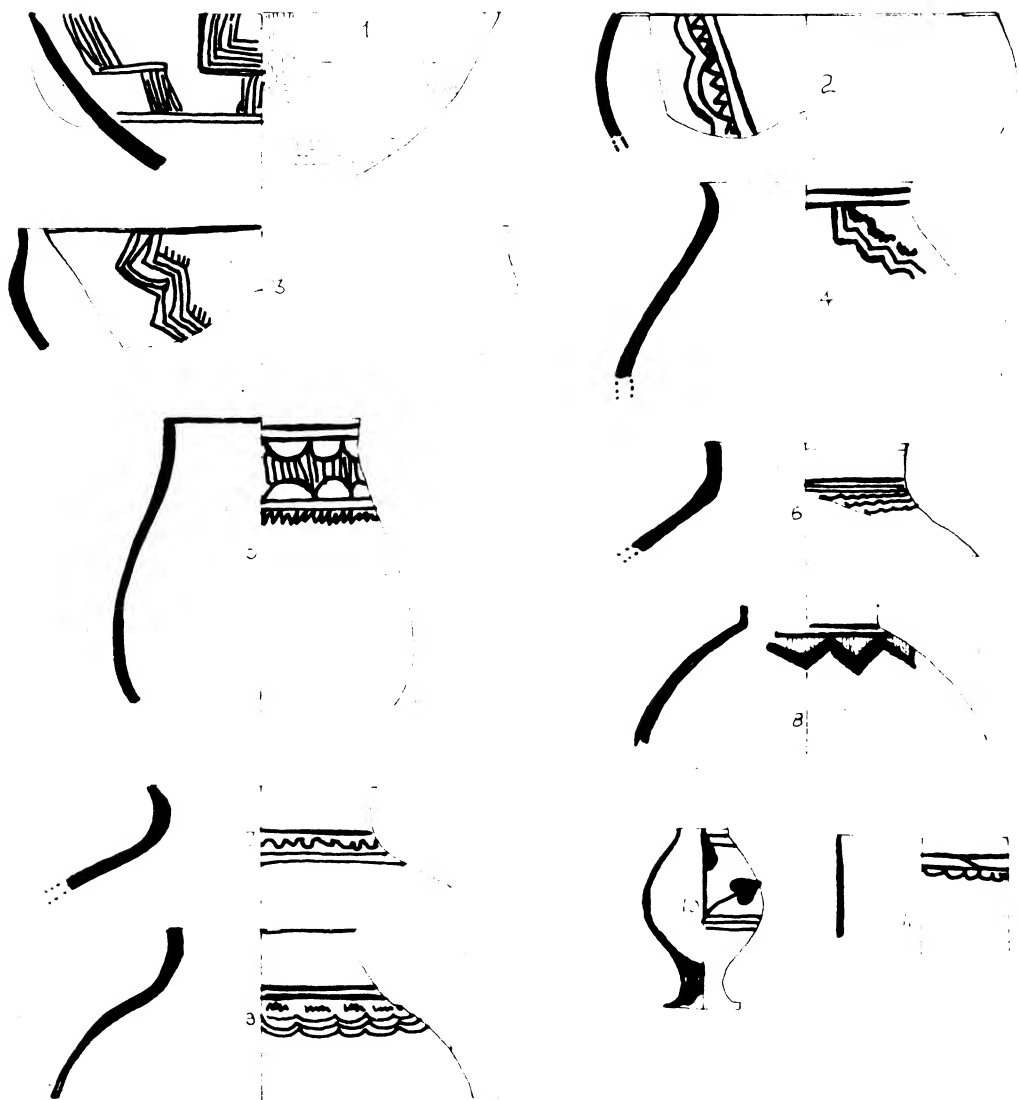
شکل ۳. ۱۵: تیگرهای دوره اول فدیگ. ۱-۲، تیگرهای دست ساخت،
 (۳-۹) تیگرهای چرخ ساخت منقوش، (۱۰-۱۱) پارچه‌های تیگر دوزنه،
 (۱۲-۱۷-۱۸) تیگرهای نوع کت دین، (۱۴-۱۳) نوع تیگرهای توگوا، (۱۵-۱۶)
 پارچه تیگرهای داخل شده.



شکل ۳. ۱۴ : تیرهای دوره دوم ساسانی . (۱-۴) تیرهای دست ساخت
(۵-۷) ظروف منقوش چوب ساخت ، (۸) پارچه نوع زناغذی



شکل ۳-۱۷ : تنگرای «دره سوم مندلیک» . (۱-۲) ظروف دست ساخت
(۳-۱۲) تنگرای نقوش پیرخ ساخت .



شکل ۳- ۱۸ : تیکرهای منقوش دوره سوم زندلیک

تیکر ها در سید قلعه (شیفر ۱۹۷۲) بیشتر به شکل ظروف دیده شده اند. (مشابه به آنها ییکه در مندیگ بوده است) اما تناسب مکرر کمی وزیادی آنها افقی مهم رادر بکار برد آنها نمایان نموده است. (شیفر ۱۹۷۲: ۲۵۱-۲) ازدیاد کمی مشابه در دوره دوم نیز مشاهده شده است و این بدان جهت است که کثرت افزایش تیکر های دست ساخت مرحله سوم دوره دوم به شصت فیصد میرسند. افزون بر آن ادا مه و تسلسل در معماری و دیگر انواع دست ساخت های انسانی به شمول سرعت افزایش در ساخت های فلزی و اشیای تجملی به مشکل وقفه یا «رکود» فرهنگی منعکس میسازد از یئرو تغییر سرعت در ساخت تیکر های دست ساخته در مقابل تیکر های چرخ ساخت شاید یکی از عوامل مهم فرهنگی را منعکس سازد. اما به هیچوجه تعریف درستی را در مورد تغییر فرهنگی دوره اول معین کرده نمی تواند و بدین لحاظ دوره مذکور نه یک دوره «رکود» و یا انتقالی فرهنگی بوده نمی تواند.

تمام تیکر های دوره دوم از خیمه نخودی، سرخ رنگ ساخته شده اند تیکر های دست ساخت دارای مخلوط از مواد درست بوده (گاه و یاریزه های سنگ) اند در بین تیکر های دست ساخت برجسته ترین نوع ظروف عبارت اند از کاسه های بلند گوشه دار ساده و کوزه های دهن بزرگ و پهن که کنار های آنها با فشار تزیین گردیده است.

(شکل سه، شانزده، شمار ه های یک و دو) ظروف مذکور اولین بار در مرحله اول دوره دوم ظاهر گردیدند و تا دوره چهارم مندیگ

ادامه پیدا نمود. کاسه که قسمت زیرین آن هموار بوده و دارای جدار عمودی بوده. (شکل سه، شانزده شماره سوم) در مرحله دوم دوره دوم و کاسه دیگری که جدار آن بصورت تیز بدخل خم گردیده شکل سه، شانزده شمار ه چهار) در مرحله سوم دوره دوم ظاهر گردیدند صنعت ساخت هر دو شکل این ظروف دست ساخت تا دوره چهارم ادامه پیدا نمود.

نمونه از یک ها و ن سنگی دست ساخت نیز درین دوره باز یافت شده است. بنابر بیان گزل تنها چند پارچه محدود تیکر هامنقوش و متباقی قسمت بیشتر آنها که از بین رفته است غیر منقوش بوده اند.

هر دو نمونه تیکر های منقوش و غیر منقوش چرخ ساخت بازیافت گردیده است و در مرحله سوم دوره گردیده است و در مرحله سوم دوره دوم سرعت افزایش تیکر های چرخ ساخت به چهل فیصد رسیدند نوع ظروف عام این دوره عبارت اند از کاسه های دارای جدار بلند و کوزه های گروی مانند دسته دار که چنین نمونه ها در دوره اول نیز کشف گردیده اند. حلقه زیرین بیشتر در کاسه ها و دریکپارچه طرف باز یافت شده به ملاحظه رسیده است. تزیینات بیشتر در کاسه های بکار برده شده که سطح آنها توسط رنگ سفید یا نخودی به صورت نازک پالش گردیده است. تزیینات به اشکال هندسی سیاه

محدود میگردند و برجسته ترین اشکال آنها شامل هلال های زیر لبه ها، (از مراحل چهارم و پنجم دوره اول باز یافت شده اند) خطوط افقی موجدار یکه خلا های آنها توسط

خطوط افقی دیگر پر گردیده (شکل سه، شانزده شماره شش). (از مراحل اول الی سوم دوره سوم به کثرت یافت شده اند) و خطوط موجدار یکه توسط خطوط افقی کم رنگ حاشیه بندی و ذریعه خطوط سایه دار دیگری فاصله یا خلا آن پرداز داده شده می باشند (شکل سه، شانزده شماره پنج). (همچنان در دوره های بعدی به کثرت باز یافت شده اند.) پارچه تیکر بی مانند دارای خط مستقیم همراه با خطوط عمودی مقابل در انجام های مخالف آن (شکل سه، شانزده شماره هفت) در مرحله سوم دوره دوم کشف گردیده است و این شکل ویژه در دوره های بعدی به صورت افزاینده عام گردید. پارچه تیکر که خمیر آن نخودی قسمت بیرونی آن «رویه خاکی» داشته (آتش زده؟) و قسمت داخلی آن سرخ روشن بوده از مرحله اول دوره دوم کشف گردیده است. پارچه مذکور با تزیینات نضواری رنگ که عبارت اند از خطوط افقی موازی که صفحه را توسط خطوط موجدار یکه هر قسمت آن ذریعه علامات و نشانه های سایه دار حاشیه بندی شده مزین گردیده است (شکل سه و شانزده شماره هشت) این پارچه تیکر مانند یازده پارچه تیکری که از دوره اول کشف گردیده اند بی نظیر بوده و به طور قابل توجه از پارچه های دیگر فرق دارد. بنابر تذکر گزل این پارچه شباهت زیاد به تیکر دوره دوم رنا غندی (روس ۱۹۴۹، فیرسرفیز ۱۹۵۹) دارد که در شمال بلوچستان موقعیت دارد. گذشته ازین پارچه مذکور حتی شباهت زیاد (مغول ۱۹۷۰: ۳۰۲) به تزیینات «حلقه ای و دسته ای» دی کار دی، توگوا دارد که از دوره دوم سیاه باز یافت شده اند. ظروف توگوا که ازین دوره سیاه کشف گردیده اند، باتیکر های

کوت دیجین و امری مرتبط بوده و با پارچه های تیکر های بی نظیر که از مراحل چهارم و پنجم دوره اول مندیگک باز یافت شده اند مشابه میباشند (مراجعه شود به بحثی در مورد ارتباط نسبی آنها) برای اینکه مساله تباین آنها تجزیه و تحلیل شود باید نمونه های همعصر غیر معمول داخل شده را در سطح لایه های مندیگک مورد ارزیابی قرار دهیم مغول (۱۹۷۰: ۳۰۲) چنین اظهار میدارد «... نمونه مجرد سطح مرحله اول دوره دوم مند یگک را میتوان با گرد آوری شده های سطح دوره اول آن یکجا قرارداد» گزل منشأ و مبدا صحیح و درست این پارچه تیکر را ارائه داشته و چنین بر می آید که بطور یقین باتمام ساختمان مرحله اول دوره دوم مرتبط بوده است. پرسش روشن و صریح در مورد این پارچه تیکر و تمام تیکر های گرد آوری شده بالای این مطالب متمرکز اند که: «چگونه دوره اول و دوم مندیگک از هم تباین فرهنگی دارند؟ آیا اینها از هم مجزا بوده و دوره های متفاوت فرهنگی هستند و یا اینکه پیوستگی فرهنگی دارند و ذریعه قشر ته نشین شده از همدیگر مجزا شده اند.

این استدلال قبلا مورد بحث قرار گرفت که مراحل اول الی سوم دوره اول مندیگک تنها از چند نمونه بسیار محدود آن تشخیص گردیده و مراحل چهارم و پنجم دوره اول چندان تفاوت از مراحل متذکره دوره مذکور ندارند. اما اگر موضوع تیکر های دست ساخت در مقابل تیکر های چرخ ساخت دریگ دور نمای دقیق و درست جاگزین گردد، من پیشنهاد میکنم که دوره اول مندیگک (مخصوصا مراحل چهارم و پنجم آن) و دوره دوم آن نمایندگی از یک دوره اصلی و اساسی

انکشاف فرهنگی که ثابت کننده یک تغییر تسلسلی است می نماید. تسلسل فرهنگی مشابه در مورد تیکر های دوره دوم و سوم مند یگک نیز معین شده میتواند.

با وجود آنکه دوره سوم نمایندگی از یک انکشاف متداوم دوره های قبلی می نماید با آنها بعضی انواع جدید تیکر ها در دوره مذکور به مشاهده رسید (شکل سه، هجده سه و بیست و یک) تیکر های چرخ ساخت تدریجا بر جسته گردیدند و فیصدی آنها از چهل و پنج فیصد از مرحله اول دوره سوم به هشتاد و پنج فیصد در مرحله ششم دور مذکور رسیدند این مطلب دلچسپ قابل تذکر است که تیکر های دست ساخت هیچگاه در دوره های مند یگک از بین نرفتن و همین فیصدی نسبی پانزده فیصد مرحله ششم دور سه را به صورت ثابت نگهداشته بودند. مساله مهم دیگر عبارت از کشف انواع تیکر های گوئته درین دوره میباشد (دوره سوم) و این رابطه مندیگک را با جنوب ترکمنستان، شرق ایران و شمال بلوچستان نشان می دهد.

کشف تیکر های متنوع درین دوره همراه با نقیصه تشریح انواع گزل نموده شرح خلاصه این دوره را نهایت مشکل میسازد. تشریح سهل و ساده آنها و مقایسه آنها با دسته بندی های دیگر به این مفروضات وابستگی دارد: تیکر های دست ساخت، چرخ ساخت، غیر منقوش، منقوش و بالاخره تیکر های غیر معمول داخل شده و یا استعمال بخصوص آنها.

تیکر های دست ساخت دوره سوم (شکل سه و هفده شماره یک و دو) خمیره و شکل ظروف مانند دوره های پیشین بدون تغییر

باقی ماندند و اشکال عمده ظروف عبارت اند از: کوزه های کروی دهن بزرگ دارای کنارهای زاست و کاسه های که لب آنها کوشه راست دارند. طرز ساختن کاسه های هموار کاهش یافت. قشر بیرونی

ظروف اکثرا بالکه های ضخیم کاربن پوشانیده شده و دلالت بر استعمال آنها دریک فضای آزاد که آتش در آن افروخته شده می نماید.

ظرونی که از خمیره مخلوط سنگی ساخت شده اند اکثرا خمیره نازک نخودی در روی آنها بکار برده شده است.

تیکر های چرخ ساخت غیر منقوش دوره سوم: تیکر های غیر منقوش از خمیره نخودی سرخ رنگ همراه با مخلوط ریگ ساخته

شده اند (فیر سر فیز ۱۹۵۶: ۲۴۲، ۲۴۴ و دوبری ۱۹۶۳: ۷۶، ۷۳ ملاحظه شود) دونوع متفاوت ازین تیکر ها که رنگ رویه یکی از آنها با خمیره آن یکجا گردیده و در رویه دیگر آن ورقه نازک نخودی رنگ بکار برده شده است، باز یافت گردیده اند کوزه های کروی دارای لب ساده بر گردان شده از اوایل مراحل پیشین و کوزه های دسته دار از آغاز مراحل پنجم و ششم دوره سوم باز یافت گردیدند. کاسه های که جدار آن راست مثلثی است به صورت بر جسته بین مراحل اول و چهارم دوره سوم به نظر رسیدند اما اختلاف شکل آنها با کاسه های که مقطع (اس) مانند دارند در مراحل پنجم و ششم دوره سوم به مشاهده رسید است. پیاله یا جام کوچک که جناح های آنها نسبتا راست و مستقیم است نیز درین دوره ساخته شده اند.

ادامه دارد

د جغتو داسیمې څخه د اسلام ځینی آثار

امکان لری ، چی دیفتلیانو له نوم سره نږدی اړیکی ولری . طبعاً دپورتنی ځایو نومونه دزیات شمیر دانشمندانو ، او متخصصینو له خوا تایید او تصدیق شویدی (۳).

اجازه را کړی چی دلته په دی اکتفا وکړو چی جغتو دجاغوری سیمې ته نږدی پروت دی اودواپه سیمې جغتو او جاغوری دتساو - چو چا په قلمرو او ناحیه کی موقعیت لری چی اصلاً دتساو - چو چا دسانسکریت نوم جاگودادی چی په پخوا نی زما نه کی دهیوان تسانک له خوا دتساو چوچا او په سانسکریت کی جاگو دابلل شوی په همدی شان داسیمه دکروندی دتولیداتو له پلوه ډیر اهمیت درلود چی دهغه څخه ډیر با ارزښته زعفران وه چی حتی په دی هکله دیپلوت له خوا هم اشاره شویده (دپیلوت لیکنه ۱۹۲۹ کال ۱۸۶ مخ) امکان لری دچینایی او سانسکریت لیکنی چی حقیقت و نه لری امکان لری چی دواپه نو مو نه دایرانی سیمه ایزه نو مو نه وی چی دا نظر دنورو لرغون پوها نو او تاریخ لیکونکو له خوا نه دی تایید شوی (د پیچ لیکنه ۱۹۶۴ کال ۲۹۰ مخ) لومړی لمبر نو ت. امکان لری چی دجاگو داکلمه دعر بی منا بعو دزابلستان له کلمی څخه اخیستل شوی وی . په دی ډول دغز نی

کی نږدی دریای افتالا (۲) ته پروت دی.

موږ له بده مرغه پدی کال کی دزیات تی یخنی له کبله له یوی خوا او په غزنی کی دلرغون کیندنو ، د مصروفیت له پلوه له بلی خوا مو ونه شو کولا ی چی دی ځای کی کی مقدماتی یا امتحانی کیندنی وکړو یوازی مو داسیمه سروی او په بیره مولیدنو وکړه .

ددو کتیبو مو جودیت چی دیفتلیانو په تیپ دی نږدی په یوه کوچنی غونډی کی چی هلته داسلامی پنځمی دوری د هیڅ ډول کو دوړی آثار نشته موقعیت لری . د غزنی په ولایت کی دجغتو او دریای افتالا په نامه داسی لرغونی سیمې دی چی موږ دی سیمو په راتلو نکي کلو کی دکیندنو له پاره راو پارولو .

څرنگه چی پرو فیسور بومباچی دجغتو په هکله لیکي: په طبیعی ډول امکان لری چی دتساو چوچا نوم چی دی سیمې ته دهیوان - تسانک له خوا ورکړ شوی ده ، حقیقت و لری (دیپل ژ باړه دولسم فصل دوه سوه دری اتیایم او دوه سوه پنځمه اتیایم مخونه) دلته یوازی دتساو چوچا نوم چی دی سیمې ته دهیوان تسانک له خوا ورکړ شوی ده حقیقت و لری (دیپل ژ باړه دولسم فصل ۲۸۳-۲۸۵ مخونه) دلته یوازی دافتالا په سین نوم

په کال ۱۹۵۷ کی چی د دو بی د فصل پای وه پرو فیسور الف - بومباچی زه او زما مایندینه دیوه مقدماتی سفر په ترڅ کی چی دلرغونی آثارو دلته نی له پاره دجغتو بارگل (۱) سیمې ته موو کړ ، دلته موږ دځینو ډبرینو مجسمو په هکله چی دغزنی دشمال لوییدیځ سیمه ایزه جوړونی وی معلوما ت لاس ته راوړل ، حتی موږ پخوا له دی چی سیمې ته دتنگ عزم وکړ ددی ډول آثارو دلا س ته راوړلو په هکله پوره عقیده درلوده او مطمئن وو.

څرنگه چی موږ ددی آثارو ، د شته والی په هکله شک نه درلود خو بیا هم په ویره کی وو چی وی به که په ځکه نو موږ ی مجسمی دډبرو په مخ بی خونده اوزین ی تراشل شوی وی چی له بده مرغه تاریخ یی هم نه دی معلوم بنایی دا مجسمی دیوه عادی او معمولی - ډبرترا شونکی یادشپنو له خواتراشل شوی وی ځکه مجسمی ډیری زیږی دی په هر حال موږ په دی بریالی شوو چی پدی ځای کی دوه ډبرلیکه پیدا او ثبت کړو . نو موږ ی ډبرلیکونه په خیرن یو نانی رسم الخط چی بنایی یفتلیانو په سبک وی لیکل شوی دغه سیمه دکوچنیو غونډیو څخه جوړه شوی چی دباد آسیا دغره په لوییدیځه برخه

علاقه اود هغه په قلمرو کې دننه سیمې دتساو چوچا په علاقه پورې اړه در لوده ددی نظر یاتو دخیړلو څخه وروسته دی نتیجې ته رسیږو چې ددی سیمې په هکله پخوا نې نظر په چې د(ویو پښ دی سنت مارتین) له خوا ورکې شوی ده ، حقیقت لری نو موږ ی دانظر هم ، لری چې دتساو چوچا دعلاقی دمرکز او پایتخت څخه یو مرکز یی (هو-سی-نا) وه. د هیوان تسانگت دشوا هډو او نظر یاتو په قول چې دجغرافیا یی له نقطې نظره خیږل شوی ده هم د(ویو پښ دی سنت مارتین) نظریه تایید شوی نه ده او دژبنی او لهجو له پلوه قناعت بنسټونکی نه ده(بنوی نست لیکنه دلرغون پیژ ندنی مجله ۱۹۳۵ کال ۱۴۱-۱۴۳ مخونه او همدارنگه دالف بو مباسی لیکنه دایست اندو یست ۱۹۵۷ کال ۲۵۵-۲۵۶-مخونه).

جغتو (۴) دسلو کیلو مترو په واټن له غز نی څخه فاصله لری چه دجغتو لاره دموترو دتگ وپلا ره ده ددی سیمې زیاتې برخې و چې ، دښتی او لوړې برخې تشکیلوی حتی موږ ویلی شو چې پر ته دښک څخه دجغتو سیمه په غز نی پوری اړه در لوده او س هم جغتو دغز نی ولایت یوه ولسوالی ده. کله چې د غزنی څخه دجغتو په لور ولاړ شو تقریبا دختیځ او لویديځ په استقامت دگرانیت دډېرو لوړو څو که لیدل کېږی چې دسیمه - ایزو خلکو دی جگې لوړې جگې ته بارگول نوم ورکړی دی دبارگول د غره په شما لی لمنه کی هلته چې ډیری چیني شته چې دښتو په لور بهیږی چې ددی غره دچینو د یوځای کیدو څخه لوی سین جو - ږیږی چې داسین دافتالا په نامه یادېږی دافتالا سین په یوه نری

دره یاتنګی کی بهیږی او ږیږی ځمکې خړوبوی نو موږی سین وروسته دځمکو دخړوبیدو څخه دبندهسلطان په مصنوعي خلیج کی توپیری.

ددی سیمې او سیدو نکې بنسټ نه دی اودغه خلک په درې ژبه ږیږی لږ پوهیږی او خبری کوی. دموروثی عقایدو په قول چې په سیمه ایزو شجرو کی راغلی دی چې دجغتو په سیمه کی د هزاره قوم ژوند کوی ځکه ددی سیمې د هزاره قوم له خوا تقریبا دوه سوه کاله دمخه ونیول شوه یعنی هزاره قوم جغتو ته دوه سوه کاله پخوا راغلل او پدی ځای کی میشته شول په او سنی وخت کی د هزاره قوم دافغانستان په گوټ گوټ کی ژوند کوی چې دافغانستان دښتنو قوم هزاره او نور ملیتونه په کلاگانو چې لوړ دیوا لونه لری ژوند کوی

برجو نه لری چې دغه ډول دکلا جوړول بدلون نه دی کړی چې دافغانستان په هره سیمه کی دهستو گنی له پاره په همدی شان کلاوی جوړېږی په دی مفهوم چې دافغانستان سیمه ایزه خلک په عمو می توگه یو ډول کلاوی جوړوی ترڅو دغلو او لوماریو څخه مصون وی چې خالصتا په ځینو ځایو کی دپخسو څخه ډیری ښکلی کلاوی ودانوی لکه په جغتو کی دافتالا کلا ده چې ډیر نامتو او ښکلی کلا د ښه ماهر خټگر له خوا په ښه ذوق سره ودانه شوی ده چې ددی کلا په ځلو رو کونجو کی ډیر ښکلی څو شغلی برجو نه لری په همدی شان یوه بله ښکلی کلا چې دصافی کلا په نامه یادیده دصافی کلا او س پرېښودل شوی او هلته څو څو ژوندنه کوی. په او سنی وخت کی دجغتو سیمه دغز نی د ولایت جلاولسوالی ده دکندها راو

کابل دلوی لاری دهر ډول اړیکو څخه لری دی مکر او س هم ددی سیمې څخه دکوچیانو کاروان په مختلفو فصلو کی تیرېږی چې په حقیقت کی دکوچیانو لوی کار -

وانو نه له دی ځای څخه تیرېږی (چې دکاروانو مطالعه دلرغونی عکاسیو له پاره ډیره په زړه پوری اودارز - بنسټ وړده) چې داسیمه یی لری . دکاروانو او قافلو نوموړی لاره د غز نی څخه پیل کیږی اودبارگول د غره لوړو او هسکو لارو څخه تیرېږی اود جغتو سیمې دتیریدو څخه وروسته مسجد او بیخ آباد سیمې ته رسیږو دکاروان نوموړی لاره دکابل او کندهار دلو یی لاری سره په همدی ځای کی یو ځای کیږی . دجغتو سیمې ته د موتر لاره تللی ده پدی مفهوم چې جغتو ته موټر په ذریعه هم تللی شو چې دومره ښه واسا سی لاره نه ده اودغه دموترو لاره د بنده سلطان دپاسه تیرېږی .

په حقیقت کی دکابل او کندهار پخوا نی لپاره دجغتو سیمې څخه تیریده چې دکابل او کندهار دنوی لاری په جوړیدو سره دالیا ر ، مترو که شوه اود جغتو دولسوالی ښار دغز نی ختیځ لوری په لس کیلو متري کی یوه بله لپاره شته چې دالیار دشیروان کو تل ته ځی.

یوپخوا نی لرغونی بند چي تقریبا مترو که او له یاده و تللی (۵) دی په دی سیمه کی د نیمه دایروی دیوا لویاتی (۴-۵ شکل) و لیدل شوی چې او س نو موړی لرغونی پاتی برخې دیوه نوی بند ، د جوړولو په واسطه چې تقریبا شل کاله پخوا ودان له مینځه تللی دی. او کله چې دیند او به لږ شی ، د لرغونی ځایو کندها لی لیدل کیږی چې البته بند داو بو سطح دسنبلی

په میاشت کی کمپری. نو موږ ی نوى بند دډېرو او سمېنتو څخه په کانکرېټي ډول ډیر کلک او قوي ودان شوی دی. د بنده سرچینې اېرو ډیر ښه په اساسي ډول لوړ جوړ شوی ترڅو د سیل درا تلو په وخت داو بو دوداني مخه ونیسي او پندنه زیان و نه رسوي دغه بند دغز نو یانو دسلطنت په وخت کی جوړ شوی دی. دابند دا سى جوړ شوی ترڅو داو بو سطح په یوه اندازه و ساتي چي دخلکو او ځمکو له پاره په یوه اندازه او بهو ویشل شي. دابند ډیر کلک جوړ شوی چې وروسته دسلطان بند دنو رو پرغلگرو له خوا وران شو اوپا تي برخه یی دوخت په تیریدو سره ویجاړ شوی ځیني تاریخ لیکو نکي وایي چي نو موږ ی بند دغوریا نو له خواوران شو او وروسته دبابر چي دکلا په څلوروکنجو نو کی لوړ له خوا بیا جوړ شو.

کله چي دنوی بند او کښتنی غاښی څخه تیر شو نو هلته موږ د چغتو سیمي ته ننوزو. دغه لار په غرو او دښتو کی وه چي ډیره آسانه لار ده اودالاره له هغه غرو څخه تیر یږي کوم چي د هغه ډبري دودا نیوله پاره خورا ښي ډبري دي چي دبار گول غر هم ددی لاری په سرپروت دی دبار گول دغره شمال لويديځی لوري ته کرو ندي ځمکي پرتي دي.

ددی سیمي غرو په دی خواووهغه خوالوړی وتلی زین ی اوستو غي خو کی لیدل کیږي دبار گول دغره لوړه خو که چي دبادآسیا په نامه یادېږي دا هغه لوړه خو که ده چي له دی خو کی څخه دجغتو لوړه پراخه سیمه معلو میږي دباد آسیا دشمال ختیځ خو کی په لاندی یرڅه (دیار لسم شکل) یوه

بیضوي شکله ډبره باندي ديفتلیا نو دعصر یو ډبر لیک کیندل شوی لیدل کیږي (څوارلسم شکل). دغه لار وروسته دکاروان له بلی لیاری سره هغه له غز نی څخه راځي یوځای کیږي (شپږم او نهم شکلونه) وروسته د لنډي مودی تگ څخه د غره دلا ندني بر خي دکین اړخ په ډبره باندي یو ډبر لیک چي بر خي برخي لیکل شوی دی ولیدل شوچي دیوولسم شکل دډبر لیک تور ی د پخوا نی ډبر لیک په څیر دی او د دوولسم شکل توری په عربی تورو لیکل شويدي چي دلیدو نکي پام ځان ته راگرزوي.

له دی ځای څخه په ښکاره او روښانه توگه دافتالا شنه سیمه او باغو نه معلو میږي (شپاړسم اووه لسم شکلونه د افتالا سیمه د زیر رنگي و چي دښتي مقابل کی پرته ده. تر او سه هم دکاروا نو قالمی له دی لیاری اودباد آسیا له لاندی بر خي څخه تیر یږي وروسته داسي یو ځای ته رسیږو چي هلته کوچنی غونډی زیات دی (۱-۷ شکلونه) چي دغونډی یو شکلونه مدوردی په دی غونډی کی لوړی ډبري لیدل کیږي چي دډبري له غره څخه رالويديلي دي له دی تنگی دري او ناو څخه یو سین سرچینه اخلي چي داسین په دی نری او تنگه دره کی جریان لري وروسته داسین دښتي ته وځي ددی دښتي په یوه ځای کی هلته چي دسین داو بو څخه پخوا استفاده کیده یوه زړه او ورانه کلا لیدل کیږي. دلته دسین څخه ځوویا لی جلا شوی دی چي ځمکي ددی ویالی څخه خړو بیږي.

دباد آسیا په یوی خوا کی دیوی لوړی سیمي څخه یوه غونډی معلو میږي چي داغونډی د تبک

سار (اتلسم شکل) یاد تخت سلطان په نامه یادېږي چي تخت سلطان دغونډی په پای کی موقعیت لري.

دغره په لوړو او لمنو کی دخارویو فاضله اود خاورینو لوښو ما تي شوی ټوټی پیداشوی، ما دلته دفاعي ډبرین دیوالونه او خو نی پیدا کړي چي ددیوالو لوړوالی یو یاده فټ دځمکي دتل څخه اټکل شوی په دی سیمه کی ځیني نوري پخواني ماڼي لاس ته راغلي دي چي دهغو ما ڼیو ته داب داو مو خښتو یاد پخسو څخه ودان شويدي. دنو موږ وماڼیو دفاعي دیوالونه ډیر لوړ او کلک ودان شوی کله چي موږ په دی ځای کی آز ما پښتي کیندني وکړي،

داسي څرگنده شوه چي د دیوالود هری یوی پخسي په منځ کی نازکی اونریو ډبرو څخه کار اخیستل شوی د دیوالو پیروالی په عمومي توگه یو متر او شپيته سانتيو نه تر دوه مترو پوري دي (نو لسم او دوه ویشتم شکلونه). پدی سیمه کی کوچنی او وړی خاوریني غونډی ډیری لیدل کیږي گر چي ددی سیمي غرو نه ارت او خلاص ځایو نه نه لري حتی دغرو څو کی او شیو نده ځایو نه ارت او پلن نه دي چي اوس هم دغره شمال لويديځی برخي ډیر ښه مثال دي.

ددی سیمي دغره په لمنو کی کوچنی ډبري یا غونډی لیدل کیږي چي دا غونډی ډول ډول کودو پو اود لوښو له ټوټو څخه ډک دی چي ماپدی غونډی یو کی داسلا می دوری هیڅ ډول آثار پیدانه شوکړي. په یوه نری او ژور ځای کی یو شمیر طبیعی او یوشمیر مصنوعي غونډی گاني دغره دشمال ختیځ خو کی لاندی لیدل کیږي. دغره دخو کی په لاندني برخه کی ماکیندنی وکړي زه په دی بریالی شوم د یوی ودانی پاتي برخي لاس ته راوړم چي ددی ماڼي دخښتو ډول

مربع شکل در لودی او خبستی د
ډېرو دپاسه کار شوی دی تصاد فی
دغره دڅو کی په شمال ختیځ لوری
کی موږ لو مړی ډېر لیک سره
مخا مخ شو چی دهغه په هکله
پخوا یادو نه وشوه.

موږ په دی سیمه کی له یو
شمیر پخوانیو او قدیمی مغلو
او پیچلوودانیو سره چی پوزی
چوڼی دی مخا مخ شو . دباد آسیا
دودانیو سا ختمانو نه دفاعی شکل
لری. ددی لوږ ځای دفاعی جوړو نی
دعقاب دمرغه دځالی په څیر دی
په دی منظور دی چی ددی لوږ ځای
پوزی چوڼی په ټو له سیمه حتی تر
غزنی پوری تر خپل کنترول لاندی
لری. دنو موږی دفاعی ودانیو
جنوب لوری ته دغزنی پوزی کلا
معلومیر ی (اتم شکل) په رښتینی
سره په دی سیمه کی ددی غره
سا ختمان او شته والی سترا -
تیز یکی یادسوق الجیشی له پلوه
ډیر ارزښت لری خاصه دتېک سار
پوزی کلاوو جوړو نه دغزنی دښار
دساتلو او دفاع له پاره ډیر ارز-
ښت او خورا مهم رول لری چی
اوس مو به په دی هکله په لنډول
خپلو هلوځلو اوڅیرنو ته دوا موږ
کړو اوددی سیمی سترا تیز یکی
سوق الجیشی مو قعیت به وڅیړو.

دتېک سار غونډی سره دهغه
دشکل بندی دخصوصیت ، لوږی
برنډی دودانیو شکلونه دا ټول ،
په روښانه ډول دافتالا دسیمی په
پای کی مو قعیت لری اودا صله
تقریبا دیوه ساعت پیاده تک یا
پیاده روی دکوچنیو غونډیو څخه
اټکل شوی دی . دتېک سارغونډی
په یوه لوږ ځای کی پرته ده چی په
حقیقت کی دا جگه غونډی په نورو
ټولو سیمو او غونډیو باندی تسلط
لری یا په بل عبارت دتېک سار د

ډبرلیکونه :

ددی سیمی نمونه او ځانګړی
ډبرلیکونه چی په یو نا نی روان
رسم الخط لیکل شوی چی اوس د
یو ناڼو باختري ژبی په نامنه
یادیري . په همدی شان دا ژبه
دیفکتلیانو ژبی په نامنه هم یادیري
ددی ډبرلیک لیکي یو برابر نندی
او پر مختللی ډبرلیک و شمیرل
شو . چی ددی ډبرلیک کرښی د
ډبر ی په مخ کیندل شوی دا ډبر-
لیک دارزگان دسیمی ډبرلیک سره
چی دبیوار له خوا کشف شوی د
جوړونی تخنیک کرښی یی دمقایسی
وړ دی او څر دی شبا هت لری د
ارزگان ډبرلیک په یوه غره کی چی
دکندهار دولا یت په شمال لویدیځ
کی دیو سلوپنځو س میل په واټن
مو قعیت لری (۶) .

۱ - نو موږی ډبرلیک دیوی
همواری توری بیضوی ډوله پرښی
پر مخ غوچ کیندل شوی (څوارلسم-
شکل) البته دا ډبرلیک لږ کښته د
باد آسیا ډبرنډی شمال ختیځ ،
لوری ته مو قعیت لری . دنو موږی
ډبر ی انداز ه چی دهغه دپاسه ډبر
لیک تراشل شوی دوه اعشاریه لس
په دوه اعشاریه شل سانتی مترو
کی اټکل شوی ده چی ددی ډبر-
لیک کرښی په څلورو برخو
ویشلی شو.

دډبرلیک دکین لوری پورتنی
کرښه له مینځه تللی چی دلومړی
کرښی ځینی نشی نښانی چی د
ویلو وړ وی چندان روښانه نه
برښي مگرداود دی ډبر ی دلاندی
برخی په ښی خواکی دډبرلیک دری
کرښی چی دډبر ی په مخ کیندل
شوی معلومیري . نو موږی دری
کرښی په ترتیب سره په لاندی
ډول انداز ه شوی دی لومړی کرښه
اوه او یا سانتی متره ، دوهمه کرښه
یو اعشاریه پنځلس سانتی متره او
دریمه کرښه دری اتیاسانتی .

غونډی ودانی بی دشک څخه ددی
پخوانی لرغونی ښار هسته یازپی
دی. ددی ځای دپوزی دچوڼی لاره
یوازی دغونډی په کنجو کی جوړه
شو یده چی دچوڼی دشکل له پلوه
اوږده ودان شوی چی دا ډول
جوړونی لرغونی جوړونه دی چی
موږ یی ددی غونډی په پلان کی
لیدلی شو چی داغونډی مخصوص
او نامنظم شکل لری سربیره پردی

ددی غونډی په لویدیځه برخه کی
څوکه لرونکی برج موجود دی چی
دڅو کی مخ لویدیځ پلوه جوړ
شوی دی هغه لوری ته چی دنظامی
یا جنګی کلا دیوالونه و دان شوی
دی پوزی کلا برجونه ټول څلور
گوښه یی ودان شوی اود جنګی کلا
دیوالونه له شمال څخه پیل او د
جنوب په لوری ودان او پای ته
رسیدلی (دوهم شکل) ددیو لو
زیاتره برخه له مینځه تللی موږ
دامتحانی کیندنو په ترڅ کی دپوزی
چوڼی ددیو لوڅینی برخه پیدا
کړی البته دا کیندنوی نوی ترسره
شوی یوازی په یوه برخه کی ما د
خامو خبستو څو ټوټی پیدا کړی

یوازی ما د خامو خبستو څو کوچی
ټوټی دلویدیځ دیوال له بهر نی
ځای دځمکی د مخی کود وړی ډیرلږ
وو او هغه شمیر کودوږی چی لاس
ته راغلل دهغو ټوټو یو ډبل سره ډیر
ورتوالی درلود . همدارنگه
په دی پوزی کلا کی مایو شمیر بد
شکله زینه او بی ارزښته کودوږی
چی نصواری رنگ یی درلود پیدا
کړل ما په دی ځای کی یو ډول
خاورین نازک لوبښی چی سور رنگ او
تور او یا یوازی سور رنگ لری
دلته نی په ترڅ کی پیدا کړل ،
یوازی له دی ځای څخه ما هیڅ
ډول اسلامي خاورین لوبښی یا دهغه
ټوټی پیدانه شوی کړی .

نوموړې ډېر لیک دلیکنې د یوې کرېښې لورې وای تقریباً نهه - پنځوس سانتي متره اندازه شوی. دکرېښو مینځ کې فاصله منظمه نده چې دافا صله په ځینې ځایو کې حد اقل اته سانتي متره او حد اکثر اتلس سانتي متره فرق لري. نو ځکه دډېر لیک کرېښې دلو مې او دوهمې کرېښې مریز لوري ته پورته شوی دی حال دا چې دریمه کرېښه په ښه منظم شکل او ښکلی لیکل شویده. په مجموعي توګه دکرېښو دلوړ والی اختلاف حداکثر شپاړس سانتي متر او حد اقل شپږ اعشاریه پنځه سانتي متره دی. دډېر لیک هغه توري چې کله کله لاندې خواته او پده شوي. نو لس سانتي مترو ته رسېږي.

دډېر لیک کرېښې دهنسن د ترجمي له مخې داسې وایل شوي دي (۷).

ددی ځای ټولنوی ډېر لیکونه په عمر بې او فارسي ژبو لیکل شوي چې موږ دا ډېر لیکونه دبارګول د غره په ډېرو او پرېښو باندې پیدا شویدی. معمولاً نو موږ یې ډېر لیکونه دالله څخه هیله یاد خداي څخه دخیر غوښتنې او هیلي شويدي. یو له نو موږ یې ډېر لیکونه نو څخه په فارسي لیکلي شوي دي چې دا ډېر لیک په یوه لویه ډېره باندې نږدی دکاروان لوري ته یاد بارګول د غره په جنوب ختیځ کې لیکل شوی دی داډېر لیک مخکې له دی چې د غزني څخه دافتلا سیمې ته ننوزو دیوې ډېرې په مخ لیدل کېږي. دنو موږ یې ډېر لیک ډېره دیوه لوی ګاټې په شان ده البته مختلفې کرېښې لري چې ډیر اوږد لیک دی او په ډېر سا ده شکل دلو ستلو وې ده. همدا رنگه ددی ډېر لیک په شاوخوا کې دکوچنیو څارو یو څیر یې چې خورا ډیر بدشکله او زیری دی لیدل شویدی.

ډېرو په مخ کیندنې:

یو شمیر له نو موږ یې بدشکله او زیږو تراشل شوو څیرو څخه چې دهغو نه پخوا یادونه وشوه ما یوه ښکلې تراشل شوی څیره په یوه ډېر باندې تراشل شوی چې داډېره یوې چیني ته نږدې په یوه تنګه دره چې دبارګول او دافتلا دلاری په سر دصافی دکلا څخه مخکې، موقعیت لري پیدا کړه. داڅیره تقریباً یو اعشاریه او یا سانتي لورې والی او یو متر سور لري. ددی ډېرې په پورتني برخه کې کین لوري ته دیوه وزګرې څیره

دوهم نمبر ډېر لیک دغزني د قافلو او کاروان دلاری په کینځه خوا کې په یوه لویه ډېره باندې، تراشل شويدي (لسم شکل). دی ډېر لیک ته مخا مخ بلی خوا نه په مجزا توګه بلکې په ګډه نور ډېر لیکونه هم موجوده چې دهغو له ډلې څخه یواځې دډېرې دکین لوري په لاندني او باندني برخه کې دکرېښو ځینې ښې ښاندي لیدل کېږي. یوازې دلته دډېر لیک یوه برخه پاتې ده هغه ډېره چې دوهم نمبر ډېر لیک کیندل شوی زیاتره برخه یې له مینځه تللي ده په هر حال دنو موږ یې ډېر لیک ژي بشپړې پاتې شوی دی (یو لسم شکل).

دا ډېر لیک په مجموع کې پنځه کرېښې لري چې دکرېښو اوږدوالی په ترتیب سره (څلور، اوه، پنځه، یو څلوېښت، شپيته او درې - دیرش سانتي متره دی اونوموړې کرېښو فاصله یوډبل څخه له لس نه تردو لس سانتي مترو پورې اټکل شوی چې په عمومي توګه ددی ډېر لیک پنځه کرېښې شپيته تراوه شپيته سانتي مترو ساحه یې نیولې ده.

ددی ډېر لیک لیکنې دپخواني ډېر لیک په شان یو شان وه او موږ یې له ستونزو سره مخا مخ نه کړو ځکه ددی ډېر لیک تخنیک اولیکنې سبک دلو مریز ډېر لیک په څیر دمخه الوتلي وو مګر یوازې دډېرې دی حتی دنوموړې ډېر لیک لیکنې به مخ دتورو ځینې ښې ښاندي یې ډیرې منظمې لیکل شويدي.

همدا رنگه ددی ډېر لیک ټول توري ډیر ښه واضح لیکل شوي. نو موږ یې ډېر لیک دیوې نازکې تور رنگې نصواري ډېرې په مخ تراشل شوي چې دډېر لیک دتور رنگ، ژېړ یا د عاج د رنګ په ډول رنګ شوي چې البته دهغه کرېښې ښې کیندل شوي اوتوري یې دو یلو وې دی دا هم باید وویل شي چې دنو موږ یې ډېرې مخ ډیر ژېړ کنه کپړ دي او ژي یې هم ښې نه دي همواري شوي. ددی لرغونې سند کرېښې ډیرې ښې ولوستل شوي او دځان سره مو وساتلي یوازې وروستني کرېښه موږ ونه شو ولوستلی ځکه دوروستي کرېښې دډېرې یوه کوچنۍ برخه اېلوتي وه او له بلې خوا دآخری کرېښې دکین خواپورتوري ډیر مشکوکه خو وروسته دزیار اوزحمت څخه موږ بریالی شوو چې وروستی کرېښه هم ووايو. البته هغه توري چې دلوستلو وړ نه وه اود ډېرې دمخه الوتلي وو مګر یوازې دډېرې دی حتی دنوموړې ډېر لیک لیکنې به مخ دتورو ځینې ښې ښاندي یې ډیرې منظمې لیکل شويدي.

اولا ندنی بر خه کی دیوه ښکلی خو سکی څیره چی لږ لوی تراشل شوی دی لیدل کیږی.

دڅارویو نو موږ ی دوه څیری دسبک له پلوه دشکر دری لــه څارویو سره چی دپرو فیسور توجی له خوا پیدا شویدی ډیر توپیرلری. نوری څیری چی دډبرو په منځ تراشل شوی دباد آسیا په لاندنی برخه نږ دی دلرغو ن کیندنی په سیمه کی پیدا شوی چی دا څیری دانسان څلورو کو چنی څیرو څخه عبارت دی چی له دی جملی څخه دوه څیرو لمنی اغوستی دی او هغه څیری څخه داسی معلو میږی چی په اوږه باندی لرگی ایښی او هغه لیږدوی. لاندی کین خوا ته دانسان یوه څیره شته چی په ښی لاس کی یی نیزه نیولی ده او خپل کین مټ یی خپل سر ته پور ته کړی بله څیره ډیره کوچنی ده چی ډیره په خراب حالت کی ده ځکه ډبره د تراشل کیدو په اثر دی څیری ته زیان رسیدلی اوداسی معلو میږی چی دی څیری په خپل سر باندی وسله نیولی. آخری څیره په عکس کی ډیر په زحمت معلو میږی دا څیره دهغی څیری دپاسه په یوه ډبره کی تراشل شوی کوم چی هغه څیره خپله نیزه دسر دپاسه نیولی ده. دیوی ډبری په لاندنی برخه کی چی ډیر په سختی سره لیدل کیږی دیوه حیوان څیره معلو میږی امکان لری چی دسپی څیره وی. نوموږی څیره ډیره اوږه ده لکی لری چی دا ډبر کیندو نکو او تراشو. نکو خاص سبک دی په مجموع کی دنو موږی څیرو دجوړو نی څخه داسی معلو میږی چی نوی تراشل شوی وی، پدی دلیل چی ددی څیرو په تراشل شوی ځایو کی عاج ډو له رنگ نه لیدل کیږی دڅیرو اصلی جوړونکی کله چی څیری تراشی سمدستی په تراشل شوی ځایو

باندی ژیر رنگ چی دعاج دهیوکی رنگ لری مو ښی. نوځکه زه په غوڅه او ډاگه ویلی شم چی دا څیری ځینی چو پانانو ایستلی دی اوځینی دژرندی دکسب گرو له خوا کیندل شوی ځکه دژرندی کسبگرو دژرندی دپل دوږ لــه پاره دی ځای ته راتلل اود هغوی په خپلو او زارو باندی دا څیری تراشلی دی.

آزما ښتی کیندنی:

پدی سیمه کی آزما ښتی کیندنی دسپتمبر دمیاشتی له شپاړسم څخه تر نهو یستم ۱۹۵۸ کال د باد آسیا دغره په لمنه کی په یوه غونډی چی له ډبرو څخه ډکوه پیل شوی. زما سره پدی آزما ښتی کیندنو کی ډاکتر شاهی بای - مستمند چی په هغه وخت کی دافغانستان دلرغو نپیژندنی لوی آمو زما سره بی ملگر تیاوکره (۱۰) ددی ډبرینی غونډی زیات برخی پخوا دبا ارز ښته قیمتی ډبرو غلو له خوا لوټ او کیندل شوی وه ما پدی لویه غونډه کی دوه کوچنی غونډی دکیندو نو له پاره وټاکلی. په لومړی نقشه کی مانو موږی دوه ټاکلی ځایو نه دوهم او دریم لمبر په ښه کړل. لومړی لمبر غونډی په دی نږدی وختو کی دسیمه ایزه او سیدو نکو له خوا غیرقانونی کیندل شوی وه. او په دی غونډی نا معلومه کیندو نکي دننه تو نل ایستلی دی موږ هم له دی موقع څخه استفاده وکولــه دتونل په سوری کی موږ دما ښی ځینی ډیر قوی او مستحکم برخی ولیدلی ددی مانی څخه اوږدی مربع ډوله خامی خښتی لاس ته راغلی دی. ځینی خښتی دوه ډیر شسانتی اوځینی نوری شپږ ډیر شسانتی متره اوږه دوالی لری اود خښتو - سوروالی له دولس نه تردیارس

سانتی متروپوری انداز ه شویدی. ددی غونډی کو دوږی ډیر کلک وه اود کو دوږو رنگ روښانه نصواری رنگ دی او ځینی خاورین لو ښی په تعمیراتی مصالحه رنگ شوی دی. ددی ځای ځینی ودانی په لویو کلکو او محکومتو او پایو باندی ودان شوی او نوموږی پای دپخسی څخه چی ډیر مقاومت لری جوړ شوی دی. همدا رنگه ما پدی ځای کی گنبدی ځینی ښی ښانی پیدا کړی، چی او س دافغانستان په ځینو سیمو کی دودانی چت دگنبدی په څیر جوړوی دودانیو دپخوا نی اولرغونی تخنیک په ایران کی او س هم داسی ودانی چی گنبدی لری جوړیږی مگر دایران دغه ډول جوړونی چی په لرغونی زما نو کی جوړی شویدی دباد آسیا دگنبد لرونکی وودانیو سره ډیر توپیر لری.

دوهمه لرغونی غونډی یوه اوږه ده غونډی ده چی له نیکه مرغه نو موږی غونډی دسیمه ایزه او سیدو نکو له خوانه وه کیندل شوی دخپلی غونډی په یوه برخه کی ځینی لوږوالی چی له دیوا لو سره ارتباط لری لیدل شوی چی ددی غونډی ددیوا لو ډیر لږ ښی ښانی پاتی دی. دغونډی په ختیځ لوری کی دکاروان لو په لاره اود لو یی لاری ختیځ خوا ته لویه دښته او لویدیځ خوا ته یی سین پروت دی.

ددی لرغونی ځای ودانی په خامو مربع شکلو خښتو ودان شو ی هغه لوږوالی چی داصلی غونډی په یوه برخه کی موجود دی کله چی نو - موږی لوږوالی وکیندل شوی لدی ځای څخه یواز ی مربع شکله خامی خښتی لاس ته راغلی کله چی داخښتی دخپل ځای څخه بی ځایه شوی جوته شوه چی داخونی نږیدلی وی اودغونډی شکل یی

غوره کړی و داغونې ی ډیره کلکه وه اود کیندنو په وخت کې مو ږله ستو نړو سره مخامخ کړو. پدی ځای کې ودانۍ یو له بل څخه جلا جوړه شوی چې دودانیو کار ډیر ښه ترسره شوی او زیات زیار ایستل شویډی لنډه دا چې مو ږدډی پرمختیایي لرغون کیندنې کار، د سخت باد د لگیدو له امله وځنډاوه. دا ثابت وه چې ځینې ودانۍ پدی غونډۍ کې دوخت په تیریدو سره پټې پاتې شوی وی چې داودا نسی د لویو دیوالو په واسطه احاطه شوی اود هغو لاری معلومی وی. دځا مو خښتو د دیوال بهرنۍ خوا ی چې په قوی ستونو دپاسه جوړ شوی البته د دیوال په بیرونی اړخ کې د ډبرو څخه کار نه دی اخیستل شوی یوازې د دیوال په بهرنۍ خوا د سین د کوچنیو گاڼو څخه استفا ده شوی ده. په دی ودانیو کې دځا مو خښتو دیوال تل د ډبرو ستونو په پر تله اوږد او سور ورنه دی. او په یوه حالت کې د دیوال په ختیځ کې دځا مو خښتو دیوال سوروالی په ښکاره ډول معلومېږی پدی برخه کې دیوال هم ډیر کوز بریښی. د دیوال د کوز وای څخه داسې څرگندی چې دا دیوال نوی ودان شوی وی (۱۱) داحاطی د دیوال پخسه د ډبرو، د تهداب دپاسه ودان شوی دی. د ودانۍ دجنو بی دیوال مخ چې، د محوطی دیوال څخه لری نه دی یوازې د کوچنی گردو ډبرو څخه جوړ شوی چې دا جوړونه، د ساختمانۍ اړخ له پلوه د محوطی لوی دیوال سره هېڅ ډول اړیکې نه لری.

موږ کولای شو دغو نډۍ په د ننه کې دهغه ځای څخه چې دیوالونه پیل شویډی دغونډۍ له پاره مرکز وټاکو چې یو له دی مرکز څخه دمحوطی د ختیځ دیوال سره اړیکې

لری. ددی غونډۍ په مرکز کې یوه کوچنی خو نه ودانه شوی وه. ددی دیوال دپلستر یوه برخه، ساتل شوی چې د دیوال نو موږ ی پلستر د شگو او چونی څخه سمبال شوی او پنځله شپږ سه نټی مترو پوری پیرې والی لری. ددی سیمی دستوک ځینې ټوټې لاس ته راغلی چې شین ژیر او زرین رنگ لری. دغونډۍ شمال ختیځ دیوال مخی ته یو شمیر هموارۍ خاصۍ خښتې لویدلې دی. په نتیجه کې ویلی شم پدی غونډۍ کې ډیری خونۍ چې په ډول ډول اندازو ودان شویډی لیدل کیږی.

زموږ د کیندنو کار په دریمه غونډه کې پیل شوی و دی ځای په شمالی اړخ کې دتورو ډبرو پایه مو جوده وه چې تقریباً یو نیم مترلوړ والی لری. ددی غونډۍ دمحوطی دیوال شاوخوا ته کمان لرونکی ساختمان شته چې له بده مرغه دوخت نه لرلو له کبله موږ د نیم گنبد لرونکی ودانۍ په کیندنو باندې بریالی نه شو. همدا رنگه موږ په دریمه غونډۍ کې یو شمیر په زړه پورې اصلی گنبد لرونکی ودانۍ کشف کړی چې د گنبد یا کمان خښتۍ یې په موازی شکل د کمان تر مرکز پوری کار شوی، پدی گنبد لرونکی ودانیو کې یو شمیر چاود یادرز پیدا شوی دی چې دا درز وروسته د اوسیدو - نکو له خوا تر میم شویډی.

هغه آثار چې د دریمې غونډۍ په دوو کیندنو کې ترسره شو ډیر لږ او کمیابه دی یوازې له دی ځای څخه په ځانگړۍ ډول ټوټه ټوټه کودو ی پیدا شول چې موږ داسلامی د عصر کودو ی پیدانه کړل. د کیندنو په وروستنی پړاو کې له دغی غونډۍ څخه زیات شمیر مات شوی او سالم خاورین لوبښی لاسته ته راغلل چې زیاتره یې سور رنگ

لری او ډیر کلک دی. اجازه راکړی چې دښوی او لشمو گلدانیو له ډلې څخه چې ډیر ښکلی دی ځینې یې سور او ځینې یې نصوصاری رنگ لری او یو شمیر نور خاورین لوبښی له دی ځایه څخه لاس ته راغلی چې ډیر بیخونده او زیړه جوړ شوی چې دالوبښی سور نارنجی بخرننگ کړی شوی او ځینې له دی زرین و لوبښو څخه په سره او تور رنگ کړی شوی دی له دی غونډۍ څخه زیات او ډول ډول خاورین آثار لاس ته راغلی چې له هغی جملی څخه نصوصاری او فولادی توربخن لوبښی دیا، دویو اوبښه مثالونه دی.

موږ له دی ځای څخه هېڅ ډول سالم او درست آثارو په مو ندلو بریالی نه شوو مگر یوازې موږ، وکړای شو ځینې مرتبان کوزې چې ډیر لوی خو لی لری او یو ډول لوی صراحی چې لاندنی برخه یې ډیره لویه ده او روښان سور رنگ لری پیدا کړل. پدی خاورینو آثارو کې کیندل شوی کرښی او کوچنی مدوره دایرۍ لیدل شویډی. ددی آثارو ساختمان ډیر نازک او ښکلی دی چې دانوی او وروستی جوړونه ده اودکلا لی دجوړونې پر مختک ښیی.

دتر یینې او ټاپه لرونکیو خاورینو آثارو په هکله باید ځینې یاد دښتونه او لیکنې د لرغون پوهانو له خوا ترسره شوی دلته هم یو شمیر خاورین ټاپه لرونکی ټوټې شته چې هغه په صحیح او مستند ډول نه شی کولی حقیقت څرگند کړی. یو ډول له دی خاورینو لوبښو څخه ډیر روښانه گلابی رنگ لری چې ډیر ښکلی آثار دی. پدی آثارو باندې دټاپه ښی او بیضوی شکله پانې لیدل کیږی اودنوموړی مات شوی آثارو ژي په بر جسته ډول جوړی شویډی. ددی آثارو دما تو

شو يو ټوټو ديوال ډير نري اوناړك
دي او دنو يوټوټو دانحنا څخه
داسي معلو ميږي چي داټو ټسي
هرو مرو ديوه لوي اثر ټوټي دي چي
احتمالا مدور اثر دي او ډير ښكلي
مو زون ښكلا لري.

دوهم ډول اثر په يوه پخسه
سور رنگي خښتي باندې دتزييناتو
سره ليدل شوي. دباد آسيا په
سيمه كي دلرغون لټو ني په ترڅ
كي موږ ديو شمير خاورينو لوبښو
ټوټي دځمكي له مخي چي ډپورتنې
لوبښو سره ورته والي لري پيدا
كړل په ځيني دغو آثارو كي دڅارو يو
ډيري ښكلي څيري دتكره انځورگر
له اخوا ايستل شوي دي ليدل
كيري. ددوو اثرو لاندني برخه
په يوه خاص ډول جوړ شوي امکان
لري هغه به ديوه لوي لوبښي ټوټي
وي چي دباد آسيا څخه لاس ته
راغلي دي.

دوهمي غونډي دڅاو رينو آثارو
په منځ كي دپخي شوي خاورې يوه
كوچني څيره پيدا شوه دهغه په
هكله بايد وويل شي چي دا څيره
خپ يا خير ن رنگ لري. له همدې
غونډي څخه دكار نيلين Cornelian
ډبري غاړه كي ډول ډول مري او د
پيتراډورا Pietradura

ځيني كوچني انځورگري سره
لاجورد ډبري مري چي په نوموړي
مري باندې ښكلي تزيينات ليدل
شوي پيداشول دا بايد هم وويل
شي چي لاجورد ډبري زياتي مري
چي هغه د خښتو له ټوټو سره يو
ځاي شويدي لاس ته راغلي دي. د
نوموړي قيمتي ډبرو ټوټي چي له
دي ځاي څخه لاس ته راغلي دي ډير
امكان لري چي نوموړي دمرې او
پاتي ټوټي ددي سيمي د هنر مند
كارخانه وه چي دلته يي جوړه
كړي وه داځكه چي ددي مري او د
ډبرو ټوټو له څنك څخه د مري
جوړولو يوه آله پيداشوه موږ ددي

آلي له مخي ويلي شو چي هر ورو
په دي ځاي كي كارخانه موجوده
وه يا امکان لري چي نوموړي آله
دكارخاني دزياتي موادو د
پاكولو په وخت كي دي ځاي ته
راوړل شوي وي. همدا رنگه له
دوهمي غونډي څخه دوه سكې
پيدا شوي چي داسكي دنپكي مالكد
سكو په شان دي ځكه پدي سكو كي
دنفك شاه نوم ليكل شويدي.

۱ - دمسو يوه سكه چي په هغه
كي دسپينوزرو ځيني نښي نښاني
ليدل كيږي داسكه دغونډي د ننه
د دوه اعشاريه پنځه ويشت مترو
په عمق دفرش له مخي چي فرش
دلومړي پخسي دلاندني برخي
څخه پيداشوه. نوموړي سكه ډيره
زنك و هلي او ټوټه ټوټه شويده چي
داستفادي وړ نده. دسكي د مخي
ليكني دزنك و هلو له كبله توپل
شوي دسكي په مخ يوه نه پيژندو
نكي څيره په دي دليل ليدل كيږي
چي دڅيري دكين اوږي دپاسه
څو توري دليږ دو لو په حال كي
معلو ميږي. پدي تورو كي يوازې د
(ب) لږ ضعيف اود الف توري لږ
څه روښانه دپاچا داور ميږ دپاسه
دتاج دفيتي په مينځ كي ليدل كيږي
(ن. كي. ملك) الف. دسكي د شاه

منځني څيري او سكي دزنك
وهلو له امله له مينځه تللي اوداسي
څرگنده شويده چي دسكي په شاه
باندې څه شي نه دي ليكل شوي.

۲ - پدي مسي سكه كي دسپينو
زرو نښي نښاني نه ليدل كيږي.
داسكه ديوي خوښي دلويدلي، او
نريدي ديوال لاندې چي دمحوطې
ديوال سره ارتباط لري پيدا شوه.
چي له نيكه مرغه داسكه دپخواني
سكي په پر تله ښه ساتل شوي او
زيان يي نه دي ليدلي. دسكي په
مخ دكتيبي ځيني نښي نښاني شته
چي دكتيبي توري دوخت په تيريدو
اودنم له كبله له منځه تللي دي.

يوازې په ډير څپر او زيار سره مو
وكړاي شول چي د(نپ) كي(م لك)
الف(۹) كلمه وايي. دسكي خټ ډير
زيان ليدلي دي نو ځكه هيڅ نه ليدل
كيږي يوازي دسكي لاندې ښي لور
كي په ښكاره ډول ديفتليانو دعصر
سمبول معلو ميږي.

پدي سيمه كي زموږ دلرغون
كيندني كارونه تراوسه په بريالي
توگه پر مختللي او ښه پرمختيايي
كړيده دكيندل شوي ځايو څخه د
لرغونو آثارو په هكله نظر ياتامكان
لري دځينو حقايقو له مخي بدلون
ومومي.

په هر حال اجازه راكړي چي ددي
سيمي دلرغوني آثارو دكار نتيجه
په لنډه او خالص ډول وڅيړل شي.
ددي لرغوني غونډي اصلي موقعيت
پداسي ځاي كي دي چي هلته اوس
كلي او كورونه ډير شته څرنگه
چي په هغو وخت په دي سيمه كي
دباد آسيا دفاعي پوځي كلا چي
دتبك سار سره يي نږدي اړيكي
درلودي ودان شوي وه اودكاروان
لاره هم له دي نو ميا لي ځاي څخه
تير يده. كه چيري دلرغون پيژندنې
دنقشي له نقطې نظره دكاروانو
موږي لاره چي په اوسني وخت
كي له دي ځاي څخه تيريږي مطالعه
كړو دي نتيجه ته رسيږي وچي په

اصل كي دايوه پخواني لرغوني
لاره وه ځكه دكاروانو او تجارتي
لاري زياتره د هغوسيمو څخه
تيريده چي هلته امنيت ټينگ و او
كاروانو ته زيان نه رسيده. په دي
دليل ددي سيمي دنوموړي كاروان
لاري په سر دكتيبو اسناد اوشواهد
ليدل شويدي چي ددي لويي لياري
په يوه اړخ كي ډېر برو په مخ كيندل
شوي له بده مرغه دنوموړي كتيبو
له ډلي څخه يوازې لومړي لمبر
ډير ليك سالم پاتي دي او دوهم
نمبر كتيب له مينځه تللي او لږ
برخه يي پاتي شويده. هاگوما ن

کاوه چی دغه دکاروا ن لاره وروسته دغزنی او کابل پخوا نی لاری سره یوځای کيږي اود جنوب په لور ادا مه پيدا کوي چی دپخوانی سړک یوه برخه او س دکابل او کندهار ډنبرشوی سړک په ځینو ځایو کی یوځای کيږي چی طبعاً موږ کولای شو ددی لیاری دیوی برخه څخه چی هغه لار دشیر دها ن دسیمې څخه تیر یده سترگی پټې کړوالېته دکاروان له پاره دشیر دها ن په لوری په نو لسمه پيړۍ کی جوړه شوی ده چی دتک او راتک وړ وه.

دلوی اسکندر پوځ دیوه یرغل په ترڅ کی چی ۳۲۹-۳۲۸ پخوا دمیلا د څخه دژمی په فصل کی د بسوس پر ضد یی ترسره کړدهغه پوځ هرو مرو دغزنی دکاروا ن له نو موړی لیاری څخه دجغتو په لور تیر شوی . داچو لی اسکندر له نو موړی لیاری څخه تیر شویدی موږ ته یی دلیل نه دی څرگند شوی . که چیری دجغتو سیمه دپا راپا - میزاد په گهرون وی په احتمالی توگه دا خبر او کیسه دیو دروس او کوریتو سر فوس له خوا حکایت شویدی ځکه دپیرو ستو غو طبیعی مناظرو په لرلو ، دخراب او سوږ اقلیم له کبله دمقدونی اسکندر پوځی عملیات له پیرو ستو نڅو او مشکلا تو سره مخامخ کیده . نو ځکه اسکندر دپوځ دتک له پاره هغه لاره غوره کړه کوم چی هغه لار دلویديځ لور ته له دښتو او غرو څخه تیر یده . په حقیقت کی جغتو ډیر سخت ، څو روو نکي یاله توا نه سخت اقلیم اوژمی لری ځکه دمیزان په میاشت کی جغتو سیمه دواوری څخه ډکه وی . پدی مفهوم چی دجغتو په سیمه کی ژمی دمیزان له میاشتی څخه پیل کيږي . اجازه راکړی چی دغزنی په ولايت کی د هغی واورې اوریدنی څخه یادو نه و کړم کوم چی داکتوبر دمیاشتی نیما یی

(میزان) چی د ۱۹۵۷ او ۱۹۵۸ کال وه او حتی دسپتمبر (سنبله) په شلمه ۱۹۶۰ کال کی ډیره سخته واوره وشوه.

بایدو ویل شی چی دجغتو دښار، دتیک سار دپوځی کلا اود بادآسیا دتاڼو دپیژندنه په هکله موږ هیڅ نه شوو یلی یوازی موږ دلته دهیوان تسانگ (۱۳) دهو سالا دښار په هکله خاطر په یادو ی هغه ودانی چی دجغتو دسیمې دغو نډیو دپاسه په باد آسیا کی اودخامو خښتو دیوالونه په ډیره ښه توگه ډیر کلک دلوپو ډبرو د پاسه جوړ شوی دی نو موړی ودانی دجوړونی له پلوه مخصوص سبک نه لری، پدی ودانیو کی هغه کوچنی خو نی چی چت یی دنیمی دایری په څیر جوړ شوی دی په هر حال دا ډول جوړو نی موږ ته هغه تخنیک راپه یادو ی کوم چی دکو چنیو خو نو چت د نیمی دایری (گنبد) په څیر دایران په سیمو کی رواج درلود. ددی ځای کلا لی آثار په مقایسوی توگه د مطالعی له پاره ضرورت لری مگر داکار په او سنی وخت کی ډیر مشکلات لری.

اجازه راکړی چی ددی سیمې ټاپه شوی خاورین آثار په هکله باید ووايم پرته دتردید او شک څخه ټاپه شوی خاورین لو ښی دگرام دوروستنی یا آخری قشر له خاورینو آثارو سره اړیکی او ورته والی لری او هم دغزنی دسرداردغونډی له خاورینو آثارو سره نږدی شبا هت لری نو ځکه موږ ددی ځای دخاورینو آثارو تاریخ د دوه پورتنی ځایو دخاورینو آثارو د مقایسې له مخی په غوڅ ډول دساسانیانودوری پوری اړه لری . (۱۴). پورتنی دوه مسی سکی چی دنپکی مالک په گروپ پوری اړه لری داډول سکی د هندو کش په جنوبی سیمو کی ډیر معمول او په چلندکی وه (۱۵) چی

همدا ډول سکی دکابل، کوهدا من او کو هستان (۱۶) له سیمو څخه دی سیمې ته راوړل شویدی، ددی سکوله جملی څخه یوازی دوه سکی چی دغزنی ښار څخه (۱۷) راوړل شوی او ها کن د هغو په هکله هم لیکنی ترسره کړیدی ما په همدی شان ډیری سکی په او سنی وخت دغزنی په ښار کی ولیدلی . په همدی شان نوری سکی دگر دیزد ښار څخه په ۱۹۵۷ (۱۸) کال کی پیدا شویدی . له نیکه مرغه موږ دنپکی مالک څه ناڅه دسکو له مخی وپیژانده ، داباید په ډاگه ووا یوچی داپیژندنه ډیره لږ ده . گر شمن دگردیز د میرزکی د سکو تاریخ اوو مه پیری تعیین کړی ده ددی سکو له مخی هسی چی زه فکر کوم دسکو دتاج دجوړونی ډول څخه داسی معلوم یی چی دا سکی د دو هم کو روش دسکو له مخی کاپی شویدی (۱۹) امکان لری نو موړی سکی دپفتلیانو یاد ترکانو دعصر دسکو له مخی جوړه شوی وی . او هم امکان لری په هغو وخت کی چی هیوان تسانگ له دی ځای څخه لیدنه کړی وه داسکی نوی جوړی شوی وی . له بلی خوا دراز راز سکوزرب وهل د سکو دسبک توپیروالی او درنگ بدلون موږ دډول ډول جوړونی په فکر کی اچوی چی داسکی دمختلفو شهزادگانو له خوا په مختلفو وختو کی خپری شویدی.

دوه پورتنی ډبر لیکونه چی د هغو څخه پخوا یادو نه وشوه یوی دغره په یوه ډبره او بل یی دکاروان دلاری په سر پروت دی دپالیو - گرافیتی (لیک پیژندنه) له پلوه څرنگه چی ما ته په دی هکله داکتر سندراپا رلا تو پیشنهاد او لار - ښوونه کړی وه دهغو تاریخ دپنځمی پیری پای او دشپږمی پیری تر نیما یی پوری اټکل شویدی که څه هم داډبر لیکو نه ډیر لنډاو مختصر

دی او یو له دی ډېر لیکو نوڅخه دو مړه خراب شویدی چی هیڅ نه ویل کیږی . یوازی سرسری مطالعه شوی چی ډیری ستو نځی او مشکلات منځته راوړی دی . لو مړی لمبر ډېر لیک چی په باد آسیا کی واقع دی ددی ډېر لیک مو قعیت د یو لوی ډېری لا ندی چی مقدس ځای بلل شوی او بودایی ډېر لیک دی او سحر آمیز بڼه لری (دبیل ژباړه دو لسم فصل دوه سوه څلور اتیایم مخ) . ددی بودایی ډېر لیک مو قعیت د ډېری لا ندی په پاك ځای کی ایښودل شوی وه چی سحر لرو نکی شکن لری مون ته د حقیقت راپه یادوی کوم چی ددی سیمی او سیدو نکو هغه ته سخت در ناوی در لودله بلی خوادا بودایی ډېر لیک له نورو بودایی آثارو چی دغز نی په سیمه کی دایتالوی لرغون پیژندو نکی له خوا پیدا شو ی دی نږدی اړیکی لری ځکه دغز نی په ولايت کی د سردار غونډی بودایی غونډی ده چی په دی غونډی کی لویه بودایی ستو په پیدا شویده ، دسې دار د

غونډی دستو پی یوه بر خه دکوه پهلوان دریمه لویه ستو په چی او سورانه شوی ده یو ملو یه ستو په چی دغز نی دزپه هو ټل شاته یاد کاروان دلویی لیاړی د پیل په نقطه کی مو قعیت درلود کله چی دکاروان لیاړه ونیسونود جغتو سیمی ته داخلیدو او بیا هم دغز نی دنوی ښار په مرکز دسین په کین اړخ او نور لرغونی آثار لکه سنگاراما (معبد) چی دغز نی دنوی ښار څخه لری نه دی اود کابل نوی ډنبر شوی سړک تر څنگ یوپه بل پسې پیدا شویدی دغز نی دولايت نوموړی لرغونی ځایو نه مون ته د هیوان تسانگ لیکنی راپه یادوی ځکه هیوان تسانگ په خپلو یادداشتو نو کی پدی هکله یادونه کړی وه چی داستو پی دآشوپ کاپه

سبک دتساو چو چا دپاچا هی په وخت کی ودانی شوی وی .

دو هم نمبر ډېر لیک چی دکاروان دلیاری په سر کیندل شوی اود ډېر لیک لیکنی دلوستلو وړ ندی ښایی چی نوموړی ډېر لیک تاریخی کرکتر او خصوصیت ولری اومون ته دا ډېر لیک دزابلستان دسیاست دژب پیژندنی او مذهب دو ضعی په هکله ډیر لږ او سرسری معلومات راپه گوته کوی چی پدی هکله پورته د هیوان تسانگ په یادداشت کی معلومات وړاندی شوی کوم چی په هغه هیواد کی هلته چی د بودایی مهابانا یوه برخه دنو رو ادیانو په څنگ کی مروج وه چی د هغو ادیانو له ډلی څخه دلمرب النوع (آفتاب پرست) مریدان ډیر وو ددی سیمی دزیاتو ادیانو په لرلوسره چی پخوا داسلام څخه په دی ځای کی موجودو او هر یوه دین په ځانگړی توگه مریدان او هواخواهان درلودل او هغو څخه زمونږ د هیواد په گوټ گوټ کی خورا ښه در ناوی کیده مون دنو موړی ادیانو ښه والی دایتالوی لرغون پیژندنی هیات پرو فیسور توجی له خوا هغه با ارز ښته او په زړه پوری اسناد په دی نږدی وختو کی خپاره کړی دی ډیر د اهمیت وړ دی ما پدی هکله دجاغوری د شکر دسیمی د لرغونی آثارو عکسو نه چی دجغتو څخه ډیر واټن نه لری ولیدل پدی آثارو او عکسو کی مادی شیوایی مذهب ښی ښای د لمر پرستش سره یو ځای ولیدل . ددی مشکل او مغلق سوال په هکله چی دزابلستان په سیمه کی راز راز مذهب موجوده مون پدی هکله دپرو فیسور توجی ، بوساگلی او سکارسیا (۲۰) څیرنو ته مراجعه وکړو هلته زمونږ دی مغلق سوال ته ځواب ورکړ شویدی .

مون پورته په همدی متن کی دکوه پهلوان چی نږدی دغز نی په ولایت کی پروت دی یادونه وکړه بیا هم مون دلته دکوه پهلوان په هکله چی هلته یوه ستوپه چی دغز نی ته نږدی پیدا شوی یادونه وکړو په دی مفهوم چی دپهلوان کلمه هرو مرو مون ته داسلام څخه د پخوا زمانی پهلوان نوم راپه یادوی چی پهلوان دزابلستان په قلمرو کی داندو ایرانی ددیو ادرب النوع نوم څخه نمایندگی کوی ځکه پخوا داسلام څخه په زابلستان کی دټولو ارباب الانواعو مجسمی په یوه لوی تالار کی ایښودل شوی وی چی پهلوان (دیوا) دهغوله ډلی څخه یو رب النوع وه . که چیرې ددوهم لمبر ډېر لیک دکربنو لوستل هغی چی هو مباح لوستلی دی صحیح وی ددی ډېر لیک دپنځمی کر ښی توری دترکی ژبی څخه اخیستل شوی دی ځکه په لرغونی زمانو کی دغز نی په سیمه کی تر کی پاچایانو حکومت کړی وو . (۲۱)

اجازه راکړی چی په پای کی د جغتو د لرغونی سیمی دلرغون - پیژندنی دتحقیقاتو په هکله پریکړه وکړم هیله ده چی په دی سیمه کی دکیندنو کارونه په راتلونکی کلو کی دامکان په صورت کی ترسره شی امکان لری چی دکیندنو دکار نتیجه به مثبت وی په رښتینی مون پریکړه وکړه چی دمقدماتی کیندنو یادداشتونه نشر کړو دا هم باید له یاده ونه باسو چی د کیندنو دکار نتیجه دکیندنو په پای کی ولیدل شی په همدی شان نوی لیکنی نه کاله پخوا ترتیب شوی که چیرې مون په راتلونکی کلو کی دځینو ستونزو له امله ونه شو کړای چی پدی ځای کی کیندو ته دوام ورکړو دنورو لرغونو پوهانو څخه هیله لرو چی په دی لرغونی ځای کی خپلو څیړنو او

تحقیقاتو ته دوام ورکړی ځکه دا راپور یو مقدما تي راپور دی چی د لار ښوونې له پاره خورا ښه موثر سندبلل شوی دی که څه هم ددی آزما یښتی کیندنو مقدما تي راپور نتیجه دځینو کو چنیو ستو نځو او محدودیتو له امله لږ ده له بده مرغه هغه آثار چی پوهیدل او شیرل یی د کیندنو په ساحه کی مشکل وه اوددی سیمی دافغانی پاجایانو تاریخ موږ ته ددوه یادری پیړیو له پاره داسلام دظهور او بریالیتوب پوری نا معلوم او مبهم دی.

پاورقی

۱- کله چی موږ دلو مړی ځل له پاره دلرغون کیندنې سروی له پاره دی سیمی ته سفر وکړ په دی سفر کی زموږ سره دکابل دموزیم ما مور محمد صادق خان ملگر تیا وکړه. اجازه راکړی چی په خپل وار سره دافغانی دملکی اوعسکری مقاماتو او مسوولینو څخه چی موږ سره یی په دی برخه کی پیړی مرستی کړی دزړه له کومې مننه وکړم.

۲- په دی هکله دلوستو نکو پام دایست اندو یست د ۱۹۵۹ - کال دلسمی گنی دوه پنځوسم مخ ته را اړوم.

۳- ددی سیمی دبیلو گرافۍ او هغه ستونځی چی له نوموړی ناحیې سره اړیکې لری دنو لسم لمبر نوت څخه چی پدی برخه کی څیړنی کړی دی اقتباس شویدی.

۴- ترهغه ځایه چی زه پوهیږم اواټکل کوم دجغتو سیمه تراوسه نا معلومه سیمه ده.

۵- د کاسپانی اوه. کاگنا سید افغانستان په هکله لیکنی، ۱۹۵۱ کال دوهم چاپ دوه سوه یو پنځو-سم مخ.

۶- الف. د. ا. ج. بیوار (دارزگان کتیبي) دآسیایی دتور لنی مجله

۱۹۵۶ کال یو سلو دو لسم اویو سلو اتلسم مخو نه. اودهومباخ لیکنه چی دکتیبو دلوستلو په هکله راز راز نظریات ارائه شوی دی ۱۹۶۶ کال یوسلو دریم او یو سلو څلورم مخو نه.

۷- دلومړی لمبر کتیبي لوستل دپرو فیسور هنسن لهخوا دبر لین څخه پرو فیسور تو چی ته په ۱۹۶۱ کال دجون دمیاشتی پنځلسمه دیوه لیک په ترڅ کی ولیرل شو چی په هغه کی دډبرلیک دمتن یوه برخه لیکل او څیرل شوی وه.

پدی متن کی دتردید او شک هیڅ ځای نشته ځکه پدی متن کی دتری رتنا دفورمول څخه استفا ده شوی ده. ددریمی کرښی آخری کلمه دسانسکریت (aya) دکلمی ښی ښانی لیدل کیږی ددی ډبرلیک توری دسانسکریت له هغو کتیبو سره چی په یونانی رسم الخط لیکل شوی مقایسه کولی شو.

له بلی خوا موږ نه شو کولی

چی د Vamw کلمه

دسانسکریت د namo

کلمی څخه جلا وگنو، زما په عقیده

نوموړی کلمه دسغدی د nm'w

کلمی سره نږدی شبا هت اواړیکي

لری چی ځینی هغه Namu

گنی. دلته داسی سوال پیدا کیږی

چی پدی ډبرلیک کی د Namab

نورو لهجو څخه استفاده شویده.

نو ځکه د Nom کلمه

امکان لری چی د namab

کلمی څخه اخیستل شوی وی. د

اسکی په یونانی رسم الخط لیکل

شوی د Nom کلمه دکوشا -

نیانو دخلا نده پادشاهی کی په

O ښودل شویده چی دسرڅ

کو تل په کتیبه کی Nams

کلمه O په ځای ښودل شوی

ده. زه په دی عقیده یم چی په

پخوا نیو کتیبو کی ددی کلمی وروستنی علامه غیر له W څخه بله علامه نه وه. زه داسی فکرکوم چی د O کلمه ددی کرښودکلمی په پای کی راغلی دی امکان لری د پښتو د W له کلمی سره مقایسه

شی چی همدا معنی ورکوی. ددی

کتیبي با ارزښته ټکی دبودا دهار-

(Dharmasangha) ماسنگها

کلمه وه چی پدی سکه کی لیدل شوی

ده. گرچه د W توری دلته

داغ لرو نکي توری له ډلی څخه

گنل شوی وی چی دکلمی صحیح

معنی رسوی حتی د W توری

دبودو په کلمه کی په سادگی سره د

ب توری معنی افاده کوی. سربیره

په دی دکوشانیانو په یوه سکه کی

دبودو کلمه لیکل شویده.

همدا رنگه ددی ډبرلیک په دوهمه

کرښه د doharma

کلمه کی د d او h دتو روښ

باید واضح وویل شی او دلته د

دوه pp له پاره کوم اساسی

قاعدو موجوده نه ده.

په دریمه کرښه کی د ngh

کلمه په یونانی ژبه کی د rr په

څیر تلفظ کیږی. ددی ډبرلیک

لویو ستونځه د هغه دژب پیژندنې

په هکله ده چی آیا دا ډبرلیک

په کومه ژبه لیکل شویده. دلته

د vaxw کلمه دکو-

شانیانو ددوری دسکو دلیکنو سره

توپیر لری ځکه د W توری

د Kus او O پرځای

استعمال شویده اود توری

دسر څکو تل په ډبرلیک کی د ژغ

لرو نکي توری له ډلی څخه گنل

شویدی. پدی وروستی وختو کی

هغه کوچنی ډبرلیک چی له ارزگان

څخه لاس ته راغلی دارزگان د

ډبرلیک ژبه دسرڅ کو تل دډبر

لیک له ژبی سره ورته والی لری

چی هغه دتخاری ژبی خاص

ديالېكت دى ددى ژبې كركتر چى
دايران په ختيځ كى دساكها له ژبې
سره يوځاى مطالعه شو يدى .

دجغتو ددو هم ډېر ليك په هكله
بايد اضافه شى چى دا ډېر ليك
كوچنى دى او له بده مرغه زياتى
برخى يى له منځه تللى دځينو
ستونځو له كبله زه تراوسه ددوهم
ډېر ليك په هكله كو مى نتيجى ته
نه يم رسيدلى ځكه زه تراوسه په
دى ډول اثر سره نه يم مخامخ
شوى .

په پاى كى دياډو لوړو ده ووايم
له بده مرغه ماو نه شو كړاى دلمړى
كنيى په هكله پوره معلومات د
ځينوستو نړو له كبله چى دډبرليك
ځينى برخى ناتمامه دى وړاندې
كړه او زه مجبوريم په دى ډېر ليك
كاروكړم اود هغه نتيجه به په نږدې
راتلو نكي وختوكى پيدا اومنونكو
ته يى وړاندې كړم .

۸- هلته چى دگو بل ليكنه ددى
ډبرليك دلومړى او دريمى كړبڼى
په هكله نظر وركړ شو يدى .

۹- داوم شكل په هكله پرو -
فيسور تو چى په نو لسم لمبر
ياد داشت كى لنډه ليكنه كړيده .

۱۰- په هغه وخت كى چا كتر
شا هې باى مستمندى ايتالو ي
لرغون پيژندنې هيات سره دزده
كړى له پاره وظيفه درلو ده نو
ځكه زه په خپل وارسره د هغه د
همكارى څخه مننه كوم .

۱۱- ددى ديوال نيمايى برخه
چى دفولا دى رنگه خامو خښتو
څخه جوړ شوى او وروسته په
نصواري روښانه رنگ باندې ښكلى
شو يدى .

۱۲- موږ دلته دكاروانو دليا رو
له كبله له پر مختك څخه وژغورل
شو نو مو و نه شو كړاى چى
ختيځ لورى ته ډېر مختك له پاړه
دوام وركړو كه چيرى دلته دلومړى
دفاعى ديوال منځته نږدې ارباط
موجودوى هرو مرو له دى ځاى
څخه داسى آثار زمونږ لاس ته راشي
چى موږ په هغو آثارو باندې اعتماد
وكړو اودمنلو وړ وي .

۱۳- هيوان تسانك (دبيل ترجمه
دولسم فصل ۲۸۳ مخ) موږ ته
داسى لارښوونې كوي .

((هو سالا په ښار كى يو ه
چينه ده چى دهغى چينى او به په
خو بر خو و يشل كيږي چى خلك
دهغى چينى داو بو څخه دځمكو
دخړوبولو مقاصدو له پاره استفاده
كوي . ددى سيمى هواخورا ښه او
ډيره سره ده چى دلته عادتا
تل ټلى او واوره اورى...)).

او س حقيقت دادى چى داچينه
دښار په مركز كى له مينځه تللى
ځينى داسى عقيدې لري چى داوبو
دزيا توالى له كبله ددى چينى اوبه
زياتى شوي ځكه دا چينه دبارگول
دغره څخه سرچينه اخلي سره .

ددى چى هوا سره او واوره زياته ده
يقينا مشكله نه ده چى مو ږدغزنى
په شاوخوا كى داسى چينى پيدانه
كړو .

۱۴- دتا به لرو نكي كود وړى
ستونزى اود هغو پيدا يښت په
افغانستان كى چى دايران دتاثير
لاندې راغلى دى دجه .سى . گارون
ليكنه ، دباختر خاورين آثار ۱۹۵۷
كال پنځه ويشتم او اته ويشتم
مخو نه دى وليدل شى .

۱۵- حقيقت دادى چى دنپكى
مالك سكي دكابل په سيمه كى پيدا
شو يدى ددى سكو په هكله داسى
پيشنهاد شوى چى ددى سكوضراب
خانه هرو مرو په كاپيسا كى وه د
گرشمن ليكنه په افغانستان كى
دفرانسوى لرغون پيژندنې هيات
ديار لسمه خپرونه (۱۹۴۸) كال
څلور پنځوسم او يوسلوويو لسم
مخو نه .

۱۶- سى . هاكن دخير خانى
دلرغونو آثارو خپرنى په افغانستان
كى دفرانسوى لرغون پيژندنې
هيات خپرونه پاريس ۱۹۳۶ كال
څلورم او پنځم مخو نه .

۱۷- سى . هاكن دبا ميان لړ -
غو نى آثارو خپرنه په افغانستان
كى دفرانسوى لرغون پيژندنې
هيات خپرونه پاريس ۱۹۳۳ كال
دوه شپيتم مخ . په همدى گڼه كى
دگرشمن ليكنه يو شپيتم عكس .

۱۸- كله چى موږ په كال ۱۹۵۷
دسپتمبر په مياشت كى گرديز ته
سفر وكړ گرديز دجنوبى ولايت
مركز دى چى او س دپكتيا په نامه
ياديزى پدى سفر كى له موږ سره
صادق فرازى اوماكن كلمبورك

ملگري وو موږ دگرديز په بازار كى
زياتى سكي وليدلې چى دپنځه سوه
څخه زياتى سكي له يوه ساندځى
څخه لا سى ته راغلى دى د ۱۹۵۸ كال
په ژمى اودو بى كى ماد كابل اوغزنى
په بازارو كى زياتى سكي وليدلى

كله چى موږ دخرخوونكو څخه
پوښتنه وكړه هغوى څرگنده كړه
چى موږ داسكى دگرديز څخه راوړى
دى . هغه سكي چى دكابل په بازار
كى ليدل شويدي دگرديز دسكو له
ډلې څخه و شميرو . وروسته له دى

له سوات او چین څخه لاس ته راغلي ارتباط لرو نكي ستو نځو سره پيدا شويده دا يستاندو يست پنځلسمه خپرو نه ۱۹۶۳ كال يو سلو دري شپيتم مخ .

همدا رنگه دلمر مذهب (آفتاب پرست) په زابل كي ۱۹۶۵ كال نو لسم مخ .

۲۱- دغز ني دتر كان سيمه په اتمه پير ي كي دپيچ ليكنه دكاپيسا او زابل په هكله ۱۹۶۴ كال ، دوه سوه نهه اتيايم او دوو سوه څلور نوييم مخونه .

۱۷- الف سمت له خوا پيدا شوي دي .

ددي سكو كلکسيو ندهندو - ستان دکلکتی په موزيم کلي موجود دی. اکسفورد ۱۹۰۶ کال دوه سوه پنځه دير شم مخ يوازي دوه سكي چي هغه دضرايخا نسي يوه نښه لري پيداشويدي.

۱۹- دگر شمن ليکنه پنځه- ويشتم مخ.

۲۰- سي . تو چي ((ختيځ پيژ - ندني ياد داشتونه يوه مجسمه چي

چي دگريدز دميرز كي دسيمي څخه زياتي سكي لاس ته راغلي دكا بل سكي هرو مرو دگريدز دميرز كي دسكو له دلي څخه دي . څرنگه چي ما په گريدز كي ددي سكو يوشان- والي وليد. ټولي سكي په يوه نښه حالت كي دي ځيني له دي سكو څخه ډيري نوي معلوميزي چي مو ږد هغو مثال په شپږ څلو يښتم شكل كي ليدلي شو . ددي سكو په شا باندې دوه دالفاييت نښي نښا ني شته امكان لري چي دادضرايخاني علامه وي چي دساسا نيانو د سكو سره پوره ورته والي لري . په دي سكو باندې دضرايخا ني مارک د



تاریخ شناسی برچکا و تاریخ



استاد احمد علی کهزاد

کهزاد تاریخ شناس است ، و تاریخ نگاشته است ، و هیچ صدایی رساتر از صدای تاریخ گذار نیست و این صدا جاودانه از عرصه قرون در می گذرد و پیداست که تنها ((صدایی است که میماند)). زیرا او درین صدا برای ما و کشور ما

از آنند که در چار چوب تنگ فردیت شان می گنجند ، زیرا تار و پود ریشه هزاران شاخشان در خاک ملیو تنها تن دویده و در هزاران تن اوج می گیرد، و کهزاد کو همدی ازین دست که نقدینه بی بی همتای هستی اش را بید ریخ به پای روشنگری تاریخ و فرهنگ میهن افشاند و یادگار جاودانه برتر و والا بر صحیفه روزگار باقی گذاشت .

سیمای کهزاد در دفتر کارنا مه های ماندگار میهن ما همیشه سیمای آشنا و دوست داشتنی خواهد بود و هر دانش پژوه و هر میهن پرستی که بخواد او را دریابد ، بسنده است که برگی از ده ها کتاب او را که بابا و استوار به افتخارات ، پیشین کشور مارقم رفته ، بر دارد و بخواند و در هر نگاشته ، ترجمه و تحقیق که در شناسایی دیروز این کشور از او دردست است با به پای هرواژه و هر برگ او را با همه اعتقادی که به حقیقت تاریخی این سر زمین و فرار و فرود های آن داشته می توان دید و دریافت.

کهزاد گرانمایه مردی دانش پژوه از میان مارفت . مرد یکیه آشنای راز ناک تاریخ ما بود، سلسله جنبان خود آگاه و کارشناس کارنامه های رفتگان ما، و روشننا پر تو افکن در چار طاق کتیبه پوشیده در غبار زمانه ها، بزرگ مردی با ((هیات گنجی بایسته و آن انگیز ، گنجی از آن دست که تملک خاک را و دیاران را ازین سان دلپذیر کرده است)).

شایسته است در آستان اشک اندود ، این بدرود ، یکبار دیگر واژه های جاودان سوگنا مه رود کمی را دریاد نامه شهید بلخی تکرار کنیم ، واژه هایی که هر بار «نفس شهید عزیزی» را به سوی خاک بدرقه می کنیم بی اختیار ، خاموش و صامت بر لبانمان جاری می شود .

کاروان شهید رفت از پیش زان مارفته گیرو می اندیش از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش آری مردان بزرگ هزاران بار بیش



استاد کهزاد در کنفرانس بین‌المللی در میلان ایتالیا .

هویتی را که داشته است باز آفرینی کرده است، همان هویتی که گذشته‌ها از دست و از چشم انداز ما بیرونش کرده و در سایه سار فرا موش گردو نه ها گذاشته است.

بیگمان پژوهندگان آگاه و کارشناسان از شخصیت بی‌همتای آثار گرانقدر استاد احمد علی - کهزاد، این بنیادگذار باستان‌شناسی و تاریخ‌گذار کشور ماکه حق بزرگی بر گردن اکتونیا و آیندگان دارد، سخن خواهند گفت و باز یافت‌های او را پژوهشگرانه به عرصه داور و ارزش‌یابی خواهند کشانید. و ما در این فرصت به پاس خدمات ارزنده و رهگشایانه و بارور، استاد کهزاد در باستان‌شناسی و تاریخ‌مپهن این یادنامه کو تاه را در باره‌برخی از جهات شخصیت و کارهای استاد کهزاد (که شاید سخت نارسا و نیمبند است) خواهیم آورد و امیدواریم سرآغازی باشد، برای پژوهش‌گسترده‌تر و ژرف‌تر در شناسایی و ارزیابی خدمات و آثار این استاد گرانمایه تاریخ و فرهنگ دیرین سال که باتاسف و درد هم اکنون جایش در پهلوی دانشیان ما همیشه خالیست.

ناگفته نباید گذاشت که (باستان‌شناسی افغانستان) هر نوشته پژوهشی سودمند را در باب سیمای جاودان استاد کهزاد در تاریخ و فرهنگ ما، در دسترس مقرر گیرد، با سپاس و قدرشناسی چاپ خواهد کرد.

کهزاد کی بود؟

شاد روان استاد احمد علی کهزاد فرزند محمد علی خان بود. در هشتم ثور ۱۲۸۷ خورشیدی درست هفتاد و پنج سال پیش در شهر کابل بدنیایا آمد. هنوز هفت سالش بود که به جستجوی کسب دانش و هنر برآمد و مشتاقانه

را هی مکتب خانگی سید عبدالحمید شد. دانستنی‌های متداول روز را در آن مدرسه فراگرفت.

توانایی شگرفی نشان داد. هنگامی محی‌الدین انیس چشمش به این جریده افتاد، احمد علی شاگرد صنف هشتم و ناظم این جریده را تشویق و تحسین کرد و آنرا در مطبعه انیس به چاپ رسانید. سال ۱۳۰۸ که خود شاگرد امانیه بود، مقاله‌ای از او زیر عنوان ((وطن - پرستی)) به زبان فرانسوی جایزه گرفت.

کهزاد بار نخست کارهای جدی خود را با ترجمه آغازید، او شاگرد ممتاز مکتب بود. زبان فرانسوی را به خوبی آموخت و ازینرو به عنوان ترجمان با موسیو (کزل) که مصروف تعمیر گنبد ارگ بود آغاز به کار کرد و کمی بعد در سال ۱۳۱۰

پس از آن در سال ۱۲۹۹ صنف‌های چهارم و پنجم را در مکتب حبیبیه سپردی کرد و بدنبال آن به لیسه استقلال شتافت. کهزاد در سال ۱۳۰۸ در شمار چند تن دانش‌آموز دیگر به عنوان نخستین دسته فارغان مکتب استقلال به درجه ممتاز فارغ شد.

استعداد و قریحت سرشار نویسنده احمد علی در هنگام دانشجویی آهسته آهسته جوانه میزد چنانکه در اداره و تنظیم جریده لیسه استقلال به نام (مکتب)

به حیث تر جمآن در دارالتحریر شاهی موظف شد و بدنبال آن اعزام او به عنوان تر جمآن با هیات باستانشناسان فرانسوی که برای تحقیقات از خرابه های سیستان آمده بودند، فرصتی بود که کهزاد در زوایای فرهنگ و تاریخ نگرشی بیابده و به درنگ کشانیده شود تا آنجایی که نخستین مقاله های او در مجله کابل و سالنامه افغانستان زیر نام ((احمد علی خان ترجمان)) راه بر حاشیه تاریخ سرزمین ما باز کرد.

باری کهزاد در حمل ۱۳۱۰ - همراه با هیات فرانسوی از راه فراه، گرشک، کندهار، غزنی، کابل، جلال آباد تا دکه مسافرت نمود. در سال ۱۳۱۱ بایکتن فرانسوی و یک سوئسی از راه کنر، اسمار، بریکوت، داخل نورستان شدند و تا ژرفای تما شایی در هائی نورستان پیش

رفتند او باردیگر با هیات فرانسوی در میزن ۱۳۱۲ طی یک سفر بیست و هفت روزه در یک مسیر دایروی از راه دره شکاری در شمال: اییک، بلخ، بالامرغاب، هرات، گرشک، بست، کندهار، غزنی، کابل سر- تاسر کشور را باراههای خم پیچ و دره های دشوار گذار آن در نور دید. این سفرها و گردش های بعدی کهزاد را در واقع باو جب و جب سر زمین ما آشنا میساخت، و او شکوه تمدنهای در خاک خفته را در تضاریس کوهپایه ها و دامنه های گسترده دشت ها به تماشا می نشست، تما شایی راز آلود یک آهسته آهسته افق بینش جهان- شاسانه او را تا ژرفای تاریخ کهن سال ما ممتد ساخت.

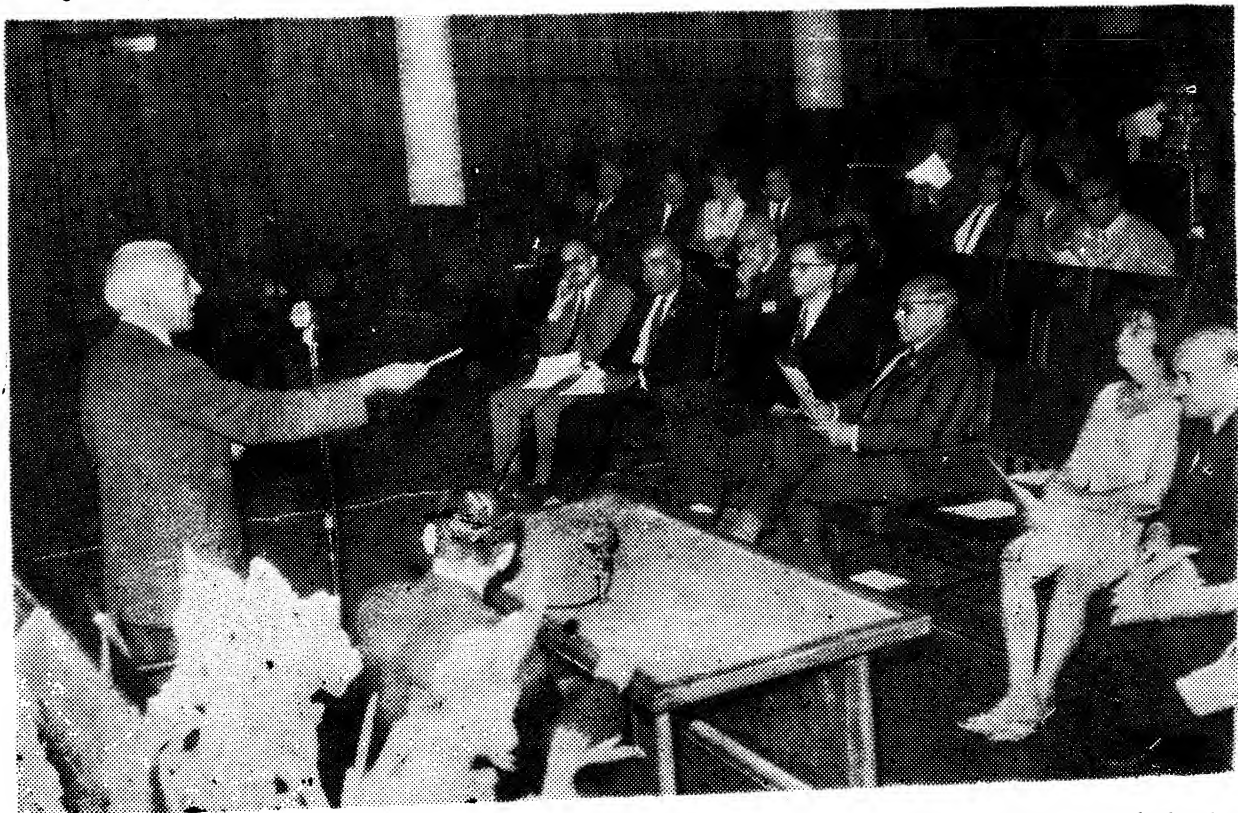
بازتاب آموزنده این رهتو شه های سفرهای کهزاد را از گوشه و کنار شهرهای تاریخی و مناطق با ستانی در نخستین نوشته های او در مجله کابل زیر عنوان ((طی

سه هزار کیلومتر در افغانستان)) (در امتداد کوی بابا و هریرود) و همچنان کتاب تحقیقی دیگرش بنام «از سربوی تا اسمار» باز یافته می توانیم.

تقرر او در سال ۱۳۱۲ به حیث سکرتر سفارت افغانستان در روم فرصت دیگری بود برای فراگیری زبان ایتالیایی و آشنا شدنش با مظاهر فرهنگ و تاریخ، بو یژه نتایج پژوهشهای خاور شناسان ایتالیایی.

استاد کهزاد پس از چندی (سال ۱۳۱۵) از عهده سپیکدوش و در اثر یک توطئه حساب شده مقامات بالای سفارت افغانستان در ایتالیا مدتی را در زندان کوتوالی به سر برد.

اقامت در زندان اگر فرصت های بی شماری از زندگی را از او گرفت، ولی در عوض فرصت نوشتن اثری به نام (تاریخ افغان ستان) را در خلوت خمو شس



استاد کهزاد هنگام ایراد کنفرانس با حضور جمعی از پژوهندگان و باستان شناسان کشورهای

لحظه های زندان برای او ارزانی داشت.

کهزاد دیگر راه خویش را برگزیده بود، در آستان پژوهش های دقیق، دانه های گوهرین مضامین تاریخی و ادبی را برشته می کشید، گاه نامه های زمانه ها، تاریخنامه ها و متون ادبی را ورق می زد و با کنجکاوی پرتکا پو در جستجوی رهنوشه های دانش های اجتماعی و تاریخی بود.

او با همین تلاش و توشه به عضویت انجمن ادبی کابل درآمد و به زودی پیشا پیش تاریخ پردا زان انگشت شمار آن انجمن تلاش های چشمگیری را در امر تدوین و روشنگری گوشه های گوناگون تاریخ پرماجرای کشور انجام می دهد. از همین زمان است که سالیان پر بار استاد کهزاد در تاریخ و فرهنگ ما می آغازد.

با دست یافتن به سمت های معاونیت تألیف و ترجمه و مدیریت تألیف و ترجمه در سال های ۱۳۱۵-۱۳۱۶ در انجمن ادبی زمینه تراجم فرهنگی و تاریخی گسترش و مجال بیشتری مییابد. پژوهش ها و کاوشهای گسترده ای در عرصه باستان شناسی صورت می گیرد و موزیم کابل برنگ و رونق بیسابقه ای دست می یابد. همینکه سبک کار انجمن ادبی تغییر می کند کهزاد همراه بایاران دیگرش سوال تاسیس انجمن تاریخ افغانستان را بمیان می کشند.

انجمن تاریخ و مجله (آریانا) در سال ۱۳۲۱ بنیاد می یابد که خود کهزاد سمت ریاست، و مسوولیت مجله را بدوش میگیرد. انجمن تاریخ و مجله آریانا آنچنان که برگ های تاریخ گواه است، حلقه وصل و مجمع پرفروغ - شماری از تاریخ گذاران و پژوهندگان فرهنگ کشور مابودوده

ها کتاب و رساله و صد هامقاله و نبشته در شناسایی پیشینه دیرین سال و شکوه پیرارین دوره های فرهنگی و بالندگی تمدنها در فراخنای آریانای باستان و خراسان زمین دوره اسلامی انتشار داد.

کهزاد در مقام یک مورخ آگاه و جستجوگر بعد تازه و بسیار مهمی را در پژوهش های تاریخ، و فرهنگ سرزمین ما گشود، کاوش های باستان شناسی و بهره گیری از باز یافته خفته در اعماق خاک های فرا موشی که گویا تر و روشنتر از هر سند دیگری از راز های تاریخ سخن می گوید. از این روشنگری آور نیست که بهترین و پرمایه ترین سالهای جوانی، و تلاش های او در پای سیر سفر و کندو کاو و درزوای خاموش آثار باستانی ما می گذرد. استاد

کهزاد اگر از سویی به انبوه متون ادبی و تاریخی، ترجمه و برگردانی آثار مولفان و پژوهندگان خارجی روی می آورد و از آن سود می جست از سوی دیگر محققانه از زبان شاهان خاموش نهفته در ویرانه ها حکایت می کرد.

کهزاد برای دست یابی باین امر همواره در سیر و سفر بود. کاوشهای او در ویرانه های زمان زده بامیان، خرابه زارهای عظیم سیستان، لشکری بازار، درطاق های شکسته غورو غزنی در خاک تودهای پرابهت بلخ، سرخ کوتل هده، وده ها جایگاه باستانی دیگر جستجو در سموچها و مغاره ها، تنظیف و تنقیح نقاشی هاتندیس ها، و پیکره های بودایی بامیان، در ویرانه ها و معابد وستوپه ها که فریاد آنسوی هزاره ها در لب های خاموش و در سیمای گرد گرفته شان نقش بسته، در هر خشت و سنگ و هر خاکتوئی که

از آن بوی تاریخ کهن برمیخاست، درنگ کرد و اندیشید و پیرامون آن نوشت.

درین تلاش های سختکوشانه کهزاد را، همواره رنج راه های دشوار گذار و وسایل و ابزار نا کافی و سختی های اقامت دروادی های خاموش همراه بود. گاهی با شتر، زمانه با اسب و حتی گاهی پیاده در هاله از گردوغبار درواحه مقصود گام می زد و هیچگاه هی گرد ملال بر چهره نجیب او نمی نشست. این باستان شناس گرانمایه در هر گام و در هر آن برای دست یافتن به حقیقت های به خواب رفته در گهواره زمانه ها درنگ و توقف و خستگی نمی شناخت، و برای اینکه واقعیتی را بر ملا کند هیچ لحظه و مدرکی را از دست نمی داد.

باری درادامه همین تلاش ها و تکاپو ها بود که کهزاد مینار جام را شناسایی کرد، سنگنبشته قندهار را با خطوط آرامی و یونانی از نزدیک دید، از راز های سربه مهر نوبهار بلخ و شاهپارو تپه سر دار غزنی و ستوپه های شیوکی نواحی اطراف کابل و جلال آباد، سرخ کوتل و دهها موضع باستانی دیگر که از لحاظ مطالعه تاریخ و باستان شناسی کشور بعد ها اهمیت ویژه و چشمگیری یافتند برانی نخستین بار پرده برداشت و دور نمای روشنی را در جلو پژوهندگان و کاوشگران بعدی گشوده است.

استعداد و توانایی فکری کهزاد در پژوهش جمع بندی و بیرون کردن نتایج روشن از آثار تاریخی باز یافته در آن سطح از کمال رسیده بود که بزرگترین باستان شناسان به کار او دل بسته بودند، زیرا کهزاد اگر از سوی در هیات یک

مورخ ژرف اندیش و چابک دست در کار کند و کاو ژرف نگرا نه پایه پای ور زیده ترین باستا نشنا - سان خار جی در هر وجب و پیرا نه وهر دیوار فرو ریخته و پیکره شکسته حضور داشت واز سوی دیگر با تکیه بر منابع تاریخی ادبی و فولکلور غنا مند و پر پهنای تاریخی مانگاه تیز بین ویژه ، ودقیق مستقلا نه خودرانیز در قبال تفسیر و تعبیر باز یافته های باستا نی و تاریخی نیز ابراز میداشت که بزرگترین پژو هندگان نمی تواند آنرا ، سرسری انگارند.

او همگام با باستا شناسان سرشنا س چون ژوزف ها کن، شلوم برژی گو دار ، برنارد فوسمن و دیگران کار کرد ، و همدوش ما آنها پرده از روی بسیاری اسرار زما نه های باستا ن بر داشت، این باستا نشنا سان و همکاران شان در پژو هش ها و آثار شان از نو شته ها و نظرات او در باب تاریخ و فرهنگ ما

وسیعاً سود برده اند. تنی چند ازین دانشمندان در سالهای اخیر هنگامیکه به کابل آمدند، ارادت مندانه به خانه استاد که در اثر بیماری زمینگیر شده بود شتافتند و خاشعانه در برابر این دانشمند ، وارسته ابراز ارادت کردند .

کهزاد نخستین بار کارهای تحقیقی خود را در مجله ادبی کابل و سالنامه کابل از سال ۱۳۱۰ آغاز کرد و با گذشت هر سال بر حجم آثار نو شته ها و تراجم او افزوده شد . شاید نخستین اثر کهزاد ترجمه کتاب (مسیو هاکن)، (گودار) فرانسوی به نام با میان یا آثار عتیقه بودایی است ، این کتاب رادره ۱۳۱۵ ترجمه نمود و آنزمانی بود که هنوز تخلص ((کهزاد)) نگزیده بود.

انتشار تاریخ افغانستان در دو جلد در سال ۱۳۲۵ از تلاشها و پژو هش های فرا مشی نشدنی و ماندگار استاد کهزاد است . او به وسیله این کتاب برای نخستین بار

سلسله منظم تاریخ کهن کشور را از باستان زمانه ها تا ظهور اسلام به صورت مفصل و پرمضمون نگاشته که در تاریخ پرداز ی معاصر کشور بی سابقه و بیماند است .

آثار دیگر کهزاد مانند (لشکرگاه) (بالاحصار و پیش آمد های تاریخی) (افغانستان در شانها مه)، (افغانستان در پرتو تاریخ)، (مسکوکات افغانستان)، (آریانا) که بازده پر بار سالها پژو هش این پژو هنده بزرگ است ارزنده ترین و گسترده ترین کارهای است در زمینه روشنگری دوره های تاریخی و فرهنگ کشور ما.

استاد کهزاد همگام با مقالات تحقیقی و تاریخی به زبان دری، در مجله آریانا و نشریات داخلی، به زبان انگلیسی و فرانسوی مطالب جالبی مینوشت و همچنان برای شناسایی تاریخ و فرهنگ کشور هر چه بیشتر رساله ها و آثار مستقل دیگری را در خارج به چاپ رسانید.



درام تاریخی او به نام (سکندر در آریانا) و کتاب (عرف و عادات افغانها) به زبان فرانسیسی و کتاب (افغانستان قدیم و معاصر) بزبان ایتالیایی از نمونه های برجسته خدمات فرهنگی اودر جهت معرفی تاریخ و فرهنگ کشور است.

کهزاد در زمینه تاریخ ادبیات و پژوهش در آثار ادبی و احوال مشاهیر دانش و ادب ما نیز آثار و مقالاتی نگاشته که نشان دهنده اشتیاق همیشگی او به ادبیات و هنر کشور و یکی از وجوه شخصیت علمی اوست.

از مقالات و نوشته های کهزاد درین باب می توان از نبشته پر مغز او در باره شیخ رئیس ابوعلی ابن سینا بلخی در رساله بزرگداشت از هزارمین سال تولد ابن سینا (سال ۱۳۳۰) و رساله (گلدسته عشق) و برگزیده های از هفت دفتر مثنوی مولینا، (فروغ فرهنگ)، افغانستان در شاهنامه (رویین تن و تهمتن)، (نوشته چاپ نشده) نامبرد، و همچنان درام تاریخی او، (مردان پارو پامیزاد) و سکندر در آریانا.

دستاوردهای بیش از نیم سده بر رسی و پژوهش سختکوشانه استاد کهزاد، انبوه کتابها (بیش از شصت جلد) و مقالات بی شمار او ست که خود یکی از گنجینه های پر بار و منحصر به فرد تاریخ شناسی معاصر و از زمره ماخذ دست اول تاریخ کهن ماست، و ناگفته پیداست که تاکنون هیچ تاریخ نگاری در میهن ما، با این حجم و فراوانی از عهده شناخت و پرداخت حقایق تاریخ بدینگونه بر نیامده است.

بدین ترتیب آشکار است که هر کتاب و هر مقاله استاد کهزاد از دیدگاه ارزش و سود بخشی خود،

اهمیت و یره پی دارد که می توان در باره محتوی آن بارها سخن گفت. در بخشی ازین نوشته سیاهه ناقص عناوین برخی آثار و نوشته های استاد کهزاد جهت اطلاع دوستان تالیفات استاد آورده خواهد شد، و هم اکنون، برای اینکه رشته های تسلسل زمانه زندگینامه او برهم نخورد، فعالیت های دیوانی مسافرت های علمی و موفقیات رسمی استاد کهزاد به ترتیب کروئولوژیک آن یادآوری می گردد:

- ۱۳۰۸ فراغت از لیسه استقلال و ترجمانی باکزل فرانسوی - از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۲ وظیفه سکرتری سفارت مختاری افغانستان در روم.

- پس از ۱۳۱۵ باز هم ترجمان دارالتحریر شاهیه و معاون شعبه تالیف و ترجمه در انجمن ادبی، مدیر تالیف و ترجمه و مدیر شعبه تاریخ انجمن ادبی. - ۱۳۱۸ معاون مدیر عمومی انجمن تاریخ.

- ۱۳۲۰-۱۳۲۵ مدیر عمومی انجمن تاریخ در ریاست مستقل مطبوعات - در پهلوی این وظایف از ۱۳۱۹-۱۳۲۸ مدیر موزیم کابل نیز بود.

- ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۰ رئیس موزیم کابل و باستان شناسی، رئیس انجمن تاریخ.

پس از آن مشاور فرهنگی وزارت معارف تا سال ۱۳۵۰ و در همین سال باز نشست می شود.

استاد کهزاد همراه با کارهای علمی و اداری مسافرت های علمی و فرهنگی نیز داشته و در کنفرانس های مهم علمی بین المللی با ایراد خطابه ها و معرفی کشور و آثار تاریخی آن اشتراک کرده است. از آنجمله می توان اشتراک فعال

اورا درین کنگره ها و کنفرانس های یاد آور شد:

- اشتراک در کنگره بین المللی مستشرقان در روم در سال ۱۳۱۴ - در سال ۱۳۳۹ اشتراک در کنگره بین المللی مستشرقان در مسکو.

- شرکت در تجلیل از دوصدومین سالگرد تولد سرویلهم جونز موسس انجمن شاهیه آسیایسی بنگال در سال ۱۳۴۰ در دهلی جدید و ترتیب و نمایش آثار موزیم کابل در موزیم کلکته.

- مسافرت به مسکو در اثر دعوت انجمن دوستی افغانستان و شو روی در سال ۱۳۴۳ همچنان در همین سال مسافرت بایران در کنفرانس ایران شناسی.

- سهمگیری در کنفرانس کشور های آسیایسی در هند سال ۱۳۴۷ - مسافرت به کشور هندوستان همراه با هیات فرهنگی افغانستان در سال ۱۳۴۹.

- در سال ۱۳۵۲ تحت پروگرام لیدر شپ مسافرت بامریکا و بازدید از موزیم ها، کتابخانه ها و تماشاها با دانشمندان و ایراد خطابه ها از راه تلویزیون سانفرانسیسکو، فلا دلفیا. همچنان در همین سال سفر به انگلستان و فرانسه در اثر دعوت برتش کونسل و دعوت وزارت خارجه فرانسه.

- مسافرت به چین همراه با هیات فرهنگی افغانی.

- مسافرت های متعدد به ایتالیا، در اثر دعوت انجمن خاورشناسی ایتالیا جهت ایراد کنفرانس در روم و میلان.

نشانه ها و مدالهایی که طی خدمات فرهنگی و علمی نصیب کهزاد شده است:

- ۱- نشان رشتین مطلا.
- ۲- نشان شوالیه هنر و ادب ان

طرف جنرال دو گول رئیس جمهور
فرا نسه.

۳ - نشان از جانب زما مدار
دهه ۱۹۳۰ ایتالیا به خاطر تسلط
به زبان ایتالیایی و فرانسوی .

۴ - نشان لویه جرگه .

۵ - نشان معارف .

همچنان استاد احمد علی
کهزاد به عنوان دانشمند و نویسنده
بزرگ کشور، عضویت انجمن‌های
علمی جهان را حاصل کرده بود و
آنجمله عضو این انجمن‌ها بود:

۱ - عضو انجمن آسیایی بنگال.
۲ - عضو انجمن جغرافیایی
واشنگتن.

۳ - عضو انجمن نامہ نگاران
مکتب فرانسوی رنوی در شرق دور.
۴ - عضو انجمن شاهی آسیایی.

استاد احمد علی کهزاد، مورخ
باستان‌شناس و نویسنده ارجمند
کشور ما پس آنکه عمری را در راه
تحقیق و مطالعه و روشنگری همه
جانبه تاریخ و فرهنگ دیرین
سال‌ها بسر آورد، آنرا بر بار
افتخار آمیز و پر مضمون ساخت،
سر انجام در سوم قوس ۱۳۶۲ در
حالیکه هفتاد و پنج سال داشت،
زندگی را به رود گفت و محافل علمی
و فرهنگی ما را در نبود همیشگی
اش در ما تم نشانده.

((فهرست آثار و نوشته های
کهزاد)) .

- تاریخ افغانستان - جلد اول
(از دوره قبل تاریخ تاسقو ط
سلطه موزیا) سال تألیف - ۱۳۱۸
شمسی اولین تاریخ دوره های قدیم
پیش از افغانستان.

- تاریخ افغانستان : جلد دوم)
از آغاز سلطنت مستقل یونان و
باختری تا ظهور اسلام (طبع ۱۳۲۵
جلد دوم همان دوره (تاریخ افغا -
نستان) .

- دافغانستان پخوانی تاریخ -
جلد اول (به زبان پښتو) سال
طبع ۱۳۳۴ .

- دافغانستان پخوانی تاریخ
جلد دوم (به زبان پښتو) سال طبع
۱۳۳۹ .

- آریانا : - شرح وجوه تاریخ
و جغرافیایی قدیمترین نام افغا -
نستان تاریخ طبع ۱۳۳۵ شمسی
برنده بزرگترین جایزه (آریانا).

- بالا حصار کابل و پیش آمد
های تاریخی جلد اول سال
طبع ۱۳۳۶ .

- بالا حصار کابل و پیش آمد
های تاریخی : - جلد دوم سال طبع
۱۳۴۰ .

- لشکرگاه : (برنده جایزه اول
خوشحال خان خټک) سال طبع
۱۳۳۲ .

- عرف و عادات افغانها : - به
زبان فرانسوی بهمکاری مادام
کن سال طبع ۱۹۵۳ .
برنده جایزه دوم خوشحال خان
خټک .

- در زوایای تاریخ معاصر افغا -
نستان : برنده جایزه اول تألیف در
۱۳۲۷ .

- رجال و رویداد های تاریخی :
سال طبع ۱۳۲۱ .

- بگرام : سال طبع ۱۳۲۱ .
- افغانستان قدیم و معاصر ج:
بزبان ایتالیایی طبع روما (۱۹۵۵)
عیسوی .

- تاریخ ادبیات افغانستان - از
قدیمترین زمانه ها تا ظهور اسلام
طبع وزارت معارف ۱۳۳۰ .

- افغانستان و ایران : متن
خطابه ای که در موزه ایران باستان
در سال ۱۳۳۰ ایراد شده .
طبع تهران .

- رهنمای بامیان : - طبع سال
۱۳۳۴ .

- مختصر رهنمای بامیان : - به
زبان انگلیسی سال طبع ۱۳۳۵ .

- کنیشتگاه : - جلد اول طبع
۱۳۲۵ طبع دوم ۱۳۴۶ این هر دو
جلد مربوط به امپراطوری کوشانی
میباشد که در افغانستان و خاک
های مجاور سلطنت کرده است.

- اسکندر در افغانستان : - درام
تاریخی به زبان فرانسه طبع سال
۱۲۴۶ .

- مردان پاور و پامیزاد : - درام
تاریخی در چهار صحنه طبع سال
۱۳۱۸ .

- امپراطوری کوشان : مفصلترین
مضمون تاریخی که در افغانستان
راجع به دوره امپراطوری کوشانی
تحریر شده است طبع سال ۱۳۱۷
- رتبیل شاهان : - در (سالنامه
۱۳۲۱) .

- کوشانیهای خورد یا کیداری : -
سالنامه ۱۳۲۵ و ۲۶ .

- مملوحین شاهنامه ها پادشاهان
اولیه آریانا ، سالنامه ۱۳۲۰ .

- کنیشکا : امپراطوری کوشان
سالنامه ۱۳۲۴ - ۲۵ .

- شاهنامه ها و مقایسه میان بعضی
پلوهانان آن و اوستا طبع ۱۳۲۵ .
- مسکوکات افغانستان قبل از
اسلام : - درسالنامه و بطور جدا
گانه سال طبع ۱۳۲۶ .

- مسکوکات افغانستان عهد
اسلامی : - سال طبع ۱۳۱۹ .
- مدنیت اوستایی : - طبع
سال ۱۳۱۸ .

- موزه کابل : - ۱۳۲۵ .
- فروغ فرهنگ : طبع سال
۱۳۴۶ .

- اسپرلو . (شطارت های سوار
کاری در افغانستان) طبع سال
۱۳۴۶ .

- شاه بهار : - (معبد بودایی در
غزنه) طبع سال ۱۳۴۶ .

۶. هزار سکه از بگرام بدست آورد .
- آخرین نامه های (ویلیم جی مکناتن) به شاه شجاع .
- مکتوب شاه شجاع به (لارد اکلند) در زوایای تاریخ قرن ۱۹ .
- شاه شجاع و اهالی سمست شمالی . فرمان شاه شجاع بنام میر مسجدی خان و سایر غازیان و اهالی چاریکار و کوهدامن و نجراب .
- تیمور شاه درانی و نقشه وزیر شاه ولیخان .
- جنگ نامه درویش محمد خان غازی .
- سوال و جواب دختر عبدالغنی خان میر افغان الکوزی با احمدشاه بابای درانی .
- خسرو شاه حکمران دولت تیموری هرات در تخارستان .
- کوچه باغ : شیر دروازه کوره گاه - دروازه دهمزنگ .
- بابرو مظاهر عمرانی و فرهنگی تیموریان هرات .
- انتخاب پادشاه کوشانی .
- حریم خاطرات یاد داشت های ادبی و تاریخی در دیوار های بقعه مجذوب لایخواردرغزنی .
- باشد بحالم بنگرد چشم خمار آلوده اش
- ساقی چو گردد سر گران برخاک ریزد جام را
- بابر در حوزه کوهدامن و کوهستان .
- سکوت غلغله .
- خرمیل . پهلوان نامور غوری
- چطور پیاده نظام غور با داشتن خفتان عجیبی از پوست گاه و پنبه و کرباس بر سپاه غزنه غالب آمد .
- دو اشتباه بزرگ غزنویان .
- دروازه هفتصد و سی و یک ساله : این دروازه درسا لهایی ساخته شده که چنگیز مرده و هلاک به سلطنت رسیده .
- بامیان تالیف هاکن و گودار .
- صنعت یونانو باختری (گر - یکو دیک باختر) سال طبع ۱۳۱۹ .
- راجع به اولین آثار یونانی و باختری که از قندز کشف شده است تالیف پروفیسر هاکن بایر .
- تایان : فصل ۱۲۳ (سی چی) یا (اسناد تاریخی) نگارش مو ریخ چینی (تهمه چه ین) .
- بگرام : تحقیقات سال ۱۳۱۸ نگارش پرو فیسر هاکن .
- سرخ کوتل : (آتشکده سرخ کوتل در کوشا نشهر) آبدیه باستانی .
- کوشانی در باختر نویسنده (دانیل شلومبرژه) مدیر خاور شناسی فرانسوی در افغانستان .
- (مرگ رستم) در (چناری) شرق کابل .
- در خرابه های شهر بانو .
- یک نسخه نفیس مثنوی معنوی (بقلم عماد الدین محسنی هروی خطاط و نقاش هنرمند .
- در قرن یازدهم هجری (از نسخه خطی سابق موزیم کابل) .
- سیرالعارفین - نظام التواریخ خلاصه التواریخ .
- مشی جدید فارورد پالیسی (قبل از معاهده تحمیلی دیورند با میر عبدالرحمن خان و (لارد کرزن ولارد رابوت) .
- امیر عبدالرحمن خان مواجه با سیاست فارورد پالیسی .
- نایب محمد علم . در رجال عصر امیر شیر علیخان .
- حسین علی خان سپه سالاراز رجال عصر امیر شیر علی خان .
- هیئت اعزامی روسیه تزاری به دربار امیر شیر علیخان .
- لوح مزار وزیر فتح خان غازی شهید را شکسته اند و پارچه های آن عجالتا مفقود است .
- مسن انگلیسی ۱۲۰ سال قبل
- روابط افغانستان و هند : -
- به زبان فرانسوی و دری طبع سال ۱۳۲۳ .
- یادبود جشن هزارمین سال تولد شیخ الرئیس ابو علی ابن سینای بلخی .
- از سرو بی تا اسمار : -
- کابل : - رهنمای تاریخی به زبان انگلیسی تالیف احمد علی کهزاد و مادام ولف .
- زمانشاه و فعالیت دستگاه استعمار .
- گلدسته عشق : - منتخبات از مثنوی .
- رایان کابلی : - سال طبع ۱۳۲۳ .
- در امتداد کوه بابا و هریرود . طبع ۱۳۲۲ .
- تاریخ قدیم افغانستان و ممالک همجوار برای صنوف هفتم مکاتب .
- افغانستان در شاهنامه .
- غرغشت و گرشا سب .
- در زوایای تاریخ معاصر افغانستان به زبان انگلیسی .
- سیاست متوقف : احتراز از اشتباهات یکونیم قرنه .
- سیاست پیشروی یا (فارورد پالیسی) .
- اعلان (ریچارو اودنی) و قیام سرحد در ۱۸۹۷ .
- سیاست (لارو کرزن) و تشکیل دسته ملیشیا خاصه دار .
- در فاش ملی جمهوری ازاتتشا -
- دات موسسه طبع و توريد کتب بیهقی .
- جغرافیا و مناظر طبیعی افغانی
- اقتباس از مجله جغرافیای مصر به فرانسوی .
- افغانستان و مصر ، بمناسبت ورود جمال عبدالناصر به افغانستان .
- هنر قدیم افغانستان ترجمه از انگلیسی نویسنده بنجا من راولند .

- کتیبه های کوفی مغار های
 غزنی (از مسعود سوم تا بهرام
 شاه) .
 - بوعلی سینای بلخی .
 - کهنش کابل .
 - تحقیقات جدید باستان شناسی
 در بگرام .
 - خزاین مسکو کات افغا نستان
 - سرخ کوتل ، کتیبه در هفت
 خشت ، سرخ کوتل بین غوری و
 چشمه شیر در سر راه پل خمری
 و سمنگان .
 - تپه مرنجان .
 - شاه شمیران ودانه انگور ،
 غرس و بار آوردن تاك در هرات .
 - چم قلعه .
 - کتیبه های سرخ کوتل حروف
 رسم الخط یونانی برای نوشتن زبان
 یونانی و تخاری .
 - کشف کتیبه بزرگ و بسیار
 مهم در سرخ کوتل ، تذکار نام
 (کنیشکا) امپرا طور بزرگ کو -
 شانی و آتشکده بغلان در رسم الخط
 یونانی و کوشانی .
 - کشف او لین آتشکده در باختر
 زمین .
 - آتشکاه عصر کوشانی ، آتش
 پرستی یکی از مذاهب دوره کو -
 شانیان .
 - کوشا نشاه کنیشکاه و آبدات
 مذهبی .
 - کوشا نشهر و کوشان شاهان .
 - کتیبه سر پوزه در شهر کهنه
 قندهار .
 - او تشنپا نایا کابل ؟
 - مکاتبه اسکندر و مادر شردر
 باب بنای شهر هرات .
 شهری که هشت روز دغاساکنان
 او
 گردان کار دیده و مردان پیشوای
 شهری که بود و هست و بودتا
 به روز حشر
 از حادثات در کنف رحمت
 خدای .

شهری که نیست مثل وشبیهش
 به محلی
 در جمله ممالك فغفور و ملک رای
 شهری که رفت بزرگی و قدر او
 از شرق تا بجنوب و از غرب
 تا خطای .
 - چگونگی کشف معبد فندقستان
 از چوپان بچه ها تا باستان شناسان .
 - آئین بودایی در افغا نستان .
 - اسکندر کبیر و اوستا .
 - اوستای قدیم یا او ستای
 باختری .
 - هزار سال تاریخ قدیم افغا -
 نستان از ظهور سکندر تا ظهور
 اسلام (خلاصه سخن رانی موسیو
 (شلوم برژه)مدیر هیات باستان -
 شناسی فرانسوی .
 - افغا نستان از نظر قبل -
 التاریخ .
 - داود شاه خان چطور از چوپانی
 به سپه سالاری رسید و مادر سر
 سفید او چطور در آخر عمر به ناز
 و نعمت با پیرا هن کمخواب و پونی
 هاو کمره طلایی در بالا حصار جوار
 حرم سرای امیر شیر علیخان می
 زیست .
 - حفریات در کاخ سلطنتی
 ((دشت لکان))
 اندرین اندیشه بودم کز کنار
 شهر بست .
 بانگ آب هر مینه آمد بگوشم
 ناگهان .
 منظر عالی شه بخور از بالای
 اثر .
 کاخ سلطانی پدیدار آمد از دشت
 لکان .
 - کشف تصاویر رنگه دیواری
 عصر غزنویان .
 یکی نگاشته رنگی که بی تکلف
 بیگ
 شود از دیدن او دیده ها
 نگارستان
 ببواندر عطار هند وان عاجز

برنکش اندر نقاش چینیان
 حیران
 - دره نوری گوشه زیبای وطن .
 - امیر تیمور گور گان و مردان
 کشور نورستان .
 - امیر تیمور و سیاه پوشان کتور
 نورستان .
 زشا هان کسی فتح کتور نکرد
 چه گویم زدارا سکندر نکرد
 - بند امیر يك ساحه جغرافیایی
 داستانی ، فولکلوری ، تماشایی ، و
 دیدن آن برای سیاحین دا خلی و
 خارجی نهایت ضروری است (بند
 امیر) رابند (بربر) وفاصله آن از
 خرابه های این شهر چندان دور
 نیست . این بند به چندین بند
 تقسیم شده : بند ذوالفقار بند بود
 مینه ، بند پنیر ، بند هیبت ، بند
 غلامان بند قنبر ، آب آن از نقطه
 موسوم به (کپرک) (خم نیل) سر راه
 بامیان و بند امیر واقع است .
 - اند خوی ، (انده خود) یا
 (النخود) رود خانه آن پنکک با آب
 قیصا رمعروف است .
 - نورستانی ها آریایی هستند نه
 از باز ماندگان یونانی ، (مستر آید
 لبرگ) عضو هیات دانمارکی به
 تاریخ ۲۹ عقرب کنفرانسی درس -
 لون وزارت معارف ایراد کرد و نور
 ستانی هارا از نژاد آریایی خواندنه
 یونانی .
 - کتب خطی افغا نستان بقلم
 (سرژ دو بور کوی) .
 - بگرام وسیستم آبرسانی در
 شهر .
 - ۱ زآخرین روز های کاپیسا .
 - مسجد سنگی شاه جهان در باغ
 بابر شاه .
 - بزرگترین سکه نقره یونا نی
 جهان در موزیم کابل .
 - پیش آمد های يك شب در
 بالا حصار ، دو تن از پسران بابر
 همایون و کامران مرزا در شب
 دوازدهم رمضان ۹۵۲ قمری یکی

ارگ بالا حصار رابه اندوه گذشت
و دیگری به مسرت وارد آن شد .
-لاجورد افغانستان و شهرت آن
در ادوار باستان .
ارغوان وارغونیان .
- بعد از معاهده تحمیلی دیورند .
- عروج و سقوط سر داران
قندهاری .
- مغاره قره کمر ، افزارو
ادوات سنگی دوره قدیم حجر .
- افغانستان باستان .
- لاجورد و استعمال آن بحیث
رنگ در آثار هنری .
- هیما تله یا یفتل مبدا و کانون
هیاطله در بدخشان .
- کشف بقایای یک معبد جدید
بودایی در دره فولادی بامیان .
- کابل از نظر باستان شناسی .
- تختگاه بابر یا تخت شاه و تخت
نور الدین محمد جهانگیر .
- مولانا جلال الدین بلخی و مثنوی
مولوی معنوی .
- ریش سفید شهر سبز یک
تن دیگر از عمال دستگاه انتلجنت
سرویس .
- تاش کلد یک نفر از همد -
ستان الکساندر برنسی بلباس فقر
در کابل .
- مخالفت یار محمد خان الکوز -
ایی با میجر تا دانگلیس و اخراج او
از هرات .
- قلعه قلات دلچسپی انگلیس
ها از نظر سوق الجیشی .
- مراتب دوستی و اخلاص شاه
شجاع .
- ممیزات جنگنامه مولینا محمد
غلام کوهستانی .
- آرامگاه مسعود یا قبر نامعلومی
که ظاهراً به عصر غوری مربوط
است .
- مکنات و حمزه خان ایلچی
نماینده نگلیس که میخواست به
قیمت پنجاه هزار روپیه قیام ملیون
غلزایی را در هم بشکند .

- یک اثر مهم جدید را جمع به
جنگ های اول افغان و انگلیس -
حکیم پادشاه پسر همایون برادر محمد
محمد جلال الدین اکبر نواسه
بابر .
- چهل قطعه عکس های تار -
یخی که سر نوس ویلیم وین (در
عصر امیر عبد الرحمن خان وحیب
الله خان در جلال آباد و کابل گرفته
شده .
- محمد حکیم مرزا از نظرخواجه
نظام الدین هروی صاحب طبقات
اکبری .
- پیکر سازی در عصر غزنویان .
- پانداد ، مشروی ، لاماندی
از پهلوانان حماسی یا ارباب الانواع
عصر جاهلیت گوشه از نورستان .
- سلطان ابراهیم غزنوی ، چند
کلمه را جمع به مرقد و چند کتیبه که
نام وی در آنها خوانده میشود .
- منار جام ، شاهکار نفیس معماری
ری و هنری عصر غوری و قشنگتر -
ین آبله اسلامی افغانستان .
- خاندان سراج الدین منهاج از
شخصیت های بزرگ تاریخ است .
- منار جام و قطب منار ، آثار
عمرانی سلاطین غوری از فیروزکوه
تا دهلی .
- هیکل تراشی بزرگ در نواحی
جنوب سر پل .
- ناب و سه گوشه ناب .
- اهمیت یاد داشت های (جنرال
فریه) در افغانستان .
- دیو حصار هیکل های بزرگ
چوبی پوشیده با پوست های حیوان -
نات .
- دیگان و زبان پشه یی ، اسما
و اعلام در دره نوره بعضی دره های
مجاور .
- آثار باستانی دره فلم .
- سجاوند ، بقایای معبد جنیز ،
شواهد قلعه سجاوند .

- مرمت کاری طاق بست .
- پل بامیان در غزنی ، خا طره
یک سیلاب بزرگ در ۴۲۲ هجری و
خراب شدن قسمتی از شهر غزنه .
- یعقوب لیث صفاری ، در نتیجه
بازی پادشاه وزیر پادشاه شد .
- نیمروز یا حوزه سفلی
هیرمند .
- وفا بیگم زوجه شاه شجاع به
چه حیل شوهر خویش را از قید
نظارت به بنجیت سنگ نجات داد .
- گردش در لوگر .
- جنگ های تکیان ها ولایکها
بر سر غزنه .
- بامیان مرکز قدرت سیاسی در
زمان غوری ها .
- کشف کتیبه های یفتلی در
ارزگان .
- سمنگان از نظر کتاب حدود -
العالم .
- دختر ننگر شاه .
- پغولانگو - پغه لانگه ، اسم
قدیم (بغلان) .
- شهر غلغله پایتخت شهنشاهان
غوری .
- شیر شاه سوری افغان .
- اژدهای سرخ در بامیان .
- پادشاه شکاری (دره ککرک
بامیان) .
- نگاه مختصری بر دیوار های
روی کوه های کابل .
- کتاب خانه عهد بودایی در
بامیان .
- خم زرگر ، بقایای معابد و
شواهد بودایی .
- شهر غلغله و قلعه دختر .
- لغمان .
- شیر سرخ و پیر سبز ، در
قندهار جایگاه تاجپوشی احمد شاه .
- نقاشی در دوره غزنویان .
- غزنه و بامیان از نظر جهان
گردی .

- بقعه مجذوب لایخوار در غزنه.
- اسلامی افغانستان .
- صورت پیکر سازی در هنر
- میدان سان بینی در دشت شاه
- بهار .
- عروس الفلك.
- پیکر سلاطین غزنوی .
- کشف یکی از مدارس تاریخی
- ماحول نقطه سلطان ابراهیم در غزنی .
- کشف مسکوکات طلایی غز -
- نویان از چهار دره قندز .
- کوشک سلطنتی ، دشت لکان
- از نظر ملك الشعراى غزنوی .
- سلطان ابراهیم غزنوی ونظری
- بر آرامگاه و آبادی او .
- آرامگاه مسعود .
- گارد سلطنتی غزنو یان در زمان محمود و مسعود اول .
- معنی و ریشه کلمه (غزنی)
- سوابق تاریخی آن در افغانستان .
- بقایای هفت دوره تاریخی در غزنی .
- منار های غزنی را که ساخته .
- تپه سردار نقاره خانه یا بت خانه .
- تپه ماهی .
- مجذوب لایخوار پیرو طریقت سنایی غزنوی .
- حفريات در کاخ سلطنتی (دشت لکان) .
- رشید ترین فرزندان هندو کش و مقابله آنها با امیر تیمور گورگان .
- علا الدین جهانسوز .
- منار سلطان غیاث الدین غوری .
- فیروز کوه چه وقت بنا و چه وقت ویران شد .
- معبد نو بهار یا (انا وایها را)
- ازدواج سیاسی ، خویشاوندی
- شهزاده تیموری با شهزاده حاتم مغلستان .
- تقرر حسن سلیمان یکی از امیران هرات به شجنگی (ری) .
- بنای شهر هرات از نظر روایات تاریخی وفولکلوری .
- هرات از روز نه، نگاه بابر.
- مسجد جامع هرات .
- هرات مهد پرورش تاج و انگور .
- اسب های قشنگ ، هدایای شاه وشهزاده گان تیموری به دربار چمن.
- خراسان از نظر معنی لغوی و جغرافیای (خراسان) خاقان ، خراسان جوهره) .
- وادی ارغنداب ، از هزاره پنجم تا هزاره دوم ، از مند یگ تا شهر کهنه قندهار .
- دختر نو شیر وان ، از نقاشی های بزرگ دیواری ساسانی .
- امیر شیر علی خان بار اول بحیث پادشاه افغان در کابل .
- دو تاج پوشی ، خوشه گنم و خوشه جو .
- نامه شاه شجاع عنوانی الله قلی پادشاه او رگنج ، متن عهدنامه میان ایشان .
- شاه محمود ، سلطنت او ل ((۱۲۱۶ - ۱۷۱۹)) هجری قمری
- سجع مهر .
- بالا حصار بالا .
- بالا حصار پایین .
- محله های کابل در عصر احمد شاه و تیمور شاه .
- اسلام آباد لغمان .
- لشکرگاه یکی از قصور زمستانی سلطنتی غزنیان .
- محمد حکیم مرزا پسر هما - یون ، نواسه بابر.
- تیمور شاه درانی آنکه کابل را پایتخت ساخت .
- ارغونی ها در تاریخ افغانستان
- مسجد سنگی در باغ بابر .
- زمان چطور به پادشاهی انتخاب شد .
- باغ شهرارا یکی از باغهای زیبای کابل .
- سقوط غزنوی در ۱۸۳۹ مسیحی .
- جلسه ولیعهد ، سردار عبدالله جان پسر امیر شیر علیخان در سراچه خاص بالا حصار .
- مجاهدین غزنی در حالیکه يك مثقال باروت نداشتند به مبارزه علیه سلطه فرنگی برخاستند .
- قیام ملی ، دوم نوامبر ۱۸۴۱ مسیحی در کابل .
- معاهده تسلیمی .
- تخلیه کابل از قوای انگلیسی در جنوری ۱۸۴۲ - در کابل .
- آمادگی غازیان غزنی و مقر علیه سالخوی فرهنگی .
- کوه شاه کابل .
- غیاث الدین نقاش هروی و چشم دید او از چین در عصر سلطنت (ایو تگ لو) .
- غازی بابا، محمد جان خان غازی .

- آهنگران یکی از قدیم ترین قله های تاریخی غور .
- فیروز کوه .
- تیوره .
- قلع کوهتیز ، یا قلعه تکیـن آباد .
- بریکو شک ، یکی از قصرهای عالی و باشکوه فیروز کوه .
- تولک ، یکی از مراکز باستانی غور .
- بر کوك .
- غرجستان .
- قلعه خسیسار .
- منار ئیکه از دوره های مختلف اسلامی باقی مانده به چه منظور فتح شده بود .
- تصاویر غلامان سرای سلطان گارد سلطنتی غزنویان .
- از پروان نامندره ور .
- نیمروز ، حوزه سفلی هیرمند .
- فعالیت های باستان شناسی در افغانستان بعد از آغاز جنگ دوم جهانی .
- نقاطی که در سالهای جنگ و بعد از آن حفاریات شده .
- یفتل و یفتلی وجه نسیمیه یکی از علایم تاریخی افغانستان .
- دره های بامیان هر کدام از خود يك معبد بزرگ مرکزی و يك هیكل بزرگ بودا داشت .
- لشکر گاه ، قلب حوزه هیرمند
- موسیقی افغانستان .
- بگرام در افسانه عوام .
- افغانستان و هند ، درروشنی تحقیقات باستان شناسی .
- کوشک سلطنتی کنار هیرمند
- کشتی رانی در آبهای هیرمند .
- مقصوره یا مسجد کوچک کو - شک سلطنتی در لشکر گاه .
- زار مرغ مهدر هایش و پرو - رش سلطنت غوریان .
- جنگ در میدان ناک ، علاالدین جهانسوز و سنجر .
- مندیش دار الملك غوری ها .
- خو ابین ، مبارزه محمود درتیر اندازی علیه کفار .
- نگاهی بر نتایج افاقی تحقیقات باستان شناسی در افغانستان .
- آثار معماری عصر غزنوی در افغانستان .
- لاجورد افغانستان ، موارد استعمال آن در مدنیت و هنر های زیبا .
- نشر اسلام در الیشنگ علیا در زمان محمد حکیم مرزا .
- مدرسه و خانقاه شاهرخی در افغانستان .
- در اطراف قضایای قتل (کیو - ناری) وزیر مختار انگلیس در سال - مبر ۱۸۷۹ در بالا حصار .
- شیر پور .
- قتل شاه شجاع .
- قدرت دو جانبه ، (مکنا تن) و (شاه شجاع) .
- شاه جهان و چهار سفر وی به کابل .
- باغ دل ارای مغل در کابل .
- حصار احمد شاهی به دوردور کابل .
- صفه سنگی بابر و جها نگیر در دامنه کوه شیر دروازه .
- صورت پذیری سفر او ایلچیان خارجی در کابل در طی قرن ۱۹ .
- بمت و لشکرگاه در اختنای دود هیرمند .
- بابر و کابل .
- مردان پار و پامیزاد .
- افغانستان در پرتو تاریخ .
- جنگ نامه یا صفت نامه درو - یش محمد خان غازی .
- افغانستان و گفتار اول قبل قبل التاریخ .
- دو کتابی که هنوز نشر نشده :
- جنگ «رویین» و (تهمتن) یا جنگ رستم و اسفندیار دروادی هیرمند .
- افغانستان در چهار راه تمدن و تهذیب .

کوتاه گزارش از کاوشهای مقدماتی تپه مرنجان

تپه مرنجان یکی از ساحات بودائی عصر کوشانی بوده و در قسمت شرق شهر کابل موقعیت دارد در اثر سروی که توسط اعضای مسلکی انستیتوت باستانشناسی در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۱ در اینجا صورت گرفت فیصله بعمل آمد تا بتأسی از پالسی کلتوری دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر گوشه دیگر از فرهنگ گسترده و گشور ریشه کشورروشنی افتد. روی این اصل یک گروه از باستان شناسان جوان کشور گوشه از این تپه را بصورت مقدماتی مورد کاوش و ارزیابی قرار دادند.

بعد از تحقیق نهایی کار کاوش مبنی بر پلان در آغاز سنبه اسیال در قسمتی از نشیب جنوب شرق تپه آغاز گردید که در همان روز های اول معلوم شد که محل کاوش شده اتاق بود و باش افسران و سر بازاری بوده است که ۳۰-۴۰ سال پیشتر از امروز در اینجا در محوطه یک کار نیز یون نظامی که بنام قطعه نقلیه یاد میشد زندگی میکردند اینکار را برای یک هفته دنبال نمودیم زیرا هدف ما روشن بود. ما میخواستیم باز مانده نورا از کهن جدا سازیم و ضمناً اقشار زیرین را که اتاقهای

افسران بروی آنها بنا شده بود بر- رسی نمائیم. چنانچه نتیجه این کار مثبت ارزیابی گردید درین محوطه «گارنیزون نظامی پیشین» که در مجموع هشت روز کار نمودیم ۱۳ مربع ۵ در ۵ متر (سندار) کاوش گردید که ژرفای زیاد آن به ۱۰، ۲، متر و کمتر ین ژرفای آن ۷۰ سانتی متر میباشد با در نظر داشت نتایج حاصله از کاوش فوق الذکر قسمت جنوبی ساحه را که در کنار سرك خامه سمت جنوب واقع است کاوش نمودیم که نتیجه آن قناعت بخش بود و روز تا روز ارزشمندتر و مهمتر شده میرفت یابه واژه های دیگر بهر پیمان که کار کاوش ما جلو میرفت. بهمان اندازه اهمیت تحقیقی تاریخی و باستانی ساحه فزون شده میرفت.

در اینجا مجموعه ۳۲ مربع (سندار) ۵ در ۵ متر کاوش گردید که ژرفای عمیق ترین بخش آن به ۳۰، ۲ متر و کمترین ژرفای کار شد آژ یانه دهلیز طواف یک ستو په میباشد به ۲۵ سانتی متر میرسد از آثار مکشوفه ساختمانی در اینجا میتوان اینها را برشمرد :

۱- یک ستو په مدرو ستو کی که پلیت فارم یا صفه آن مربع بوده و استوانه یادرم یا با صطلاح تخنیکسی (انده) آن استوانه پی شکل بوده و در اطراف خود دارای تزیینات سرستونی ویرگهای اکانت میباشد. پلیت فارم و دهلیز طواف آن (دکشینایت) فاقد کدام تزیینات بوده و دهلیز طواف که تنگ و کوچک میباشد در سه طرف توسط دیوار سنگ کاری شده احاطه شده است قسمتها ی فوقانی ستو په یعنی هر میکا، یشتی و انده آن از بین رفته است.

۲- صفه پخته کاری سنگ فرشی وزینه سنگی : در قسمت شمال دیوار احاطوی ستو په ستو کی یک سطح پرانه سنگفرشی پدیدار گشت که روی آن باندازه ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر با سنگ قروتک دریایی پوشا- نیله شده این صفه در گوشه جنوبی شرقی بیک زینه منتهی میشود که دارای هفت پته بوده و از تخته سنگ و گل ساخته شده است انتهای زینه بیک راهرو ختم میشود که اینرا هرودر مقابل ستو په نسبتاً برگتر قرار گرفته است.

۳- ستوپه بزرگ سنگی: آنسان که گفتم یک ستوپه در مقابل را -

هر روز ینه قرار دارد که شکل چار گوشه یی داشته واز سنگ پر چال بشکل دیا پر مسونری بنا یافته است از این ستو په صرف پلیت فارم دهلیز طواف آن بجا مانده است متباقی حصص آن بکلی از بین رفته است اندازه آن ۵،۵ متر بوده و بلندی دیوار پلیت فارم آن به ۶۰ سانتیمتر میرسد. و دورا دوران آژیانه دکشینا- پت قرار دارد که کناره های بیرونی این آژیانه راسنگ های کوچک بشکل کناره در صحن بیرونی جدا ساخته شده است .

۴- دیوار احاطوی وبا روی جنوب معبد : در جنوب این ستو په دیوار سنگ کاری شده احاطوی معبد کشف گردید که سنگ کاری آن از سنگ دریایی و سنگ کوهی با آژندگل صورت گرفته و در قسمت غرب تا جنوب ستو په ستو کی امتداد میابد بلندی این دیوار ۵۵ سانتیمتر بوده و در ازی آن در حدود سه متر می باشد این دیوار در قسمت جنوب بشرق بیک بارو نیمه دایر وی (Bastion) سنگ کاری شده پیوست می گردد ساختمان اینگونه نیمه برج ها جهت استحکام مزید دیوار هادر عصر کوشانی هامعمول بوده است و مروج. ۵- باز مانده ستو په سنگ بر چال جنوب بشرق ساحه : بطرف شرق کمی دور تر از ستوپه بزرگ یک ستوپه نسبتا کوچک دیگر قرار داشته است که صرف آژیانه پرد کشیناپت و چند قطار سنگ و آژند صغه یا پلیت فارم آن باز مانده است و این بخاطر آن بوده که باثر فرسایش تقریبا هم سطح زمین گردیده بود در اطراف این ستوپه های «دیاپرمسو- نری» چند صغه پرانه و چند دیوار کم ارتفاع سنگی دیگر کشف گردید که یکی به دیگر رابطه داشته و بازمانده های ساختمانی این معبد میباشند .

۶- آبرو ها : نه تنها در معبد بو-

دائی تپه مرنجان بلکه در بیشتر معابد بودائی مکشوفه کشور که بیشتر بالای تپه ها و پشته ها بنا یافته اند به سیستم (Daringe) یا آبرو ها توجه خاص مبذول شده است . این آبرو بیشتر بمنظور آن بوده تا ابهای زاید ناشی از برف و باران و شتتو را در بیرون از ساحه معبد هدایت کند آبرو های معبد بودائی تپه مرنجان که قسما سر پوشنیده و سر گشاده میباشند بصورت منظم سنگ کاری گردیده است و کما کان یکی بد یگری در یک نقطه معین ارتباط میگرد تا اینکه در قسمت جنوب بشرق ساحه از معبد بیرون میریزد. گرچه در بیشتر آبرو ها از بلول های سفالی استفاده مینمودند ولی مادر کاوش موسمی ۱۱ سال خویش به باز یابی چینن بلول ها در آبرو ها تپه مرنجان موفق نشدیم .

آثار مکشوفه تپه مرنجان: پیش از تذکرورده بندی باز یافته های تپه مرنجان از ذکر یک اصل ناگذریم و آن اینکه خاک این ساحه به پیمانه زیاد تیزیابی بوده و فزون بران چون در اینجا یک قطعه نظامی مسکون بوده است در پهلوی این عامل وعوا- مل جوی آثار و باز مانده های معبد اینجا پیمانه زیاد صدمه دیده است که شواهد آن در هر بخش از کاوشهای ماموجود بوده است از آثار و باز یافته های این معبد میتوان اینها را برشمرد :

۱- کله یک مجسمه ستو کی بودا که چهره آن قسما فرسوده بوده زیاد صدمه دیده است .

۲- نصف کله و گردن یک مجسمه دیگر ستو کی بودا .

۳- یک پارچه کوچک قبه مانند طلائی که شاید ظرف آب مقدس باشد و مطالعه آن تاکنون تکمیل نگردیده .

۴- کله یک مرد ریشدار و بروت دار (بربر) از گل پخته که شاید نمایندگی از یک مرد سیستی کند زعقب آن شکسته و صدمه دیده .

۵- کله یک مجسمه بودا که منحصر می باشد زیرا بر علاوه براو شنیشاه مانند مجسمه های بودیستوا دارای یک تاج نیز میباشند. این اثر که از گل پخته میباشند نیز در قسمت کوشی راست خود صدمه دیده و پارچه ای از آن کم می باشد .

۶- قسمتی از کله کوچک مجسمه یک گاو از گل پخته که صرف قسمت پیش روی آن باز مانده است .

۷- انگشتان ستو کی یک مجسمه بزرگ بودا که در میان آنها آهن کار شده است این نوع انگشتان با موجودیت آهن در میان آنها از جمله آثار نابی است تاکنون از ساحات بودائی کشور بدست آمده است.

۸- پارچه های شکسته یک تاج بودیستوا از گل پخته که هفتاد در صد تکمیل میباشند فزون بر اینها که بر شمردیم یکتعداد زیاد پارچه های ستو کی و گل پخته از بخشهای مختلف این تپه کشف گردیده که بیشتر قسمت های مختلف بدن مجسمه ها تزینات لباس، یالان، تاج و حمایل گردن مجسمه های ستو کی و گل میباشند که تعداد آنها از شمار بیرون است .

۹- جعبه تبر کات

از آنجا یکه بیشتر ستو په های بودائی بازمانده در نقاط مختلف کشور ما از نوع ستو په های تبرگی میباشند در معبد بودائی تپه مرنجان نیز در اثر کاوشهای موسمی امسال ماز قسمت زیرین آژیانه دهلیز طواف ستو په شماره سوم یک ظرف کوچک سفالی «لوته مانده» که جعبه تبر کات بود کشف گردید. در میان آن فزون بر پنج دندان انسان یک

اندازه خا کستر واستخوانهای کوچک
قسمتا سوخته و دو دزده نیز وجود
داشت چون درینگونه جعبه ها بیشتر
باز مانده ها و آثار جسم بودا یا را-
هبی بزرگ بودائی «مانند دندان
تار موی، ناخن واستخوان انگشتان»
را جا می گذاشتند لابد این دندانها و
استخوانها نیز یکی از راهبیین-
بزرگ بودائی می باشد .

۱۰- مسکوکات :

بر خلاف تصور و توقع در کاو-
شهای مقدماتی ما از تپه مرنجان
مسکوکات زیاد بدست نیامد. از
اینجا تا کنون صرف به کشف چار
عدد سکه نایل شدیم که آنهم بیشتر
فرسوده و صدمه دیده می باشد و از
اینرو ست که این سکه ها در پژوه
شهای علمی در زمینه، را چندان
یاری نمی رسانند .

الف : سکه مدور رمسی یکی از
حکمرایان کوشانی، که گوشه یی
از آن شکسته تشخیص چهره
حکمران در روی سکه ورب النوع در
عقب سکه امریست مشکل گذشته از
آن از رسم الخط هر دو رخ سکه
نیز چیزی بجا نمانده .

ب: سکه مدور رمسی نسبتا بزرگ
یکی از حکمرانان وایان کوشانی که بگمان
بیشتر از سلسله اول کوشانی یعنی
کدغیز سی می باشد . که کار پاک
کاری و ترمیم آن بنا بر معاذیر
تخنیکی تکمیل نگردیده است .

ج: سکه مسی مدور نسبتا نازک
دوره کوشانو - ساسانی که باثر فر-
سایش زیاد تشخیص کامل آن
مشکل بنظر میرسد .

د: پارچه مدور رمسی سکه مانند که
متا سفانه هر دو رخ آن باثر فرسا

یش زیاد لشم گردیده است .
۱۱- آثار سفالی :

تیکر باسفال که در حقیقت امر
الفبای باستانشناسی محسوب میشود
در تمام ساحات باستانی کشور کم
وبیش وجود دارد که تپه مرنجان
نمی تواند از لین قاعده استثنا باشد
آثار سفالی تپه مرنجان از کوزه گری
عهد کوشانی متاثر بوده و سا ختمان
نوله ها، دسته ، لب ، کعب ظروف
مکشوفه از این ساحه مشابیه ظروف
دوره کوشانی ها کشف شده از دیگر
ساحات باستانی کشور می باشد بهمین
ترتیب مهرها «ستمپ» و دیگر تر
ینات بخش های مختلف ظروف تپه
می باشد که در ظروف دوره کوشانی
مرنجان دارای همان ویژه گی های
دیده میشود .

ظروف سفالی تپه مرنجان را بیشتر
خم ها و خمچه ها تشکیل میدهد که،
در پهلوی آن کوزه ها ظروف لگن
مانند ، بشقاب ها، قلع ها و کاسه
های خورد بزرگ خمره ها، چراغ
های نوله دار فنیله پی سر باز، صراحی
ها و تگاره های کعب گلان نیز کماکان
دیده میشود. کاه البته ظروف دسته
دار، نوله دار، پوش دار، و گاهی
ظروف دودسته یی را نیز شامل
میکرد یا به واژ های ساده تر تصیف
های دهن باز و دهن بسته را نیز
در بر میگیرد .

باز یافته های کوچک :

گذشته از آنچه در بالا بر شمر-
دیم یکتعداد آثار خورد و کوچک و
متفرق دیگر نیز از اینجا کشف گردید
که از این میان میتوان اینها را بر
شمرد :

پارچای از يك «تريشول» كو چك
و تزیینی از استخوان، شیشه ها ی
نازك كه بگمان بیشتر پارچه های قدح

ها می باشد. این پارچه شیشه ها که
به قدح های مکشوفه بگرام حساب-
میرساند در سطح خود دارای يك
قشر نازك سفید رنگ می باشد ، يك
زیر ستونی سنگی که قسمت زیرین
آن چار گوشه و قسمت بالای آن مدور
بوده و در وسط دارای يك سوراخ به
ژرفای ۱۰ سانتی متر می باشد، سنگ
مرمر تراش شده نسبتا بزرگ که
مانند دسته ها وان بوده و در دو طرف
قدری ضخیم می باشد، قسمتی از يك
سنگ سخت دیگر که شكل سند
زیرین دستاس را دارد. بهمین
ترتیب میخ های فلزی، پارچه يك
كارد از آهن زنگ زده، پارچه های
ذغال واستخوانهای حیوانات شامل
این كتگوری میگردد .

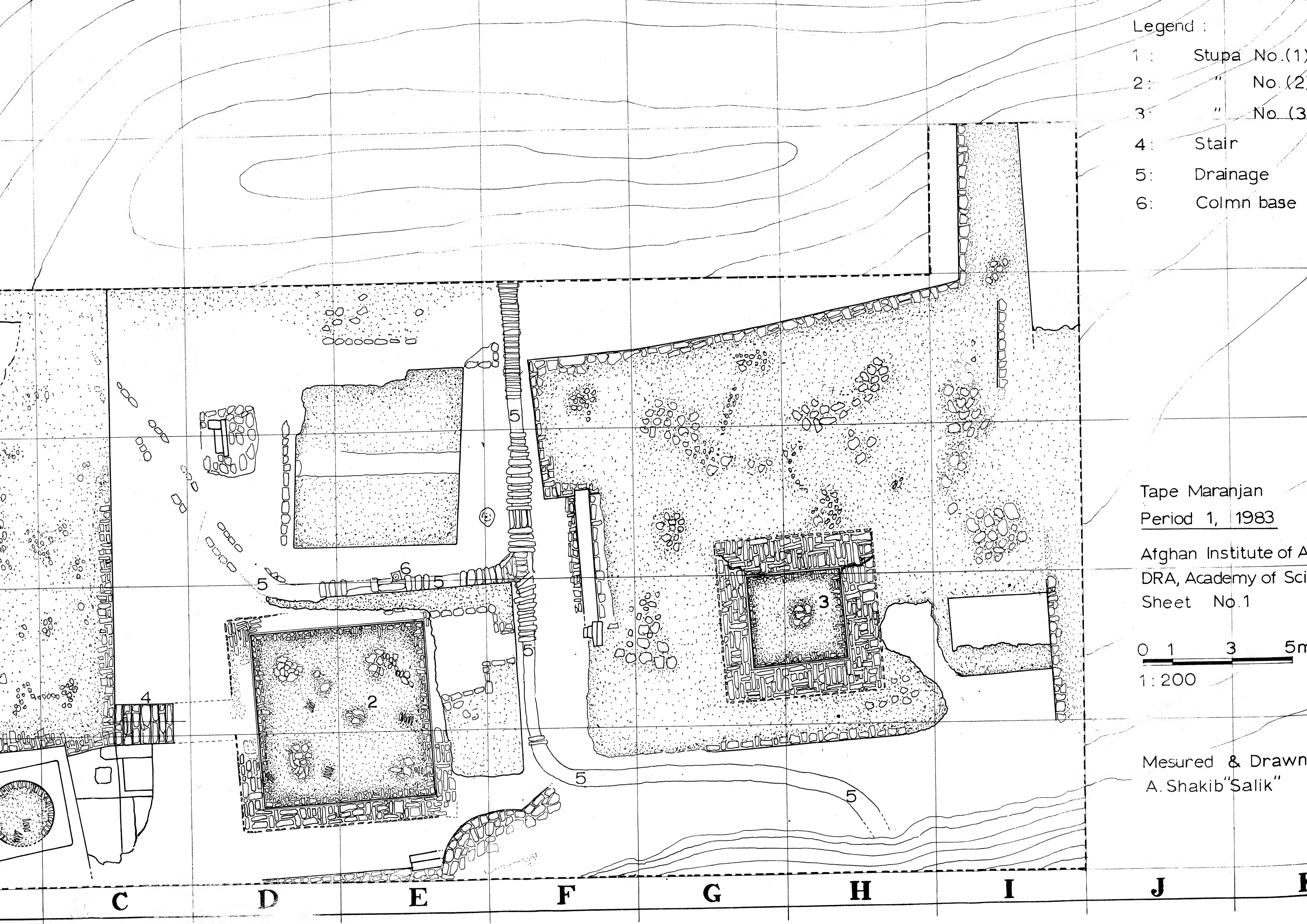
ناگفته نباید گذشت که طی سه
ماه کاوش ها در تپه مرنجان یعنی
از آغاز سنبله الی ختم عقرب ۱۳۶۲
مجموعا ۴۶ مربع (۵ دره متر) کاوش
گردیده که ژرفای عمیق تر يك نقطه
آن به ۲۴۰ متر و از کمتر يك نقطه
آن به ۲۵ سانتی متر میرسد. در
مجموع (۸۰۰) متر مكعب خاك از این
ساحه برداشته شد .

همزمان با كار كاوش كار ترميم
ساختمان های معبد نیز تا جا ييكه
امكان داشت صورت گرفت، این ترمیم
وقسمتا باز سازی بیشتر بمنظور ی
آن بوده است تا از صدمه های بیشتر
ناشی از عوامل مختلف درسا ختمانها
جلو گیری بعمل آید.

هما نسانیکه در متن این کو تا ه
گزارش اشاره های رفته است هدف
از کاوش ما درین ساحه بیشتر
این بوده است تا این معبد را از زوال
قسمی نجات داده باشیم که این
زوال فزون بر عوامل جوی ناشی
از خاك برداری ها و اعماری ساختمان-
نهای است که حتی در آغاز همین

Legend :

- 1 : Stupa No.(1)
- 2 : " No.(2)
- 3 : " No.(3)
- 4 : Stair
- 5 : Drainage
- 6 : Colmn base



Tape Maranjan
Period 1, 1983

Afghan Institute of A
DRA, Academy of Sci
Sheet No.1

0 1 3 5m
1:200

Mesured & Drawn
A. Shakib "Salik"

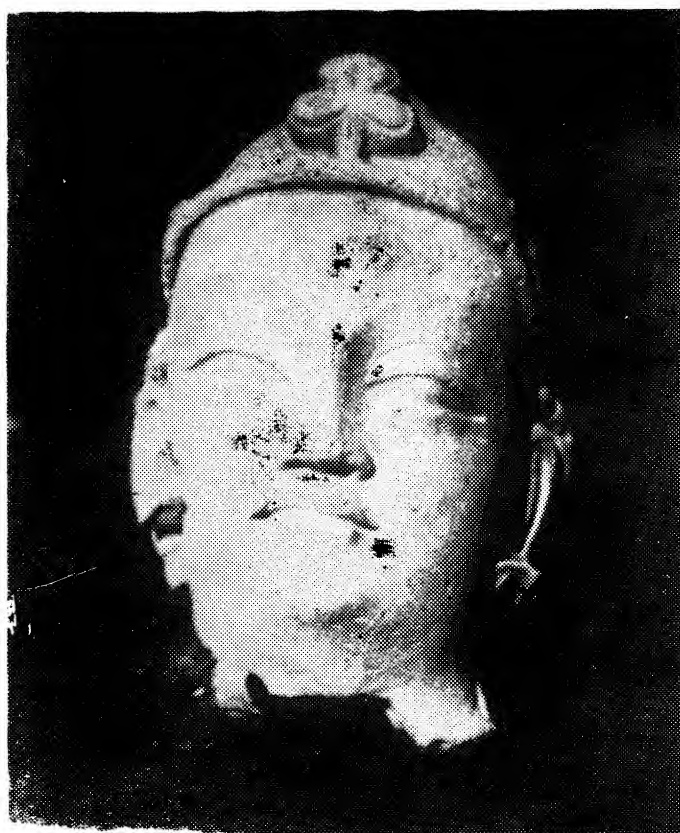


- بخشی از يك تاج مجسمه
بودیستوا از گل پخته (این اثر
نیز پیش از ترمیم عکاسی شده
است).



- کله مجسمه يك مرد سیتی
(بربر) از گل پخته پارچه های کله
آن از چند بخش سند از بصورت
پرا گنده بدست آمد . (اثر پیش
از ترمیم عکاسی شده است.)

- کله ستوکی مجسمه بودا که
مانند مجسمه های بودیستوادارای
تاج تزئینی میباشد . (پیش از
ترمیم) .



- قشر زیرین کله يك مجسمه
ستوکی بودا مکتشفه معبد بودایی
تپه مرنجان .
اثرات تیزابی بودن خاک معبد و
نواحی آنرا به وضاحت بر روی این
چهره مشاهده کرده میتوانیم .
(اثر پیش از ترمیم عکاسی شده
است.)

- نیمرخ کله يك مجسمه ستوکی
 بودا که تزئینات موها ، تاج و
 (اوشنیشا) آن به خوبی معلوم می
 شود . بخشی از نرمة گوش و تز-
 ئینات موهای آن در عقب سر صدمه
 دیده است .

(پیش از ترمیم) .



- نیمرخ چپ مجسمه مردسیستی
 که قسمتی از پیشانی آن شکسته
 و کمبود میباشد .
 (اثر پیش از ترمیم عکاسی شده
 است .



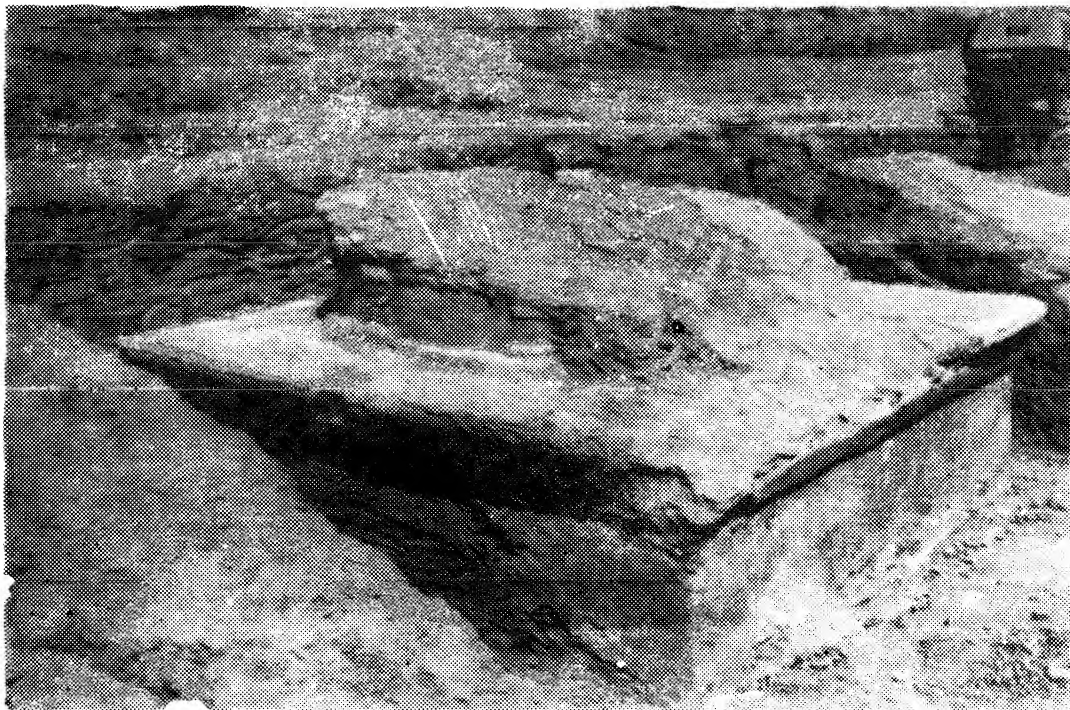
- ظرف لوته مانند تیکری یا جبعه تبرکات آثار بودایی مکتشو فستوپه شماره سوم معبد تپه مرنجان
این ظرف که دارای چند دندان و چند پارچه استخوان یکی از را همین بزرگ بودایی میباشد بنام
یادمیشو د (Sariras dhathu) .



- بخشی از نمونه های تیکرهای تزئینی ظروف سفالی معبد بودایی تپه مرنجان .

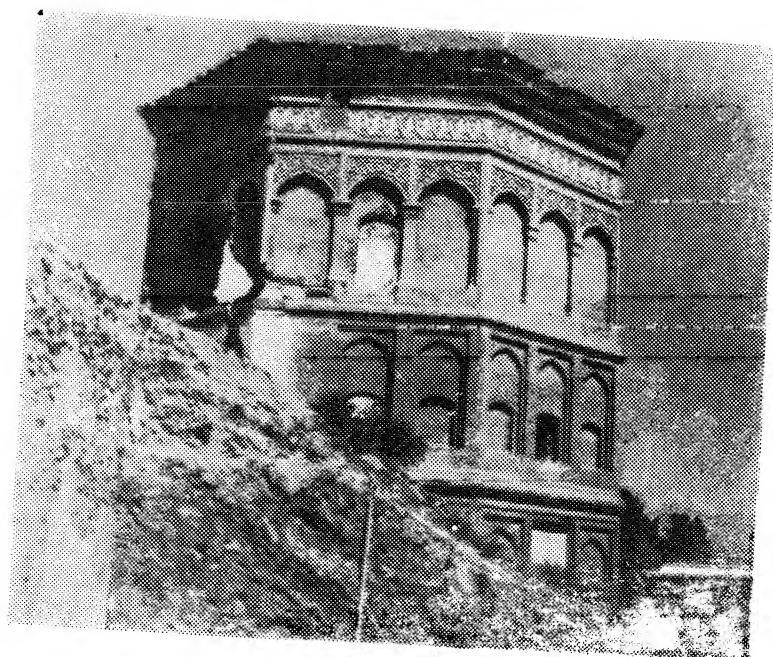
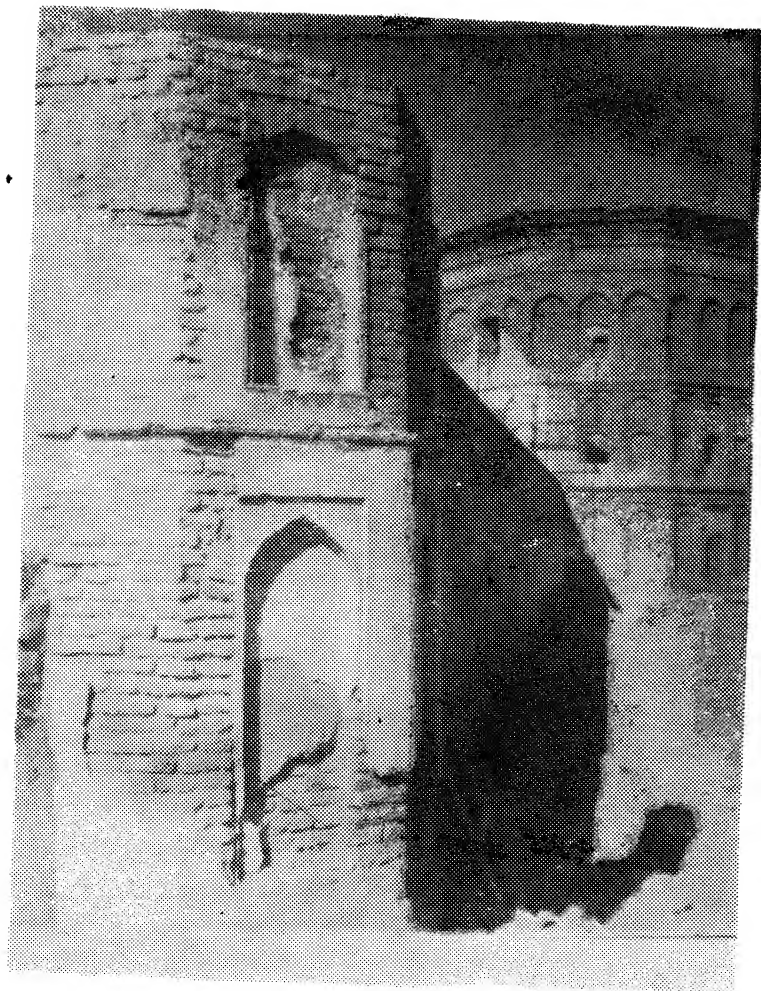


- گوشه یی از آبرو های معبدبودایی تپه مرنجان که در کنارچپ
آن يك زیر ستونی سنگی نیزدیده میشود .



- نمای گوشه یی یکی از ستوپه های ستوکی تپه مرنجان به شکل
«دیا پر سونری» اعمار گردیده است . بخشی از پلیت فارموانده
آن از بین رفته است .

- نمای عمومی برج شهرآرا پس
از ترمیم .



- نمای بخش شرقی برج
شهرآرا پیش از ترمیم .

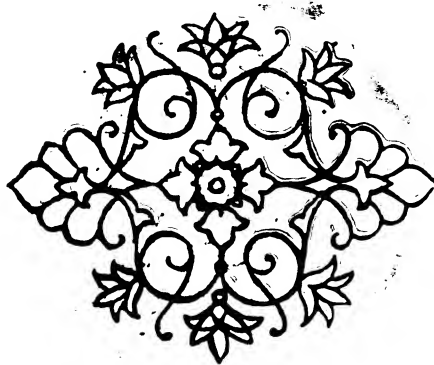
سال در انجا جریان داشت همین
 اکنون قسمی از ساحه باستانی
 زیرسا ختما نه‌ای جدید خود سرانه
 پنهان شده است و قسمی از بازمانده
 آن نیز ذخیره گاه خاك و سنگ اهالی
 منطقه گردیده که هر گاه يك سال
 دیگر دو شها به عقب می افتاد به
 یقین آنچه را امروز از انجا کشف
 کرده ایم در سال آینده نمی توانستیم
 بهر تهج این معبد يك ساحه وسیع و
 گسترده را احتوا مینماید که نیاز
 به کاوشهای پیهم و دو امداد دارد
 به یقین طوریکه در بالا اشاره شد
 روز تا روز اهمیت تاریخی و باستانی
 ساحه فزون شده میرود بنا در نظر
 است تا در سال ۱۳۶۳ کار کاوش
 مابشدت هرچه بیشتر درین ساحه
 ادامه یابد تا از یکطرف گوشه از
 فرهنگ و تاریخ غنامند کشور روشن
 گردد.

وا از جانب دیگر از زوال چنین يك
 ساحه با عظمت باستانی جلو گیری
 گردد .

گرچه تحقیقات همه جانبه علمی
 کاوشهای تپه مرنجان هنوز آغا ز
 نگردیده است و کاوشهای آیندوره
 ما نیز بیشتر جنبه گمان زنی داشت
 ولی ناکذیریم جهت آگاهی پژوهشگران
 و علاقمندان کوتاه گذارشی در زمینه
 تهیه بینیم. به یقین يك اصل ناگفته
 باز میماند و آن تاریخ معبد بودایی
 تپه مرنجان میبا شد : درینجا باید
 خاطر نشان ساخت باوجود اینهمه
 معاذیر که در بالا بر شمردیم اکنون
 نمیتوان تاریخ دقیقتر از سده چارم
 میلادی بدان داد. تعیین این تاریخ هم با
 در نظر داشت مطالعاتی بوده است
 که تا اکنون بالای مسکو کات و آثار
 سفالی صورت گرفته ولی این امید

واری وجود دارد که قدامت آن بالا
 برود، و به اواخر سده سوم میلادی
 خود را نزدیک تر سازد و یا شاید هم
 بالاتر از آن بهر حال در زمینه نیاز-
 مند پژوهش و تحقیقات بیشتر
 هستیم .

در پایان باید خاطر نشان ساخت
 که چون این گذارش يك گذارش
 کاملاً علمی نیست بناء از ذکر برخی
 از ویژگیهای علمی ساحه و آثار مانده
 اندازه های دقیق، نحوه ساختن
 ظروف سفالی، ترسیم لب و قاعده آنها
 و يك سلسله مسایل قابل مناقشه
 دیگر درینجا صرف نظر نمودیم و امید
 است با پیشرفت کار کاوش، ترمیم
 و پژوهشهای مزید در زمینه بتوانیم
 رساله مهم و معتبری را به دسترس
 پژوهشگران محققین و مورخین نستوه
 کشور قرار دهیم .



گزارشهای باستان‌شناسی

ترتیم برج شمشیرآرا

حاجی محمد حسین ، و استاد پاینده محمد (پدرو پسر) در راس معماریان و مهندسين آن زمان قرار داشتند و خلاصه حسب خوا هش پادشاه وخت ساخته شد رواقها ، گنبد های مختلف الشکل ، گرد ، بیضوی ، نیمه بیضوی سر دروازه الی- گچ بری هاو تمثال نگاری ها، تزیینات گل برگ پایه ستون هاو مقرنس کاری وغیره مصالح مخصوص تهیه میگردد و سنگ کاری آنها معماران مشخص میساختند . اینکه پایتخت از قندهار در زمان تیمور شاه به کابل نقل داده شده این معماران همراکاب شاه به کابل آمده و به شهرسازی آغاز نمودند که سر پرستی امور شهر سازی را در کابل مراد خان که فعلا کوچه بنام موصوف (مراد خانی) معروف است روی دست گرفته و شروع بکار کرد . از جمله تعمیرات این معماران در کابل زیارت عاشقان و

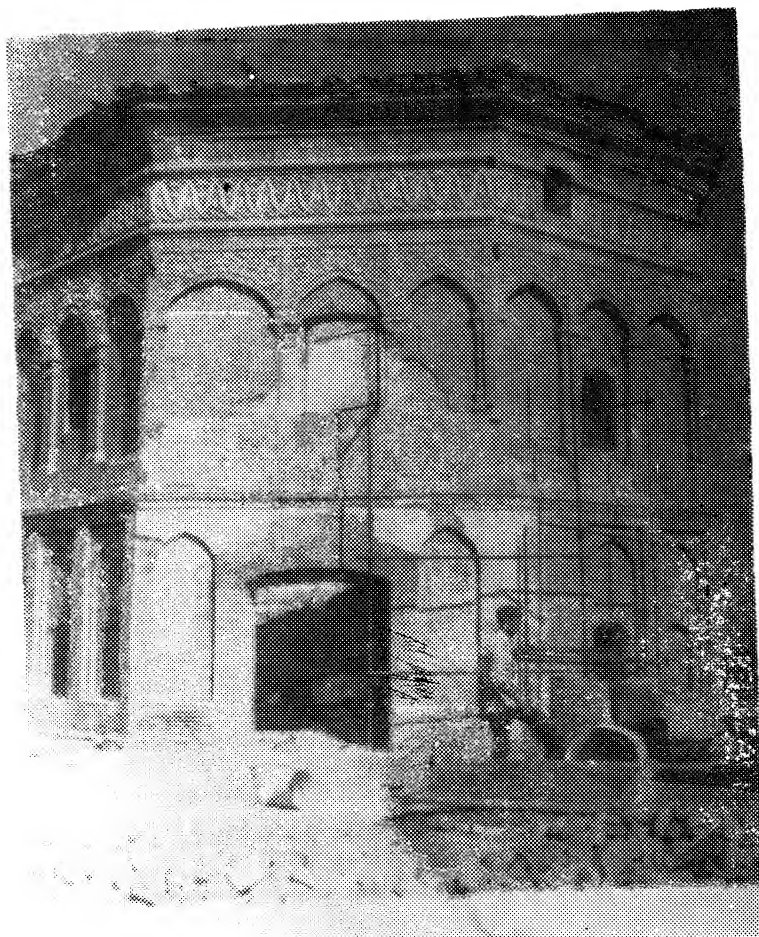
معماری که به آن دسترسی کامل داشتند. اکثر شان از هنر مهندسی مجسمه سازی و نقاشی بهره داشتند.

احمد شاه درانی اینکه خواست

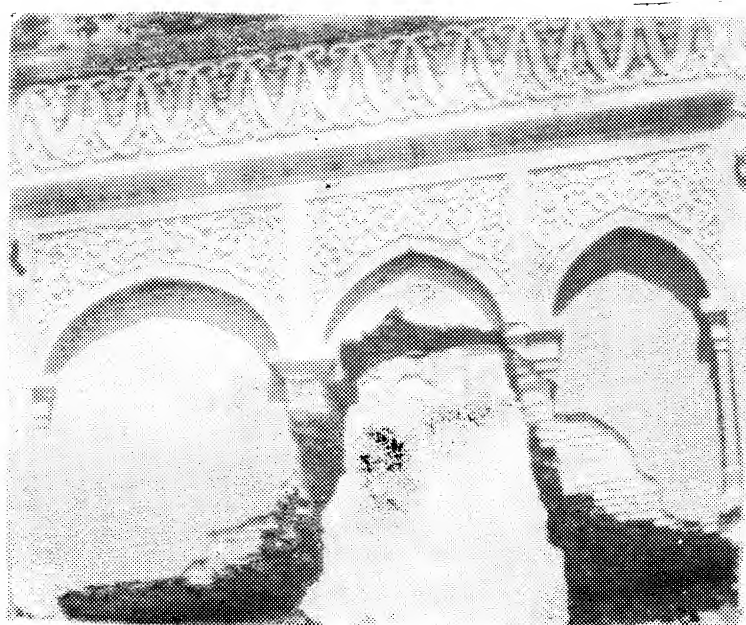
پایتخت جدید برای امپراطوری خود بسازد شهر جدید احمد شاه را در همین جایی که است در نظر گرفت و نقشه آنها باتعین عمارات سرکاری، ارگ دربار، و متعلقات وی در داخل فصیل بس عریض و محکم که شامل چهار بازار و قلعه سازی آنوقت رنگ اندازی نموده و بدسترس خود شاولی خان سپرد، تا توسط معماریان و مهندسان آزموده و استاد کار قندهاری شهر موصوف را آباد سازند از بنا های معتبر آن عصر مسجد جامع عمارات چار سوق، ساختمان خرقة مبارک منزل باغ و بسی کاخهایی دیگر به سبک قندهاری و بدست معماران قندهاری اعمار گردید .

هر گاه بنا هایی قدیمه خاصتا در کشور هایی همسایه از نگاه مهندسی و معماری بدقت مشاهده شود عمارات و ساختمانها عموما از عصر احمد شاه ابدالی بدینسو ریشه مشترک دارند .

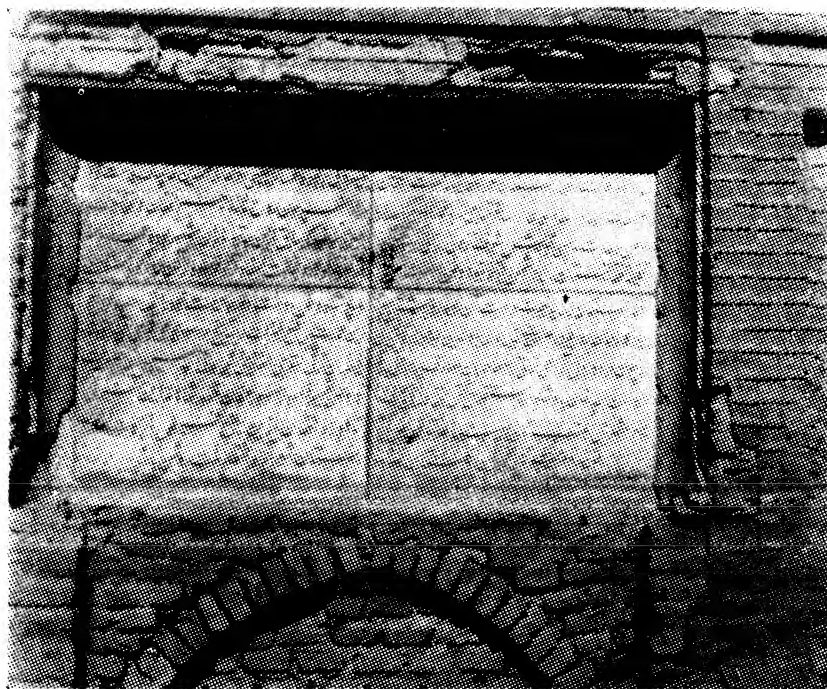
عمارات زیبائی آگره بدست استاد احمد و پسران وی عضالله و دیگر معماران اصیل قندهاری ساخته شده زیرا همان سبک و روش و مصالح ساختمانی که در آن بکاررفته با مواد وطن عزیز ما همگون میباشد. این معماران در هنر خود سخت اسرار داشتند و جزعنه آنها بوده که به غیر از پسر ندرتا نزدیکترین اولاد وفامیل خود، بدیگری نمی آموختند. افزا کار آنها از قبیل آبترازو، شاول، پرکار، وغیره از طلائی ناب بود که معماران قندهاری آنها را در برای ساختمان سرک ها، پلها، بند ها، جویی ها، حوض ها و تعمیرات بکار میبردند. گذشته ازین فن



- برج شهرآرا هنگام ترمیم .



- بخشی از تزئینات و گچ بری‌های برج شهرآرا .



کتیبه برج شهر آراء

عارفان ، تمیم جا بر انصار (رح)
مسجد نور الاسلام که آنرا فعلا مسجد
چوب فروشی میگویند از جمله یاد
گار آن معماران در کابل است و
هنگذا در کابل - جلال آباد - هرات
تاشقرغان و بعضی جای دیگر عمارات
رات باشکوه توسط این معماران
قندهاری ساخته شده است .

همینکه امیر عبدلرحمن خان
پادشاه شد و متوجه لیاقت و سبک
کار معماران قندهاری در خلم گردید
معماران مذکور را به عزت تمام بکابل
آورده و طرح عمارات برج شهر را
باع بالا باغ مهمانخانه ولایت کابل
تعمیر ارگ و غیره را توسط معماران
موصوف بنا نهاد ناگفته نماند از
اینکه در آن زمان سمنت به ندرت
پیدا میشد ، هدایت داده شده بود
که از سفیدی تخم مرغ استفاده
کرده و زردی آنرا کار گران آنجا
بخورند .

عمارت تاریخی برج شهر آراء از
مدتی بدینطرف بحال خود باقیمانده
و کم کم روبه خرابی میرفت . تا
اینکه ریاست باستانشناسی و کوشانی
های اکادمی علوم افغانستان
به پیروی از مشی دولت انقلابی

که برای ترمیم و نگهداشت آبدات
مبذول میدارد کمیته محترم پلا -
نگذاری مبلغ چار صد هزار افغانی
را برای پاک کاری و ترمیم موقت
برج شهر را تخصیص دادند که
مبلغ مذکور در سه ربع کار شده است.
کارهاییکه در امر ترمیم این برج تاریخی
در سال جاری صورت گرفت عبا-
رتند از :
۱- در حدود تقریباً یک هزار و دو
صد متر مکعب خاکبر داری .
۲- ترمیم و پلاستر دیوار برج
بطول ۵۰ متر و چار متر.
۳- ترمیم و کانکریت ریزی
دروازه و رواق برج شهر را و سیخ
گول.
۴- پاک کاری داخل برج شهر را
بخاطر پیدا کردن تهداب زینتهای برج.
کاری ترمیم برج شهر آراء در
سال ۱۳۶۳ نیز ادامه خواهد داشت.

سیمینار هزارمین سال تالیف حدود العالم

سیمینار هزارمین سال تالیف حدود العالم با همت اکادمی علوم ج. د. ا. بتاريخ ۲۸-۳۰ عقرب در تالار هوتل آریانا دایر شد. در این سیمینار افزون بر اشتراك روسای اتحادیه نویسندگان و شعرا رئیس و اعضای اکادمی علوم، رئیس کمیته دولتی کلتور، رئیس پوهنتون عده‌یی از دانشمندان اتحاد شوروی و تعداد از استادان پوهنتون و برخی محققان اکادمی علوم اشتراك داشتند.

سیمینار با بیانیه افتتاحیه سلیمان لایق عضو کمیته مرکزی ج. د. ا. خ. اورئیس اکادمی علوم ج. د. ا. آغاز شد و سپس سه روز جلسات بررسی و ارزیابی از اهمیت تاریخی و فرهنگی حدود العالم این اثر ارزشمند و کهن جغرافیایی و ارایه نتایج پژوهش‌های دانشمندان شرکت کننده در سیمینار ادامه یافت.

در بخشی از بیانیه افتتاحیه ریاست اکادمی علوم ج. د. ا. به مناسبت سیمینار هزارمین سال تالیف حدود العالم چنین آمده است: ((اکادمی علوم ج. د. ا. بتاسی از مشش فرهنگی حزب و دولت انقلابی، خود را مکلف به پاسداری از میراث‌های فرهنگی کشور دا-

نسته، در کنار به سر رسانیدن پروژه‌های علمی اقدام به تدویر جلسات علمی و سیمینارها کرده است. امید است نتایج سودمندی از تدویر این سیمینار بدست آید و با پژوهش تازین اجتماعی جغرافیا فرهنگ و روانشناسی اجتماعی، شرایط عینی و ذهنی جامعه افغانی بدرستی شناخته شود. بدین ترتیب ما میتوانیم برای انکشاف آینده جامعه خود پلان‌های تحلیل شده و علما تنظیم شده را باموفقیت موردتطبیق قرار دهیم.))

در جریان جلسات علمی سیمینار حدود العالم، افزون بر قرائت پیامها مقالات و مضامین تهیه شده به مناسبت این سیمینار توسط اشتراك کننده گان خوانده شد. مقالات و مضامینی که طی جلسات علمی سیمینار گزارشی یافتند عبارتند از:

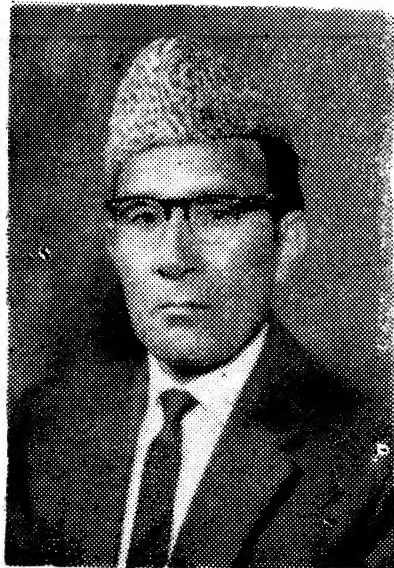
- مقایسه اسلوب جغرافیه نگاری حدود العالم، جغرافیه‌های مماثل آن)) از پوهنوال شاه علی اکبر شهرستانی، تذکرات مختصر جغرافیایی در باره سیستان و بلوچستان از محمد اعظم سیستانی، - ((پر حدود العالم اتنوگرافی له نظره بحث)) از محمد ابراهیم

عطای. - اما کن ماوراءالنهر در حدود العالم من المشرق الى المغرب از دکتور قربان بابایف. - او ضاع سیاسی و اداری خرا. - سان در قرن چهارم هجری، از عبدالله مهربان. - جغرافیا فیایی تاریخی هرات))، از محمد انور نیر. - ((اندر آب از عبدلوهاب فنایی - ((تحقیق در باره جایگاه اصابت تیر آرش)) از پوهانده سرور همایون. - «تجلی فرهنگ کهن در حدود العالم من المشرق الى المغرب)) از پوهانده دکتور جلال الدین صدیقی جغرافیایی تاریخی فراه، از فاروق مهرزاد. - ((خراسان)) از مایل هروی. - گردیز شهر تاریخی افغانستان از حبیب الله فرهنگند. - جغرافیه تاریخی ننگرهار)) از دکتور مددی.

سیمینار علمی هزارمین سال تالیف حدود العالم لم در فضایی علمی همراه با بحث‌های علمی روی مسایل طرح شده در مقالات و مضامین که در پایان ارائه هر مقاله صورت می گرفت مهمترین جوانب ارزنده تحقیقی و علمی این کتاب را مورد

پانزدهمین سالروز وفات فکری سلجوقی

بمناسبت پانزد همین سالروز وفات استاد عبدا لروف فکری سلجوقی مورخ و سخنور و هنرمند معاصر محفل بزرگداشتی بتاریخ (۲۲) حوت ۱۳۶۲ در تالار هوتل آریانا برگزار شد.



در این محفل که با قرائت پیام افتتاحیه ریاست اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان گشایش یافت، روسا و نمایندگان اتحادیه نویسندگان و شعرا، پوهنتون کابل، کمیته دولتی کلتور اتحادیه هنرمندان، برخی از دانشمندان و پژوهندگان اکادمی علوم و جمعی از دوستان و دوستان مرحوم فکری سلجوقی اشتراک ورزیده بودند.

پس از قرائت پیام افتتاحیه ریاست اکادمی علوم پیام های

اتحادیه نویسندگان و شعرا ج. د. اتحادیه هنرمندان، پوهنتون کابل و کمیته دولتی کلتور، در باره شخصیت علمی و خدمات ارزنده فرهنگی استاد فکری نیز گزارش یافت.

در پیام ریاست اکادمی پیرامون بزرگداشت از پانزد همین سالروز وفات استاد فکری سلجوقی چنین یاد آوری شده است.

((مجلس بزرگداشت از شخصیت فرهنگی استاد عبدا لروف فکری سلجوقی در سلسله گسست ناپذیر تجلیل و سپاس از ستارگان علم و فرهنگ ما، ادامه عنعنات شریف و دیرین سالی است که به ابتکار نهاد های فرهنگی و علمی با کیفیت نوین و انسانی آن ستارگان مان می یابد.

هدف بنیادی اکادمی علوم ج. د. ا. به عنوان کانون علمی و فرهنگی معتبر کشور از برگزاری جلسات یاد بود از شخصیت های دانش و فرهنگ ما مسلما در جهت تحقق برنامه های فرهنگی حزب و دولت ماست که متوجه حرمت گذاشتن به افتخارات تمام ملیت های افغان - نستان و هموار سازی راه بالندگی و پیشرفت مادی و معنوی آنها - ست.))

در این محفل از جمله مقالات و مضامین تهیه شده ((زندگینامه استاد فکری سلجوقی)) نوشته حسین وفا سلجوقی و «دفتر و او زهره» به مثنوی کی داوستای عصر انعکاس از سر محقق دوست شینواری نیز در محضر شاملان سمینار خوانده شد، و همچنین

ارزیابی و بررسی قرار داد و با صدور قطعنامه بتاریخ ۳۰ عقرب به کار خود پایان داد.

حدود العالم نخستین کتاب جغرافیایی بزبان دری یکی از ادیباننداد بی و علمی در تاریخ فرنگ که پن سال داشت که بوسیله مولف گمنامی در سال ۱۷۷۲ هجری در صفت زمین و نهاد و انقسامات آن و نواحی و بلاد واقوام مختلف و احوال آنها و نظایر این امور به نام ابوالحارث محمد بن احمد فریغون شهریار جوزجان نگاشته شده است. این ابو الحارث محمد معاصر ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی و از آل فریغون یا فریغو نیان بوده که در گوزگانان اقامت داشتند و از خاندان مشهور در خراسان بودند که بدست سلطان محمود غزنوی بر افتادند.

((حدود العالم من الشرق الی المغرب)) نه تنها یک کتاب جغرافیایی است، بلکه از دیدگاه مورخین، باستان شناسان، جامعه شناسان، جیو مورفو لوژیست ها، زبان شناسان، اقتصاد دانان و حتی پژوهندگان کیمیا نیز اهمیت ویژه ای دارد.

این کتاب برای نخستین بار بوسیله استاد بار تولد در اتحاد شوروی چاپ شد و استاد مینورسکی حواشی و تعلیقات مفصلی بر آن داشت و بحیث یکی از آثار گرانقدر جغرافیایی و تاریخی معرفی گردید.

حدود العالم بار نخست در کشور ما با مقدمه بار تولد و حواشی و تعلیقات مینورسکی بوسیله پوهاند میر حسین شاه ترجمه و در سلسله انتشارات پوهنتون کابل در سال ۱۳۴۴ به چاپ رسید.

پدرود حیات گفت و در خیابان هرات بخاک سپرده شد .

شاد روان استاد فکری آثار و تالیف فراوانی در معرفی و روشنگری تاریخ و فرهنگ باستانی هرات از خود به یادگار گذاشته که مهمترین آن عبارتند از: گرد آورد تدوین تصحیح و چاپ دیوان های بنایی هروی و آصفی هروی ، تالیف و چاپ رساله های تحقیقی ((گازرگاه)) و «خیابان» تصحیح مقابله و حواشی چاپ رساله مزارات هرات و مقامات شیخ السلام. چاپ صد ها مقاله تحقیقی در نامه های هرات و آریانا تصحیح و تحشیه رساله موسیقی درویش علی هروی بخشی از تاریخ هرات باستان ، و ترتیب فهرست نسخ خطی .

همچنان از استاد فکری سلجوقی مجموعه اشعار و مثنوی دلیذیری بنام ((فریدون و زهره)) نیز در دست است .

نگاری استاد فکری سلجوقی ((از پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی ، ((فکری فرهیخته سخنور آگاه))از ناصر رهیاب ، آثار و تالیفات استاد فکری سلجوقی)) از مسعود رجایی تمییه شده است که قرار است در مجموعه ویژه به چاپ برسد .

استاد فکری سلجوقی مورخ پرکار ، شاعر و نویسنده توانا ، نقاش و خطاط چیره دست صنعتکار ماهر و موسیقی دان آگاه درسال ۱۲۸۶ خورشیدی در هرات متولد شد و عمری را بر سر تحقیق و پژوهش تاریخ و فرهنگ شهر باستانی هرات شناسایی آبادات ، آثار معماری و مشاهیر آن و باتلاش آفریننده و خستگی ناپذیر در موسسات فرهنگی کشور چون انجمن و کلوب ادبی هرات ، انجمن شاعران کابل و انجمن تاریخ افغانستان به سر آورد .

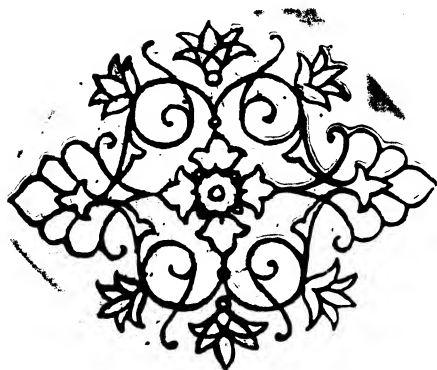
استاد فکری سلجوقی بتاریخ ۲۲ حوت ۱۳۴۷ در شهر کابل

کتاب)) بخشی از تاریخ هرات باستان)) استاد فکری که بدین مناسبت از طرف اداره مجله هرات باستان چاپ شده و برخی از نشریات ریاست باستان شناسی و کوشانی نیز به حاضران توزیع گردید .

محفل با صدور قطعنامه بابیانیه اختتامیه محترم دستگیر پنجشیری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس اتحادیه نویسندگان و شعرای ج . د . ا . پایان یافت .

بمناسبت پانزد همین سالروز وفات استاد فکری سلجوقی افزون بر مقالات خوانده شده در محفل ، مقالات و مضامین دیگری زیر عنوان ((بیاد نگارنده تاریخ هرات باستان)) از محمد علم غواص ، است .

«استاد فکری هنرمند چند بعدی» از مایل هروی ، ((روش تاریخ





وفات حاجی جمعه گل مهندس چیرهدست

باتاسف اطلاع یافتیم که مهندس حاجی جمعه گل طراح و معمار پرو-ژه بین المللی هرات، در ماه دلو ۱۳۶۲ به اثر بیماری مزمن به عمر شصت و پنج سالگی چشم از جهان پوشید.

سال ۱۳۲۲ در مسجد جامع هرات به رهنمایی مرحوم حاجی محمد اسما عیل بنا و مرحوم غلام حیدر - مهندس سان معروف و قوت به کار آغازید.

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ در طرح نقشه و ساختمان بخشی از پارکها عمارات و عمرا نات عصری شهر هرات نیز سهمی مهم داشته است.

این مهندس پر کار و صنعتگر ماهر در سالهای اخیر در پرو ژه بین المللی هرات به کار ترمیم، تزئین و باز سازی آبادات شکوهمند هرات چون: مسجد جامع مصلاي هرات و مزار حضرت خواجه عبدالله انصاری در گازر گاه اهتمام داشت و باوصف کهولت و بیماری با ابراز صداقت و فداکاری در راه حفظ و احیای ابنیه تاریخی و شهکارهای معماری و در پرورش معماران و کاشی سازان آندیار تلاش های بی خستگی ناپذیر به عمل آورد.



حاجی جمعه گل

مهندس حاجی جمعه گل یکی از مهندسان و معماران ورزیده و کار آزموده شهر تاریخی هرات بود که نه تنها در ترمیم، تزئین و باز سازی آبادات تاریخی با همان اسلوب و سبک اصیل باستانی آندیار مهارتی چشمگیر داشت، بلکه در اعمار ساختمان های عصری نیز کارائی و لیاقتی بی مانند ی را دارا بود.

وی مدت پنجاه سال در ساختمان عمارات عصری و همچنان در ترمیم و تزئین ابنیه تاریخی هرات خدماتی فراموش ناشدنی و گرانقدری انجام داد.

((باستا نشناسی افغانستان))
وفات مهندس حاجی جمعه گل صنعتگر نامی و معمار کار دان هرات باستانی را در راه نگهداشت و احیای صنایع و معماری اصیل کشور ضایعه یی جبران ناپذیر دانسته، با ابراز تسلیت به دوستان آن مرحوم روانش را شاد میخواهد.

او در سال ۱۳۳۵ به حیث مهندس امور ترمیم و تزئین مسجد جامع هرات، در کار کاشی کاری و مقرنس بندی مینارها، ایوانها و گلدسته ها و ترمیم و تزئین سایر نقاط آن معبد شکوهمند اسلامی همت گماشت.

مرحوم مهندس حاجی جمعه گل

مهندس حاجی جمعه گل فرزند مرحوم محمد حسن در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در شهر هرات چشم به دنیا گشود و از سن ۱۴ سالگی به فراگیری فن معماری پرداخت. از

بستانشناسی افغانستان

نشریه ششماه استیوت بستانشناسی
اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان

تشریح اشغال سنگلار
طهر افغانی ۳۵

خارج دیو پوښ ۱۲ دالری

" " زیننی ۶

" " محصین ۱۰

" " زیننی ۵

قیمت کچمښه (۲۰) ۲۰

آدرس: د لرغون پېژندنې بنسټ

قلعه فتح بڼه - کابل افغانستان

تېلېفون: ۲۱۳۱۶

میرموسول:

عبدالجلیل پولادی

مېستم: عارف نیکو

سټا-سټیس ۱۳۵۸

Archaeological
Research Biannual
Magazine

Director and Editor
A. Jalil Poladaro

Annual Subscription
In Afghanistan Af. 35

Foreign Countries

By Air \$ 12

By Land \$ 8

Students

By Air \$ 10

By Land \$ 5

Address:

Afghan Institute
of Archaeology

Bala-i-Fathullah
Kabul - Afghanistan
Tel. 31316

Afghanistan Archaeological Review

**Demeocratic Republic of Afghanistan
Academy of Sciences**

Six Monthly (vol. 10-No 2) March-1984

Government Printing Press